



عاشورا منطق ایستادگی

تاسوعا و عاشورای حسینی تسلیت باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۴ | دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴ | ۴ محرم ۱۴۴۷ | ۳۰ ژوئن ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

۲
سرمقاله



دکتر یدالله جوانی

ترامپ به چه کسی دروغ می‌گوید؟

۳
دیدگاه



بهزاد حمیدیه

مبارزه بدون توقف!

۷
دین



سیدحسین خاتمی

فرصت‌ها و فراست‌ها در جنگ

ایران یک‌دل

نگاهی به دستاوردهای نبرد ۱۲ روزه!

۱۴
پیوست

۱۲
پیوست

گزارش صبح صادق از تشییع باشکوه شهدای اقتدار در تهران

پایتخت چهارشنبه

۱۵
پاسدار

| سرمقاله |

ترامپ به چه کسی دروغ می گوید؟**دکتر یدالله جوانی**

مدیر مسئول

پیام تصویری رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از توقف جنگ تحمیلی با دفاع جانانه و مقدس ۱۲ روزه ملت ایران، که پیامی عالمانه و مبتنی بر واقعیت‌های میدان بود، دشمنان و از جمله رئیس جمهور آمریکا را به شدت عصبانی کرد. سنگینی شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در این تجاوز وحشیانه که برخلاف تمامی معاهدات و مقررات بین‌المللی انجام شد، آنان را به روایت‌سازی‌های دروغین واداشته است.

در میان این دروغ‌های بزرگ، یکی از دروغ‌ها در اظهارات «ترامپ» در واکنش به پیام تبریک پیروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به ملت ایران، نیاز به تأمل بیشتری دارد. یکی از جهات این تأمل، آن است که ترامپ دروغگو، چه کسانی را مخاطب این دروغ خود قرار داده و اینچنین دروغگویی می‌کند.

بنظر می‌رسد مخاطب ترامپ در این دروغگویی، بیش از هرکس دیگری، ملت ایران باشد. ملتی که با بصیرت و هوشمندی، در پرتو وحدت و انسجام داخلی، با تکیه بر قدرت ایمان و معنویت، تمامی نقشه دشمن در حمله به ایران را، با شکست و ناکامی مواجه ساخت و نگذاشت هیچ‌یک از اهداف متجاوزین تحقق پیدا کند. در این انسجام ملی، حمایت و اعلام وفاداری به رهبری از سوی جناح‌های گوناگون سیاسی و اقشار مختلف جامعه، بسیار پررنگ بود و حال ترامپ، با دروغ‌پرانی این وحدت و انسجام مللی را از یک‌سو، و وفاداری ملی نسبت به رهبر حکیم انقلاب اسلامی را از سوی دیگر نشانده رفته، تا شاید به‌زعم خود آن را برهم زند! داستان دروغگویی با هدف مذکور، سه این بخش از اظهارات رئیس جمهور آمریکا برمی‌گردد که می‌گوید: «من در حال کار روی امکان لغو تحریم‌ها و چیزهای دیگر بودم که می‌توانست به ایران شانس بهتری برای بهبودی کامل، سریع و جامع بدهد.» ترامپ در ادامه این ادعا می‌گوید: «با پیام رهبری ایران، من این موضوع را کنار گذاشتم!» معلوم نیست رئیس جمهور آمریکا، با چه شناختی از ملت ایران، با این قبیل دروغ‌ها، تصور می‌کند انسجام داخلی ایران و وفاداری ملت ایران به رهبر خودشان را می‌تواند مخدوش کند.

مردم ایران، ترامپ را خوب می‌شناسند. او همان کسی است که از یک‌طرف دعوت به مذاکره می‌کند و از طرف دیگر، هر روز بر فهرست تحریم‌ها با دستورات اجرایی و دیگر فرمان‌ها می‌افزاید. او کسی است که مذاکره را، پوششی برای فریب و غافلگیری برای حمله نظامی برق‌آسا به ایران قرار داد. او همان کسی است که برای نجات رژیم صهیونی در حال فروپاشی، مستقیم وارد جنگ شد و از نابودی کامل صنعت هسته‌ای ایران سخن گفت. او همان کسی است که گفت: «ملت ایران باید تسلیم شود.» و او رئیس جمهور کشوری است که این کشور، در طول ۴۶ سال گذشته پشت همه توطئه‌های علیه ملت ایران بوده است. حال چگونه می‌پندارد که با این نوع دروغگویی، می‌تواند بر افکار عمومی ملت ایران در قالب عملیات روانی، اثر بگذارد؟

مشکل اصلی دشمن ما این است که هنوز ایران و ایرانی و این ملت امام حسین(علیه‌السلام) را نشناخته است وگر نه این‌گونه اموال و دارایی آمریکایی‌ها را به باد نمی‌داندند. مبارزه‌ای که نتیجه قطعی و نهایی آن، چیزی جز قوی‌تر شدن ملت عاشرایی ما نخواهد بود.

بین برده است، ولی شبکه «سی‌ان‌ان» اعلام کرد که به اسنادی دست‌یافته که حمله آمریکا موفق نبوده است و بخش زیادی از برنامه هسته‌ای ایران دست‌نخورده مانده است. در ادامه روزنامه‌های دیگر مانند «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» هم این موضوع را تأیید کردند و کم‌کم بعضی از مجموعه‌های تخصصی هم به این مسئله پرداختند و از عدم موفقیت ترامپ صحبت کردند. در حال حاضر ترامپ تلاش می‌کند که همه را قانع کند که حملات موفقیت‌آمیز بوده است.

در ادامه ترامپ سعی کرد زمین بازی را عوض کند. به همین دلیل به‌صورت ناگهانی اعلام کرد، تحریم صادرات نفت ایران در ارتباط با فروش نفت به چین را لغو کرده است و اعلام کرد که ایران برای تأمین هزینه‌ها و بازسازی احتیاج به پول دارد. در واقع به‌صورت غیرمستقیم می‌خواست اعلام کند که ضربات وارده به ایران شدید بوده است. «استیو ویتکاف» نماینده ترامپ در غرب آسیا ضمن تأیید این سخنان ترامپ گفت: این اقدام هم برای چین پیام دارد و هم برای ایران، البته اصل داستان این است که در همان روزهای اول پیروزی، ترامپ صحبت از بازگشت فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی را کرد و مهم‌ترین راه برای رسیدن به این هدف را کاهش صادرات

**رضا صارمی‌راد**

کارشناس مسائل بین‌الملل

اظهارات زیگزاگی برای فرار از محمصه!

اعلام کرد که از تصمیم خود مبنی بر توقف تحریم صادرات نفت ایران منصرف شده است. لازم به ذکر است اشارهای هم به فضای داخلی آمریکا بکنیم، علاوه بر اعتراضات مردمی که در قالب تظاهرات در شهرهای گوناگون آمریکا نمود پیدا کرد، «حزب دموکرات» هم به‌صورت منسجم‌تر در مقابل ترامپ ایستاد. در روزهای اول حملات رژیم صهیونیستی، بخشی از حزب دموکرات با اقدامات ترامپ همراهی داشت و حمایت خود را از ورود ترامپ به جنگ اعلام کرد، ولی ظرف روزهای اخیر این همراهی از بین رفته است که شاید بهترین شاهد آن بررسی لایحه کاهش اختیارات ترامپ برای شروع جنگ در «سنا» بود. هر چند این لایحه با رأی ۵۳ به ۴۷ به تصویب نرسید، ولی نکته قابل توجه این است که همه ۴۷ سناتور دموکرات در مجلس سنای آمریکا از آن حمایت کردند. بعد از همه این اتفاقات ترامپ مجدداً صحبت از مذاکرات با ایران در هفته آینده را کرد و در تلاش است که با ایران به یک توافق برسد. ترامپ باید توجه داشته باشد که این مدل سخنان زیگزاگی شاید در ابتدای ورود به کاخ سفید تا حدی تأثیرگذار بود، ولی در حال حاضر با شناخته شدن این مدل رفتار، دیگر برای وی دستاوردی نخواهد داشت.

نفت ایران اعلام کرد. آمریکایی‌ها اعلام کردند که ظرف چند ماه صادرات نفت ایران را به صفر می‌رسانند. آنها به‌صورت هوشمند سعی کردند شبکه نفثکش‌ها و افراد فعال در حوزه صادرات نفت ایران را هدف قرار دهند. در دو ماه اول صادرات ایران چند صد هزار بشکه کاهش یافت، ولی مجدداً روند افزایشی پیدا کرد به‌گونه‌ای که در خرداد ماه صادرات نفت ایران به میزان قبل از پیروزی ترامپ بازگشت و آمریکایی‌ها در این مرحله هم با شکست روبه‌رو شدند. ترامپ به مصداق ضرب‌المثل «روغن ریخته را نذر امامزاده می‌کنند» سعی کرد با بیان این سخنان علاوه بر سرپوش گذاشتن بر عدم موفقیت آمریکا، زمینه را برای مذاکرات مجدد باز کند. البته بعد از سومین پیام تصویری رهبر معظم انقلاب که دلایل و اهداف آمریکا از ورود به جنگ با جمهوری اسلامی را بیان فرمودند و اشاره کردند که آمریکا به‌دنبال تسلیم مردم ایران است و به این هدف خود نمی‌رسد و این سخنان بزرگ‌تر از دهان آمریکاست. ترامپ متوجه شد که از این ترفند هم به نتیجه نمی‌رسد و در پیامی ضمن یاهوگویی‌هایی مبنی بر اینکه او مانع از حملات شدید رژیم صهیونیستی بر علیه جمهوری اسلامی و ترور رهبر فرزانه انقلاب شده است،

جهادی مستمر تا پیروزی نهایی

خرابی‌های امروز شهرهای سرزمین اشغالی، تنها نتیجه حملات فیزیکی نیست؛ بلکه بروزی از تسلط فکر انقلاب اسلامی ایران در قلب‌ها و اذهان است. این ویرانی‌ها بازتابی از شکست روانی و عملی پروژه‌های استکباری در مواجهه با مقاومت است. این همان صدور انقلاب است که امام(ره) وعده آن را دادند؛ صدوری که نه با سلاح و تانک، بلکه با نفوذ کلام حق و بیداری وجدان‌های خفته محقق می‌شود.

مردم منطقه، و حتی آنهایی که تحت سلطه طاغوت بودند، اکنون دریافته‌اند که راه سعادت و عزت، نه در سازش با ظالم، بلکه در ایستادگی و مقاومت فعالانه است. این بیداری، کابوس بزرگ نظام سلطه است که می‌بیند قدرت حقیقی، نه در زورور، بلکه در اراده و ایمان ملت‌ها نهفته است. این نفوذ فکری، پایه‌های قدرت پوشالی دشمن را سست کرده و نشان می‌دهد که وعده الهی برای پیروزی مستضعفین در حال تحقق است. عذاب الهی که بر اقوام ستمگری چون عاد و فرعون نازل شد، امروز نیز برای مستکبران قابل تکرار است. تاریخ گواه است که قدرت‌های پوشالی، هر چند در اوج اقتدار به‌نظر برسند، اما با مقاومت حق‌طلبان و اراده الهی، به سرنوشتی جز نابودی و اضمحلال دچار نخواهند شد. این سرنوشته، درس عبرتی است برای تمام طاغوتیان زمان که به قدرت خود مغرور شده‌اند.

نشانه‌ای است از پیشرفت شگرف ما در عرصه علم و وجود دانشمندی در تراز جهانی که برای دشمن خطرناکند و وحشیانه حذف‌شان می‌کنند. برخلاف سال‌های پس از قطعنامه، امروز ما قدرتی داریم که دشمن در برابر آن اظهار عجز می‌کند و با ترور فرماندهان نظامی با آن مقابله می‌کند. این یعنی ما در جنگ با طاغوت اعظم موفق بوده‌ایم و کوتاه نیامده‌ایم. ما افکار عمومی دنیا را با خود همسرا کرده‌ایم، در حالی‌که تمام رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی، تمام ثروت‌های جهان در اختیار آنهاست. آنها تحریم می‌کنند، ترور می‌کنند و تحریف می‌کنند. اما آنچه اتفاق می‌افتد، خلاف خواست شیطان بزرگ است.

♦ تحقق وعده «ما می‌توانیم»

امروز ثمره همین فکر بلند امام(ره) را که فرمودند: «ما می‌توانیم» مشاهده می‌کنیم پس از جنگ تحمیلی، بسیاری، حتی برخی از دل‌سوختگان انقلاب، از پذیرش قطعنامه مکدر و ناراحت شدند. اما به فضل الهی و به برکت مقاومت و مجاهدت‌های ملت ایران، آن «جام زهر» امروز به «کام‌شهد» تبدیل شده است. امروز بسیاری از مردم جهان، از جمله ملت‌های مظلوم منطقه، با دیدن ویرانی‌های رژیم صهیونیستی در تل‌آویو، به شادمانی می‌پردازند،

که در آموزه‌های دینی ما ریشه دارد؛ ما با سران استکبار، با طاغوت اعظم، و با شیطان بزرگ سر آشتی نخواهیم داشت، همان‌گونه که امام(ره) به ما آموختند؛ «ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم.» این جمله، چکیده اعتقاد ما به عدم توقف نبرد حق و باطل است. ممکن است در نبردهای مادی و تن به تن، گاهی ظاهر عقب‌نشینی کنیم، اما ستیز ما با یزیدیان و اشرار پایان‌ناپذیر است.

مدل‌های جنگی ممکن است تغییر کند و نوع نبرد و سلاح متفاوت شود. گاهی باشمشیر است، گاهی با لسان و تبیین، گاهی با بمب و موشک، و گاهی با علم و علم‌آموزی. همان‌طور که پس از پذیرش قطعنامه، ایران اسلامی عرصه جهاد و جنگ را به میدان علم، فرهنگ و مقاومت کشاند. پیشرو این جهاد مقدس نیز در تمام این عرصه‌ها امام‌خامنه‌ای است که فرمود: «من شمشیر را کشیدم، مشغولیم، ما از چپ و راست داریم می‌زنیم.» زبان او، مدیریت او، تدبیر او، علم و قدرت نظامی او، همه و همه به‌نفع مستضعفین عالم اداره شده است. این نبرد تا پیروزی نهایی و تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت‌الصالحان بر زمین ادامه دارد.

امروز، پس از سال‌ها، ایران در جنگ با ابرقدرت‌ها به در جات بالایی رسیده است. اینکه دشمن، دانشمندان ما را به شهادت می‌رساند،

**مهدی عامری**

کارشناس علوم اسلامی

از زمانی که خداوند متعال فرمان «لا اله الا الله» را به پیامبران خود ابلاغ فرمود و ایشان این کلمه توحیدی را در زمین گستراندند، نبردی بی‌وقفه میان توحید و طاغوت آغاز شد. این نبرد ریشه‌دار در فطرت انسان و کشمکش دائمی بین حق و باطل است. اشراف و اربابان قدرت‌طلبی که مردم را بنده خود می‌خواستند، در برابر این ندای حق ایستادند و صف‌آرایی کردند. این کلام منطقی که رب‌الارباب تنها خداست و انسان‌ها نباید تحت یوغ انسان دیگری باشند، بنیاد این نزاع را تشکیل داد. این جنگ از آغاز خلقت بشر شعله‌ور بوده و تا برپایی کامل حق در سراسر عالم و ریشه‌کن شدن ظلم، که با ظهور منجی عالم بشریت محقق خواهد شد، ادامه خواهد داشت.

♦ تحول مدل‌های جنگی:

از شمشیر تا علم

در این نبرد، هرگونه صلح یا سازش بی‌معناست. «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد.» این حقیقتی است

جنگ تمام نشده

«محمدرضا عارف» معاون اول رئیس جمهور: «دشمن در این چهار دهه به صورت غیر مستقیم به میدان می‌آمد. اما در جنگ اخیر پرده‌ها کنار رفت و دشمن مجبور شد مستقیم به میدان بیاید. البته آتش بس به منزله اتمام جنگ نیست. چرا که نمی‌توان به رژیم صهیونیستی اعتماد کرد. رژیم صهیونیستی به هیچ عهده‌ی پایبند نبوده و حامی آن در این مسیر آمریکا است. نمونه آن مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا که در این مسیر پنج دور مذاکرات غیر مستقیم به رغم سختی‌های آن در حال به نتیجه رسیدن بود. اما آمریکا و غرب در وسط مذاکرات، جنگ ۱۲ روزه را به کشورمان تحمیل می‌کنند.»



قمارباز بی اعتبار

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای اسلامی: «مواضع ضدونقیض و لغافی‌های غیر محترمانه این سیاستمدار قمارباز فاقد هرگونه اعتبار است و تمام تلاش‌های او صرفاً عملیات روانی برای ایجاد ناامیدی و ترس در مردم و اختلال در تصمیم‌گیری مسئولان کشور است. مسئولان آمریکایی که سرمایه‌های رسانه‌ای خود را در خیانت به وطن بر باد دادند، اکنون به‌صورت مستقیم به جنگ روانی با جوانان ایرانی پرداخته‌اند اما ملت ایران این بازی‌ها را می‌شناسد و خائنان در برابر آن‌ها شکست خواهند خورد. ایرانیان تحت هیچ شرایطی پشت وطن خود را خالی نمی‌کنند و خائنان و مزدوران جایی جز در زباله‌دان تاریخ نخواهند داشت.»



روزنه

رستم‌ها

فردوسی می‌خواهند!

احمد رجبی

خبرنگار

در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بار دیگر خاک ایران شاهد از دست دادن فرزندانی بود که نام‌شان نه‌فقط در میدان‌های نبرد، بلکه در عرصه‌های علم و دفاع از آرمان‌ها می‌درخشید. فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای، که در حملات اخیر رژیم صهیونیستی در جریان جنگ دوازده‌روزه به شهادت رسیدند، نمادهایی از عزم و استقامت یک ملت بودند. این ضایعه، قلب هر ایرانی را به درد آورد، اما در دل این اندوه، بذر امید و انگیزه‌ای برای ادامه راهشان جوانه می‌زند.

فرماندهان نظامی، از خط مقدم تا اتاق‌های استراتژی، سال‌ها برای حفظ استقلال و عزت ایران جنگیدند. آن‌ها نه‌فقط در برابر دشمن خارجی، که در برابر ترسیدهای داخلی نیز ایستادگی کردند. دانشمندان هسته‌ای هم، در آزمایشگاه‌ها و زیر فشار تحریم‌ها، با عقل و ایمان، راهی را گشودند که ایران را در قله‌های دانش جهانی نشاند. این شهدا، از سردارانی که تا آخرین نفس در میدان ماندند تا محققانی که با قلم و فکرشان آینده را ساختند، بخشی از هویت این سرزمین‌اند. اما آنچه این روزها بیش از پیش حس می‌شود، نیاز به روایت این قهرمانی‌هاست.

رستم‌های قصه ما زباندند. مردان و زنانی که بی‌ادعا، در گمنامی، بار تاریخ را به دوش کشیدند. اما فردوسی‌ها کجایند؟ آتیهایی که باید این حماسه‌ها را به کلمه بدل کنند، که باید قصه این ایستادگی را برای نسل‌ها نگه دارند؟ ما هنوز به روایتگری، در تبدیل خون به شعر و خاک به تاریخ، در میانه راهیم. میدان‌های جنگ، پر از داستان‌هایی است که باید نوشته شوند، نه برای ماتم، که برای بیداری. این شهدا، با زندگی و مرگ‌شان، پیامی روشن دارند که راه ادامه دارد، حتی اگر دشمن بخواهد با ترور و تخریب، اراده یک ملت را بشکند. این حملات، که با خوری وحشیانه رژیم صهیونیستی انجام شد، نه‌فقط جسم که روح یک ملت را نشانه گرفت. اما تاریخ ایران گواه است که هر ضربه، مقاومتی تازه به‌همراه داشته است. این شهادت‌ها، پایان یک مسیر نبودند، بلکه مشعلی شدند برای روشن کردن راه‌های آینده برخاستند. هر دانشمندی که از میان ما رفت، صدها دانشجو قسم خوردند که کارش را ادامه دهند. این، همان روحیه‌ای است که دشمن هرگز نتوانسته آن را درک کند یا در محاسباتش بگنجاند.

برای نوشتن این حماسه‌ها، باید قلم‌ها را تیز کرد. باید از میدان‌های جنگ تا آزمایشگاه‌های علمی، از خط مقدم تا کلاس‌های درس، داستان این رستم‌ها را گفت. فردوسی‌های زمانه باید بیایند و با کلمات‌شان، این قهرمانان را جاودانه کنند. باید روایت کنیم که چگونه این شهدا، با وجود همه فشارها، راهی را رفتند که به عزت و پیشرفت ایران ختم می‌شد. باید نوشت که ایران، با همه زخم‌هایش، هنوز سریلند است.

این روزها، در میان غم و خشم، امید زاده می‌شود. امید به اینکه رستم‌های این سرزمین، با خون‌شان راه را نشان داده‌اند و فردوسی‌هایش، با قلم‌شان، این راه را جاودان خواهند کرد. ما هنوز در ابتدای این روایتگری هستیم، اما آینده، از آن کسانی است که می‌نویسند، می‌سازند و ادامه می‌دهند.



دریه فلسطین از شجره مبارکه لا شرقیه و لا غربیه ما برافروخت. امروز جنگ حق و باطل شروع شده است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. « (صحیفه امام ج. ۲۱ ص. ۸۸-۸۴) امام راحل در این پیام، قبول آتش‌بس را به‌معنی کنار نهادن پیکار نمی‌شمارد و می‌نویسد: «کمربند‌هاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است و فردا ان‌شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود.» (صحیفه امام، ج. ۲۱ ص. ۸۸)

از پایان دفاع مقدس تا به امروز، ۳۶ سال زمان نیاز بود تا در سایه آر‌ام‌ش نسبی، کشور ایران به‌قدرت منطقه‌ای، با اقتصادی پویا، دانشی سرشار، جامعه‌ای استوار، اقتدار نظامی و توانمندی هسته‌ای تبدیل شود و محور مقاومت را در منطقه غرب آسیا، بلکه گستره جهانی شکل داده، مستحکم کند. این همه حاصل شد تا ما امروز افتخار آن را بیابیم که مستقیماً پنجه در پنجه رژیم صهیونیستی و آمریکا بیفکنیم. ما در این رزم، پیروز شدیم چون نه‌تنها اهداف سوء دشمنان محقق نشد، بلکه قدرت نظامی ما در عین نزاکت سیاسی مان، شهره عام و خاص در جهان شد و سبلی سخت‌مان بر شهرهای رژیم صهیونی، روند خروج سرمایه، نخبگان، متخصصان و شهروندان صهیونیست از این سرزمین را تسریع کرد.

حال که آتش‌بس را مسئولان ارشد نظام اصلح دیده‌اند، به آن گردن می‌نهمیم و آن را هرگز پایان یا حتی کوچک‌ترین وقفه‌ای بر نبرد تاریخی‌مان با رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌کنیم؛ بلکه این خط مبارک که دست‌کم ۶۰ ساله شده و به نضح و بلوغ بسیار رسیده است با کمال قدرت، ادامه می‌یابد و نهایتاً به محور رژیم منحوس صهیونی از منطقه خواهد انجامید. ان‌شاءالله به‌سرعت هر چه تمام‌تر.

با آن شدند. (صحیفه امام، ج. ۲، ص. ۱۳۹) در مهرماه سال ۱۳۵۲ به‌هنگام جنگ سوم اعراب و رژیم صهیونیستی (مطابق ۱۹۷۳ میلادی)، امام راحل، نامه‌ای می‌نویسند و از همه جهان اسلام دعوت به خیزش برای آزادی فلسطین و محو رژیم صهیونیستی می‌کنند. در این نامه، اسرائیل را «اکابوس سیاه استعمار» و مبارزه با آن را «جهاد مقدس» می‌نامند. (صحیفه امام، ج. ۳، ص. ۲)

چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در اردیبهشت سال ۱۳۵۷، «لوسین ژرژ» خبرنگار روزنامه «لوموند» فرانسه در نجف با امام راحل مصاحبه‌ای کرد که اندیشه سیاسی امام(ره) را می‌توان در آن دید. از جمله ایشان بیان داشتند که همواره مصر ا از مسلمانان جهان خواسته‌اند علیه رژیم صهیونی متحد شوند، ولی «متأسفانه دعوت‌های مرا رژیم‌های مختلفی که در کشورهای مسلمان بر سر کار آمده‌اند، نشنیدند. من امیدوارم که بالاخره این دعوت‌ها شنیده شود. من در این راه پایداری خواهم کرد.» (صحیفه امام ج. ۳، ص. ۳۷۴)

فرآیند پختگی و بلوغ این پیکار تاریخی ما به رهبری امام خمینی (ره)، بعد از انقلاب، آهنگ بسیار سریع‌تری یافت. تحمیل دفاع هشت‌ساله که آن را کمابیش می‌توان رویارویی کل جهان غرب با ایران شمرد، ذره‌ای بر این نبرد تاریخی اثر سوء نهاد، بلکه آن را تعمیق بخشید. پذیرش قطعنامه پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ نیز، روند آن را دچار اختلال نکرد. در پیام امام(ره) راجع به قبول قطعنامه ۵۹۸ به تاریخ ۲۹ تیر سال ۱۳۶۷ آمده است: «آری، فلسطینی راه کم کرده خود را از راه برانت ما یافت و دیدیم چه‌طور خواب بنی‌اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب

مبارزه بدون توقف!

آتش‌بس؛ تاکتیکی برای استمرار رویاروی تاریخی ما

بهزاد حمیدیه

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



در فقه اسلامی، فرار از جنگ با کفار حربی، حرام است. حتی اگر دشمن دو برابر مسلمانان، عده و عُدّه داشته باشد. تنها استثنای این حکم آن است که فرار، یک تاکتیک باشد برای ضربه بیشتر بر دشمن (شهید اول (ره) در لمعه می‌نویسد: و لا یجوز الفرار اذا کان العدو ضعفاً او اقل الا لمتحرف لقتال او متحیز الی فئه). اما آتش‌بس برای مدت معین که آن را «هذنه» یا «مهاده» می‌گویند، جایز است. از جمله دلایل بر جایز بودن هذنه، آیه ۶۱ سوره انفال است که می‌فرماید: «وإن جنحوا للسلم فاجنح لها و تکل علی الله» یعنی اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند تو نیز ای پیامبر به آن گرایش نشان بده و بر خداوند توکل کن.

از دیگر ادله جواز هذنه، جمله امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است در عهدنامه مالک اشتر که فرمودند: «و لا تدفعن صلحا دعاک الیه عدوک و لله فیه رضی، فإن فی الصلح دعة لجنودک و...»، یعنی صلحی را که دشمنت تورا بدان فراخوانده و مورد رضای خدا هم هست، کنار مزن. و در ادامه، آن حضرت، منفعت این صلح برای لشکر اسلام را بر می‌شمارند.

آیات و روایات دیگر به‌همراه سیره قطعی نبوی نیز برای اثبات جواز آتش‌بس وجود دارد. البته فقها از جمله شهید اول در لمعه، جایز بودن آن را قید می‌زنند به داشتن مصلحت (و هی جایزه مع المصلحه للمسلمین)، مصلحتی مانند تأثیر فرهنگی بر دشمن و ایجاد گرایش به اسلام در آنها، «استظهار» یعنی جمع‌آوری اطلاعات از دشمن، یافتن هم‌پیمانان بیشتر و مانند آن. در واقع، اصل و قاعده، ادامه جهاد است و قبول آتش‌بس، استثنایی بر این قاعده است که نیاز به دلیل و توجیه کافی دارد. (رک. مهاده) اثری از رهبر معظم انقلاب در مجله فقه اهل‌بیت، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۵)

آتش‌بس کنونی که به درخواست طرف مهاجم، یعنی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا و سپس موافقت ایران صورت پذیرفته است، منتقدانی دارد. برخی بر این باورند که هنوز پاسخ در خور به دشمن نداده بودیم و به مرحله «بیبچاره کردن» باند جنایتکار صهیونیستی نرسیده بودیم و برخی برآنند که هدف غایی ما که حذف رژیم منحوس صهیونیستی است با جنگ اخیر و اقتدار موشکی ایران، قریب‌الوصول شده بود و ما نباید حملات موشکی‌مان را قطع می‌کردیم. آنچه به‌طور مشترک در این انتقادات، مغفول مانده است، نگاه به آتش‌بس

عکس و مکث



تروری دیگر از فرماندهان حماس/ «محمد العیسی» از چهره‌های ارشد شاخه نظامی حماس و از بنیانگذاران این سازمان به دست ارتش رژیم صهیونی ترور شد.



تنها یک نفر برای حمل این تابوت کافی بود/ در میان شصت شهیدوالامقام اقتدار تصاویری تلخ از تابوت کودک خردسال، «شهید سید علی‌ساداتی» همه را یاد روضه حضرت علی‌اسغرا(ع) می‌انداخت.



فردو نابود نشده فقط آسیب دیده است/ نیویورک تایمز به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی خبر داد که حمله به فردو باعث نابودی این تأسیسات نشده و تنها به آن آسیب زده است.



صهیون از زبان صهیون/ شهرک نشینان صهیونیست در یکی از مناطق تخریب شده در تل آویو با نصب بنری اعلام کردند که کابینه نتانیا‌هو ۵۰ نفر گرفتار در آوار را رها کرده و هیچ تلاشی جهت نجات آنها نمی‌کند.



۱. دوباره عکس خانوادگی گرفتند/ در حمله تروریستی بامداد سمنشنبه هفته گذشته رژیم صهیونی به منزل پدری «شهبید محمدرضا صدیقی» در آستانه اشرافیه، ۱۲ نفر از اعضای خانواده این دانشمند کشورمان به شهادت رسیده‌اند.



عزاداری با عکس رهبر معظم انقلاب/ اینتا پاکستان و استان کشمیر است که مردم در عزاداری محرم، عکس رهبر معظم انقلاب را به دست گرفته‌اند تا نشان دهند راه امام حسین(ع) روشن است.

دیگران

چالش تشخیص غافلگیری استراتژیک

ویلیام اینبودن

اندیشکده شورای آتلانتیک

غافلگیری‌های استراتژیک، پدیده‌هایی به‌همان اندازه غیرمنتظره و اجتناب‌ناپذیر در عرصه سیاست خارجی هستند که تقریباً هر دولتی با یکی از آن‌ها، اغلب در همان سال نخست فعالیت خود، روبرو می‌شود. یک غافلگیری استراتژیک صرفاً یک رویداد پیش‌بینی‌نشده نیست، بلکه تحولی است که مفروضات‌بنیادین استراتژیک ما را متزلزل یا حتی نابود می‌کند، خط‌مشی‌های موجود را به چالش می‌کشد و پاسخی قاطع و معنادار می‌طلبد. چالش اصلی این پدیده‌ها نه فقط در ماهیت غیرمنتظره‌شان، بلکه در این واقعیت نهفته است که اغلب در لحظه وقوع، ابعاد واقعی آن‌ها مشخص نیست. خودسوزی محمد بوغزیزی در تونس در ابتدا یک تراژدی محلی به نظر می‌رسید، اما زمانی به یک «غافلگیری استراتژیک» تبدیل شد که امواج آن به مصر رسید، به سقوط مبارک انجامید و نظم منطقه‌ای را که برای دهه‌ها بر آن تکیه کرده بودیم، برای همیشه دگرگون ساخت. در مقابل، در رخدادهایی مانند حمله به پرل هاربر یا حملات یازده سپتامبر، اگر چه عظمت فاجعه از همان ابتدا آشکار بود، اما پیامدهای کامل آن، از جمله ورود به جنگ جهانی دوم در اروپا یا آغاز جنگی طولانی در افغانستان و عراق، تنها با گذشت زمان نمایان شد.

بنابراین، با توجه به اینکه بسیاری از بحران‌ها هرگز به سطح استراتژیک نمی‌رسند، سیاست‌گذاران چگونه می‌توانند تشخیص دهند که یک رویداد در حال عبور از این آستانه حساس است؟ برای این منظور، مجموعه‌ای از شاخص‌ها وجود دارد که ظهور هر یک از آن‌ها می‌تواند زنگ خطری جدی باشد و حضور هم‌زمان چند شاخص، تقریباً به طور قطع وقوع یک غافلگیری استراتژیک را تأیید می‌کند. نخست باید پرسید آیا این رویداد یک «بازیگر کلیدی» در سطح جهانی را درگیر می‌کند؟ برای مثال، بحران دیوار برلین نه فقط به دلیل اهمیت این شهر، بلکه به خاطر اینکه از سوی خروشیجن، رهبر شوروی، هدایت می‌شد، ابعدی استراتژیک یافت. شاخص دیگر، «اختلال در سیاست‌ها» است؛ آیا رویداد مذکور یکی از سیاست‌های دیرینه و مفروضات اصلی ما را مستقیماً تضعیف می‌کند؟ بهار عربی دقیقاً به این دلیل استراتژیک شد که سیاست سده‌های آمریکا مبنی بر اتکا به حسنی مبارک را از بین برد. همچنین، اگر بحرانی موجب «شکاف‌های داخلی عمیق» در بدنه دولت بر سر نحوه واکنش شود، مانند اختلافات در دولت ریگان پس از بمب‌گذاری مقر تفنگداران دریایی در بیروت، باید آن را یک نشانه استراتژیک تلقی کرد.

نقش مستقیم مانیز عاملی تعیین‌کننده است. گاهی «اقدام ما» علت اصلی غافلگیری است، مانند قطع کمک مالی به پروژه سد اسوان که ناصر را به آتش شوروی سوق داد و به بحران سوئز منجر شد. در موارد دیگر، «انفعال ما» فاجعه می‌آفریند؛ همچون سخنرانی دین اچسن که با خارج کردن کره جنوبی از چتر دفاعی آمریکا، راه را برای تهاجم غافلگیرانه کره شمالی هموار کرد، یا عدم واکنش قاطع به عبور از «خط قرمز» در سوریه که به مداخله نظامی روسیه و بازگشت نفوذ استراتژیک مسکو به خاورمیانه انجامید. تأثیر رویداد بر «افکار عمومی داخلی» نیز شاخصی مهم است. به همین ترتیب، باید به «نگاه بازیگران جهانی» توجه کرد؛ آیا متحدان و رقبای ما واکنش آمریکا را به دقت زیر نظر دارند تا اعتبار و قاطعیت ما را بسنجند؟

به طور کلی، شاخص‌های دیگری نیز وجود دارند که به زمینه و مقیاس رویداد مربوط می‌شوند. توجه دقیق به این مجموعه از شاخص‌ها می‌تواند به ما در درک به‌موقع و مدیریت‌بهتر غافلگیری‌های اجتناب‌ناپذیر آینده یاری رساند.



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در دو هفته گذشته، جهان نظاره‌گر تحولی راهبردی در معادلات قدرت منطقه‌ای و جهانی بود که نه‌تنها به عنوان یک رخداد امنیتی یا نظامی، بلکه به‌مثابه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ملت ایران و نظم نوین بین‌الملل باید تحلیل شود. پیروزی قاطع جمهوری اسلامی ایران بر رژیم صهیونیستی و تحمیل آتش‌بس به این رژیم، صرفاً یک برتری میدانی نیست بلکه شکسته‌شدن یک اسطوره و زایش یک قدرت تمدن‌ساز جدید است.

بی‌تردید، آنچه در جنگ دوازده‌روز اخیر بر کشورمان گذشت، صرفاً یک رویداد نظامی یا مواجهه مستقیم امنیتی نبود؛ بلکه با توجه به پیچیدگی، ابعاد چندلایه و پیامدهای عمیق آن، می‌توان از آن به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ امنیت ملی و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران یاد کرد. در این رخداد بزرگ، نه‌فقط هیمنه یک رژیم متجاوز شکسته شد، بلکه در سوی دیگر، ظرفیت‌های نوینی از انسجام ملی، تاب‌آوری اجتماعی، کارآمدی ساختار دفاعی و پویایی رسانه‌ای کشور به منصه ظهور رسید. با این حال، برای درک درست این رخداد و بهره‌گیری از همه درس‌آموخته‌های آن، الزامی است که بررسی، تحلیل و بازخوانی این مواجهه، بر پایه نگاه علمی، تخصصی و دور از سوگیری‌های احساسی یا سیاسی‌کاری انجام‌پذیرد.

در وهله نخست، باید پذیرفت که کشورمان در ایسن جنگ دوازده‌روزه با وجود همه خسارات‌ها و آسیب‌های تحمیل شده، پیروز قطعی میدان شد؛ چه از منظر عملیاتی، چه در سطح بازدارندگی منطقه‌ای و چه از حیث راهبردی. رژیمی که سال‌ها به‌عنوان سمبل شکست‌ناپذیری معرفی شده بود، در معرض حملات گسترده و هدفمند قرار گرفت و آنچه از آن به‌عنوان «گنبد آهنین» یاد می‌شد، به نمادی از شکنندگی بدل شد. افکار عمومی جهان، رسانه‌های منطقه‌ای و حتی بخش‌هایی از جامعه صهیونیستی، به روشنی دریافتند که دیگر نمی‌توان روی برتری و مصونیت مطلق اسرائیل حساب کرد. این فروپاشی نمادین، آغاز یک سلسله تحولات سیاسی، اجتماعی و روانی در درون رژیم صهیونیستی خواهد بود که نشانه‌های اولیه آن در قالب اختلافات داخلی، مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها، بی‌اعتمادی نسبت به دستگاه امنیتی اسرائیل و بحران‌های سیاسی تل آویو هویدا شده است.

اماد رک یک‌سویه و صرفاً تبلیغی از این پیروزی، ما را نباید از شناسایی ضعف‌ها و کاستی‌ها بازمی‌دارد. همان‌گونه که قاعده دفاع و امنیت در نظام‌های پیشرفته و توسعه یافته ایجاب می‌کند، هر پیروزی بزرگ، در کنار جشن و شعف عمومی، نیازمند کالبدشکافی دقیق، تخصص‌محور و فسارخ از حب و بغض‌های سیاسی است. در این مسیر، وظیفه نهادهای علمی، پژوهشگران و مراکز مطالعات راهبردی کشور است که با نگاهی دقیق و بی‌طرفانه، تمامی ابعاد این رخداد را بررسی و مستند کنند؛ از نقاط قوت و مؤلفه‌های پیروزی گرفته تا کاستی‌ها، خلأها و تهدیدهای نهفته که اگر جدی گرفته نشوند و مسبب آن محاکمه و حتی عزل نگردند، می‌توانند در آینده به تهدیدات سهمگین‌تری تبدیل شوند!

در جریان این جنگ تحمیلی، یکی از سؤالات

آغاز بازخوانی یک پیروزی ملی



عکس: حامد کودری

مهم و بنیادینی که باید پاسخ داده شود، چگونگی موفقیت رژیم صهیونیستی در شکل‌دهی شبکه‌های ترور و عملیات‌های خرابکارانه در قلب کشورمان است. ورود حجم بالایی از تجهیزات تروریستی، تحرکات هماهنگ‌شده در برخی مراکز حساس امنیتی، و به‌ویژه فعال‌سازی سلول‌های خواب و خرابکار نشان می‌دهد که دشمن از ماه‌ها قبل در حال پی‌ریزی یک جنگ ترکیبی چندلایه بوده است. این مسئله، نیازمند بازنگری جدی در حوزه‌های اطلاعاتی، ضد اطلاعاتی و ضدجاسوسی کشور است و باید به دور از تعارفات معمول، با صراحت و دقت آسیب‌شناسی گردد. اینکه چگونه دستگاه اطلاعاتی دشمن توانسته در لایه‌های اجتماعی و حتی ساختارهای رسمی برخی نهادها نفوذ کند و مقدمات اقدام علیه امنیت ملی ما را فراهم آورد، سؤال محوری و کلیدی این مقطع است! متأسفانه این واقعیت در تاریخ خواهد ماند که تنها در شهر تهران بیش از ۱۰ هزار ریز پرنده‌ای از عناصر وابسته به رژیم صهیونی کشف گردید و آیندگان خواهند پرسید که چگونه نهادهای مسئول نتوانستند این حجم از تسلیحات تروریستی را پیش از شروع جنگ شناسایی کنند!

علاوه بر این، در ماه‌های منتهی به جنگ، برخی جریانات داخلی و تریبون‌های به ظاهر همسو، تمام توان خود را معطوف به تشدید شکاف‌های اجتماعی، بحران‌سازی روانی، تخریب اعتماد عمومی و القای ناکارآمدی نظام کردند. این اقدامات، بی‌ارتباط با نقشه کلان دشمن در راه‌اندازی جنگ ترکیبی نبود و باید به‌طور خاص مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد که

آیا این اقدامات محصول ساده‌لوحی و تحلیل نادرست بود یا نشانه‌ای از نفوذ شبکه‌ای عمیق‌تر در بدنه برخی محافل بود که دانسته یا نادانسته، در پازل دشمن ایفای نقش کردند. در هر دو صورت، بی‌تفاوتی نسبت به این‌گونه عملکردها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای کشور خواهد داشت و سکوت در برابر آن، یعنی عادی‌سازی نفوذ و فعالیت خرابکارانه علیه امنیت ملی.

در همین راستا، باید تأکید کرد که آنچه امروز ملت ایران پشت سر گذاشته، نباید صرفاً به‌عنوان یک رخداد موقت یا بحران گذرا در نظر گرفته شود. بلکه لازم است به‌عنوان یک تجربه ملی عظیم، در همه سطوح -اعم از اطلاعاتی، امنیتی، اجتماعی، رسانه‌ای و سیاسی - مورد واکاوی و بازآفرینی راهبردی قرار گیرد. در این فرآیند، پژوهشگران دانشگاهی، نهادهای حکامتی، اندیشکده‌ها و رسانه‌های نخبگانی باید هم‌صدا شوند و با دوری از کلی‌گویی‌های سیاسی یا روایت‌های احساسی، یک دستگاه تحلیلی متقن برای مطالعه و بهره‌برداری از این تجربه ملی ایجاد کنند. بدیهی است که اگر این اقدام صورت نگیرد، فرصت‌های طلایی تبدیل تهدید به فرصت، در گذر

زمان به تهدیدات مضاعف بدل خواهد شد.

نکته مهم دیگر آن است که درس‌آموخته‌های این مواجهه باید بلافاصله به برنامه‌های بازسازی و بهسازی در حوزه‌های مختلف حاکمیتی تبدیل شود. در حوزه امنیتی و اطلاعاتی، نیاز به روزآمدسازی سامانه‌های نظارت، تشخیص و پیش‌بینی تهدید با بکارگیری نخبگان وجود دارد. در عرصه فرهنگی

و رسانه‌ای، تقویت پیوست رسانه‌ای اقدامات حاکمیتی و احیای سرمایه اجتماعی بسیار ضروری است. در بخش سیاسی نیز بازآرایی گفتمان انسجام و بازتعریف مشارکت مردم در ساختار اداره کشور می‌تواند پیامدهای پایداری در پی داشته باشد. لازم به ذکر است که در این زمینه بازسازی و بازیابی ظرفیت‌های حکمرانی فرهنگی و رسانه‌ای متناسب با رویکرد تولید وفاق و عبور از رویکردهای شکاف آفرین فرهنگی و اجتماعی ضروری است و این مهم باید در تمام دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای لحاظ گردد.

همچنین نباید فراموش کرد که نسل جوان کشور، با دقت و هوشمندی تحولات را رصد می‌کند. نسل امروز، دیگر پذیرای روایت‌های کلیشه‌ای یا فرار از پاسخگویی نیست. بلکه می‌خواهد بداند چه کسی و چه نهادهی در کجا خطا کرده، چرا خطا کرده و چه برنامه‌ای برای اصلاح آن وجود دارد. اگر در این مقطع حساس، دستگاه‌های مسئول به‌جای شفاف‌سازی و پاسخگویی، به توجیه یا تطهیر ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها روی آورند، آنگاه اعتماد عمومی و انگیزه‌های نسل جوان برای مشارکت در فرایند اصلاح و پیشرفت کشور تضعیف خواهد شد. از همین رو، هیچ‌گونه اغماضی در قبال کم‌کاران، غافلان یا حتی نفوذی‌ها نباید روا داشته شود؛ چرا که امنیت ملی، سرمایه‌ای جمعی و غیرقابل معامله است.

در عین حال، ملت بزرگ ایران نشان داد که در لحظات خفیسر و بزنگاه‌های تاریخی، با تمام وجود پشت نظام، رهبری و آرمان‌های انقلاب ایستاده است. انسجام کم‌نظیر مردم، همدلی جناح‌های سیاسی در برابر تهدید خارجی، و ارتقاء روحیه ملی در روزهای سخت، همگی سرمایه‌هایی گران‌سنگ‌اند که باید با مراقبت، مدیریت و سرمایه‌گذاری رسانه‌ای و فرهنگی، حفظ شوند. نباید اجازه داد که این انسجام و روحیه ملی، با بازگشت به تعارضات بی‌حاصل و رقابت‌های جناحی بی‌ثمر، فرسایش یابد یا به ابتذال کشیده شود.

سرانجام آن‌که، اگر این پیروزی و تجربه بزرگ صرفاً به چند بیابنه یا گزارش محدود شود، فرصت تحول‌آفرینی آن از دست خواهد رفت. برای بهره‌برداری از این تجربه تاریخی، نیاز به تدوین «سند ملی درس‌آموخته‌های جنگ ترکیبی» وجود دارد: سندی که بر مبنای آن، بازطراحی ساختارهای اطلاعاتی، بازبینی سیاست‌های فرهنگی، تقویت انسجام سیاسی و بازسازی قدرت نرم کشور صورت گیرد. چنین سندی، می‌تواند نقشه‌راه کشور برای عبور از تهدیدات آینده و آمادهمازی برای عصر جدیدی از رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی باشد.

در یک جمع‌بندی راهبردی، باید اذعان داشت که جنگ دوازده روزه، صرفاً یک تقابل نظامی نبود، بلکه آینه‌ای تمام‌نما از نقاط قوت و ضعف کشور، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو و میزان آمادگی ما برای مواجهه با الگوهای نوین جنگ ترکیبی بود. امروز، در آستانه ورود به مرحله‌ای نوین از تاریخ انقلاب اسلامی، این تجربه می‌تواند با سکوی پر تاب آینده باشد یا فرصتی از دست‌رفته؛ و این که کدام‌یک محقق شود، به انتخاب‌نخبگان، اراده حاکمیت، و هوشیاری مردم بستگی دارد. ملت شریف ایران، یک‌بار دیگر توانایی خود را در تولید قدرت و شکست دادن اسطوره‌های پوشالی به اثبات رساند. اکنون نوبت مسئولان کشور است که با دانش، تدبیر و قاطعیت، این پیروزی را به زیربنای تمدن نوین ایرانی اسلامی بدل نمایند.

اندیشکده

اشراف اطلاعاتی و معماری تاب‌آوری

شناخته‌شده‌اش حمله کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟».

بر این اساس، معماری دفاعی کشور نباید بر پایه امید به دریافت یک هشدار اطلاعاتی دقیق و به‌موقع بنا شود. این هشدار اگر دریافت شود یک مزیت است، نه یک پیش‌فرض. اصل بنیادین باید ایجاد یک «حداقل آمادگی پایدار» باشد که بتواند ضربه اول یک حمله غافلگیرانه را جذب کرده و از فروپاشی کامل ساختارهای فرماندهی و کنترل در ساعات اولیه بحران جلوگیری کند. این آمادگی شامل استقرار نیروها، تجهیز استحکامات، توانمندسازی نیروهای بومی و محلی، و تدوین طرح‌های واکنشی است که فرض را بر عدم وجود هشدار قبلی می‌گذارند. به‌طور مثال تقویت توان زرهی و هوایی کشور در شمال غرب کشور، علی‌رغم ارزیابی احتمالی مبنی بر عدم احتمال تهدید آفرینی دشمنان در ماه‌های پیش رو، می‌تواند نمونه‌ای از همین تفکر باشد که می‌تواند به عدم شیطنت کشورهای همسایه در ماجرای زنگرور منجر شود. در مقابل، انبوه شهدای بامداد روز اول جنگ ۱۲ روزه محصول اعتماد بیش از حد به ارزیابی نیت دشمن و غفلت از توانمندی‌های تروریستی او بود!

تجربه نشان داده است که دلایل این شکست‌های مکرر، پیچیده و چندبعدی هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل، «اننگاره حاکم» یا همان «کانسپت» است؛ یک چارچوب ذهنی قدرتمند که باعث می‌شود رهبران و تحلیلگران، شواهد متناقض را نادیده گرفته یا آن‌ها را در راستای باورهای از پیش موجود خود تفسیر کنند. جامعه اطلاعاتی پیش از وقوع یک حمله، با حجم عظیمی از داده‌ها روبه‌روست که تشخیص «سیگنال‌های» واقعی از «نویز‌های» گمراه‌کننده را تقریباً غیرممکن می‌سازد. تنها پس از وقوع فاجعه است که با نگاه به گذشته، قطعات پازل به‌سادگی کنار هم چیده می‌شوند. علاوه بر این، در شرایط تنش طولانی‌مدت، پدیده «چوپان دروغگو» به یک معضل جدی تبدیل می‌شود. حفظ سطح بالای آمادگی در برابر تهدیدهای مکرر، عملاً ناممکن است و به‌تدریج، هشدارها اهمیت خود را از دست می‌دهند و روزمرگی بر هوشیاری غلبه می‌کند.

با ایسن حال، کلیدی‌ترین عامل موفقیت غافلگیری‌ها، توانایی طرف‌مهاجم در پنهان‌سازی «نیت» خود، حتی در صورت آشکار بودن «آمادگی» نظامی است. تجمععات گسترده نیرو

پایان آژانسی!

هراس غرب از خروج احتمالی ایران از ان‌پی‌تی و پیامدهای آن



زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

در پی تجاوز غیرقانونی آمریکا به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، مجلس طرح الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تصویب کرد. به‌موجب این طرح، نصب هرگونه دوربین پادمانی و فریادمانی در ایران ممنوع است. این اقدام موجب شده هراس از خروج احتمالی ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، موسوم به ان‌پی‌تی، مطرح شود. «بولتن دانشمندان اتمی»، به بررسی پیامدهای خروج احتمالی ایران از ان‌پی‌تی پرداخته است. این سازمان توسط دانشمندانی تأسیس شده است که در پروژه ساخت نخستین سلاح‌های هسته‌ای جهان مشارکت داشتند.

♦ دانش هسته‌ای ناپودنشدنی ایران

در این تحلیل آمده است: «خروج ایران از ان‌پی‌تی ممنوعیت قانونی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و الزام به پذیرش نظارت‌های بین‌المللی (پادمان‌ها) را از میان خواهد برد. این اقدام که می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد، امکان بازسازی ظرفیت‌های هسته‌ای بمباران شده ایران را فراهم می‌کند و به تهران اجازه می‌دهد بدون

نظارت بین‌المللی، از آنها برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند. حتی با وجود از دست دادن ۱۴ دانشمند و مهندس هسته‌ای که این ماه توسط (رژیم) اسرائیل ترور شدند، ایران بدون تردید همچنان دانش ساخت سانتریفیوژها و مونتاژ آنها در آبشارهای غنی‌سازی، و همچنین تخصص خود را حفظ کرده است. ایران همچنین ممکن است پیش از حملات آمریکا تجهیزات و مواد را از تأسیسات غنی‌سازی خود خارج کرده باشد.»

در ادامه این تحلیل آمده است: «در زمانی که بسیاری از کشورهای جهان ایران را قربانی تجاوز (رژیم) اسرائیل می‌بینند، خروج از ان‌پی‌تی می‌تواند با واکنش سیاسی کمتری نسبت به حالتی که در پاسخ به تحریم‌های اقتصادی انجام شود، عملی گردد. دشمنان ایران خروج از ان‌پی‌تی را معادل اعلام قصد ساخت سلاح هسته‌ای تلقی خواهند کرد. با این حال، هیچ ارتباط قانونی مستقیمی میان این دو وجود ندارد و استدلال منطقی آن‌قدرها هم قطعی نیست.»

♦ بن بست اطلاعاتی

نویسندگان این مطلب می‌افزینند: «در صورت خروج از ان‌پی‌تی، ایران می‌تواند تصمیم بگیرد روابط با آژانس را حفظ کند و سطحی از بازرسی را ادامه دهد که ممکن است در برخی محافل برای ایران اعتبار ایجاد کند. در نبود بازرسی‌های آژانس،

| تحلیل |

ادعاهای باور نکردنی!

نگاهی به رویایی ترامپ و اروپا

این نشست تنها تلاش‌های ناامیدانه اعضای اروپایی ناتو برای افزایش هزینه‌های دفاعی را نشان داد و به شیوه‌ای بی‌سابقه حتی در دوران جنگ سرد، از مهمان مفتخر آمریکایی تمجید کرد. رهبران غربی در حالی‌که بسیاری‌شان در خفا مخالف (ترامپ) بودند، مجبور شدند تسلیم شوند، رضایت بدهند و موافقت کنند. هیچ‌یک از آنها، به جز مهمان اصلی، ادعای او مبنی بر اینکه بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی ایران را «دهه‌ها» به عقب انداخته است، باور نکردند. اما آنها سکوت کردند و همچنان سکوت خواهند کرد تا ترامپ را خشمگین نکنند. بلومبرگ افزود: «بعید است که بیشتر کشورهای ناتو به‌طور جدی برای دستیابی به اهداف اعلام شده برای افزایش هزینه‌های نظامی تلاش کنند، زیرا ضرب‌الاجل‌ها برای یک دهه آینده محاسبه می‌شوند و تا آن زمان، بسیاری از رهبران فعلی، سیاست را ترک خواهند کرد.»

رسانه آمریکایی با بیان اینکه سران اروپایی برای حفظ آمریکا در ناتو، خود را در برابر رئیس‌جمهور این کشور تحقیر کردند، تأکید کرد: «هیچ‌یک از آنها ادعای ترامپ را مبنی بر اینکه بمب‌های آمریکایی و اسرائیلی ایران را «دهه‌ها» به عقب انداخته است، باور نکردند.» نشست سران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در حالی در روزهای گذشته در لاهه برگزار شد که هدف اصلی آن، حفظ عضویت آمریکا در این اتحاد و کمک‌های نظامی به اوکرانین بود. شبکه «بلومبرگ» با اشاره به برگزاری این اجلاس خاطر‌نشان کرد: «رهبران اروپایی برای این هدف مجبور شدند وفاداری خود را نشان دهند و از «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا تمجید کنند تا از خشم و تهدیدهای جدید او برای خروج از ناتو در امان بمانند.» به گزارش این رسانه آمریکایی، نشست لاهه چنین وانمود نکرد که در مورد استراتژی جهانی بحث می‌کند. در واقع،

جهان تنها ابزار شناسایی پذیرفته‌شده بین‌المللی برای پیگیری ظرفیت‌های هسته‌ای ایران را از دست خواهد داد. درک قابلیت‌ها و پیشرفت‌های ایران به‌طور اجتناب‌ناپذیری کاهش می‌یابد. سرویس‌های اطلاعاتی غربی همچنان از ابزارهای ملی نظارت مانند تصاویر ماهواره‌ای، رهگیری ارتباطات و منابع انسانی استفاده می‌کنند.»

به نوشته بولتن دانشمندان اتمی، ماده ۱۰ معاهده ان‌پی‌تی خروج از معاهده را در صورتی مجاز می‌داند که کشور عضو این پیمان، به این نتیجه برسد رویدادهای مرتبط با موضوع این معاهده منافع عالی کشورش را به خطر انداخته است.

نویسندگان با تأکید بر اینکه در وضعیت رخدادهای فعلی، واکنش‌های بین‌المللی به خروج ایران بسیار ملایم‌تر خواهد بود، تصریح کردند: «شورای امنیت سازمان ملل به‌احتمال زیاد تحریم یا نظارت اجباری جدیدی وضع نخواهد کرد و تأمین‌کنندگان هسته‌ای و شرکای تجاری ایران نیز فشار چندانی برای قطع همکاری احساس نخواهند کرد. چشم‌انداز پاسخ‌های چندجانبه مؤثر به اطلاعاتیه خروج ایران از ان‌پی‌تی بسیار محدود است، جز در خواست‌های بی‌اثر برای تجدیدنظر ایران. البته این به‌معنای حذف سایر اشکال فشار، مانند تحریم‌های اقتصادی یا اقدامات نظامی قهری توسط کشورها یا ائتلاف‌های موردی نیست، اما برای مؤثر بودن باید همراه با یک جایگزین دیپلماتیک معتبر

| پنجره |

بازی آمریکایی!

ادعای آمریکا برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره!

ایران به‌منظور تولید انرژی (بدون غنی‌سازی اورانیوم) نیز مطرح شده است. بنا بر گزارش سی‌ان‌ان، در پیش‌نویس آماده شده برخی مشوق‌های دیگر برای بازگرداندن ایران به پای میز مذاکره نیز مطرح شده است که شامل، امکان لغو برخی از تحریم‌ها علیه ایران و دسترسی تهران به ۶ میلیارد دلار پول بلوکه در حساب‌های خارجی می‌شود.

یک منبع آگاه به این رسانه آمریکایی گفته که پیشنهادات بسیاری از سوی افراد متعدد در حال مطرح شدن است و برخی از این افراد در تلاش هستند تا در این زمینه خلاقیت از خود به خرج دهد. منبع دیگری تأکید کرد که هنوز مشخص نیست که چه اتفاقی در این رابطه رخ خواهد داد. منابع آگاه همچنین گفته‌اند که هنوز هیچ تاریخی برای گفت‌وگوها تعیین نشده است.

شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» به نقل از چهار منبع مطلع ادعا کرد، طی دو هفته گذشته بازیگران کلیدی از آمریکا و غرب آسیا در بحبوحه درگیری‌ها میان تهران و تل‌آویو پشت پرده با ایرانی‌ها گفت‌وگو کرده‌اند و این گفت‌وگوها در هفته جاری نیز پس از توافق بر سر آتش‌بس ادامه یافته‌اند. مقامات دولت «ترامپ» اعلام کرده‌اند که تاکنون چندین پیشنهاد مطرح شده که همگی در مراحل اولیه بوده و در حال تکامل هستند و تنها شرط اصلی و غیرقابل مذاکره این پیشنهادات، ممنوعیت کامل غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران است.

بنا بر گفته مقامات دولت ترامپ، در میان مفاد یکی از پیش‌نویس‌های تهیه شده، سرمایه‌گذاری ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلاری برای ایجاد یک برنامه هسته‌ای جدید غیر نظامی در

باشد. ایران علاقه‌مند خواهد بود چنین فشارهایی را کاهش دهد، اما تاکنون زمانی‌که حیثیت ملی‌اش در خطر باشد، در برابر فشار مقاومت نشان داده است.»

♦ هرج و مرج هسته‌ای

در ادامه این مطلب ضمن هشدار درباره پیامدهای خروج ایران برای رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای آمده است: «خروج دومین کشور از ان‌پی‌تی، به‌ویژه اگر مانند کره شمالی به‌سمت تولید سلاح حرکت کند، می‌تواند پیامدهای جدی‌تری داشته باشد. عربستان وعده داده در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، به همان مسیر برود و «رجب طیب اردوغان» هم درباره ناعادلانه بودن ممنوعیت دسترسی دیگران به سلاح هسته‌ای صحبت کرده است. در کره جنوبی نیز بحث فعالی در مورد کسب سلاح هسته‌ای برای بازدارندگی در برابر شمال وجود دارد. همچنین احتمال خروج کشورهای دیگر از ان‌پی‌تی نیز وجود دارد؛ به‌ویژه آنهایی که از پیشرفت گُند خلع سلاح هسته‌ای یا عدم عضویت جهانی در معاهده ناراضی هستند. کشورهای عربی به‌ رهبری مصر مدت‌هاست از باقی‌ماندن رژیم صهیونیستی خارج از ان‌پی‌تی انتقاد دارند و آن را استاندارد دوگانه می‌دانند و ممکن است به نشانه عدم اعتماد به ان‌پی‌تی از آن خارج شوند، بدون اینکه الزاماً به‌دنبال سلاح هسته‌ای باشند.»

جهان

شماره ۱۱۹۴ | دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

صداقت

| پیشخوان |

تخریب خودخواسته!



نشریه «فارن افرز» نوشت: «ترامپ باور دارد که متحدان، بار اضافی هستند. تاکتیک او، استفاده از اهرم آمریکا برای گرفتن امتیاز از همه طرف‌هاست. اما این روش، نقش همکاری را در تقویت قدرت نادیده می‌گیرد. برای نمونه، آمریکا از سال ۱۹۷۹ تحریم‌های شدیدی علیه ایران اعمال کرده، اما فشار یکجانبه آمریکا هرگز ایران را به مذاکره وادار نکرد و همراهی چین، روسیه و کشورهای اروپایی در تحریم‌ها ضروری بود.» این نشریه افزود: «توانایی آمریکا برای اعزام نیرو به سراسر جهان نیز به شرکا و متحدان وابسته است. پنتاگون بدون استفاده از بنادر بلژیک و آلمان نمی‌تواند نیروها را به خاورمیانه بفرستد و تلفات نظامیان آمریکایی در افغانستان و عراق بدون دسترسی به پایگاه هوایی «ارامشتاین» و بیمارستان «لاندشتول» در آلمان بسیار بیشتر می‌بود. قدرت نظامی آمریکا خودکفا نیست؛ به دیگران وابسته است. اما افزایش تنفر از سیاست‌های آمریکا، حمایت افکار عمومی و دولت‌ها را از عملیات‌های نظامی آمریکا دشوارتر می‌سازد.» به نوشته فارن افرز، تخریب خودخواسته قدرت آمریکا در دوران «ترامپ» به احتمال زیاد مورخان آینده را متحیر خواهد کرد. ترامپ ترجیح می‌دهد کشوری را رهبری کند که از آن بترسند، نه اینکه آن را دوست بدارند.

مخالفت با جنگ



روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی به بررسی نظر آمریکایی‌ها درباره حملات هوایی آمریکا به ایران پرداخت و نوشت: «نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که حملات هوایی همچنان محبوبیت چندانی ندارند و تمایل آمریکایی‌ها برای اقدامات نظامی بیشتر در ایران با هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای یا تغییر رژیم کاهش یافته است. همچنین، نظرات آنها درباره اینکه آیا حملات این آخر هفته مانع از توسعه ادعایی سلاح هسته‌ای توسط ایران می‌شود، نیز متفاوت است.» به نوشته این روزنامه، ۴۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اعلام کردند که از دستور ترامپ برای حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت نمی‌کنند و تنها ۳۸ درصد حمایت خود را از این موضوع ابراز داشتند. به‌عبارت دیگر، بیشتر آمریکایی‌ها همچنان مخالف این اقدام هستند و تمایلی به تشدید درگیری با ایران ندارند. واشنگتن پست افزود: «۴۸ درصد نیز مخالفت صریح خود را با استفاده از نیروی نظامی برای سرنگونی دولت ایران ابراز داشتند. بیشتر آمریکایی‌ها همچنین مخالف حملات هوایی بیشتر نیروی نظامی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران و یا اعزام نیروهای نظامی آمریکا برای تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران بودند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که اگرچه برخی از اقدامات نظامی مورد حمایت بخشی از جامعه آمریکا قرار گرفته است. اما اکثریت تمایلی به تشدید درگیری یا ورود به یک جنگ تمام‌عیار با ایران ندارند.»

یادداشت

سرمایه اجتماعی
پیش نیاز تولید ملی

امصر ابراهیمی اصل

کارشناس اقتصادی



باتوجه به شعار سال راجع به سرمایه گذاری برای تولید، به نظر می رسد مهم ترین موضوع در کشور، افزایش اعتماد میان دولت و ملت و بهبود سرمایه اجتماعی دولت نزد مردم باشد. برای نمونه وقتی یکی از شرکت های خودروساز ایرانی در ماه های گذشته اعلام کرد که قصد پیش فروش خودرودارد و متقاضیان بیایند و پول شان را در حساب خودشان بلوکه کنند و در قرعه کشی شرکت کنند رقمی معادل ۱۲ میلیارد یورو منابع، بلوکه شد. این نمونه نشان می دهد منابع و نقدینگی در کشور به میزان زیادی وجود دارد. اما مسئله مهم هدایت این منابع برای رشد و شکوفایی اقتصادی است. یعنی هم ریال و هم دلار و یورو و هم طلا در کشور وجود دارد. لذا باید نمونه ها و الگوهای موفق کشورهایی را که توانسته اند این منابع را به سمت تولید و رشد جی دی پی خودشان سوق دهند، بررسی کرد. آقای «ماهاتیر محمد» که در سال ۱۳۷۶ برای شرکت در کنفرانس کشورهای اسلامی به ایران آمده بود، می گفت: با توجه به توطئه ای که سرمایه گذاران خارجی در آن سال ها در مالزی کرده و منابع خود را در ۲۴ ساعت از این کشور خارج کرده بودند، ارزش پول ملی مالزی به شدت افت کرده و وضعیت بحرانی در این کشور ایجاد شده بود. به نحوی که حتی مالزی در آن زمان قادر به پرداخت حق عضویت یا چیزی شبیه آن در راستای حمایت از این سازمان نبود، یعنی اینقدر وضعیت شان بد بود که حتی به نوعی امکان دادن کمک و سهم کشور مالزی به سازمان کشورهای اسلامی را نداشتند. اما ماهاتیر محمد رفت و با مردم صادقانه صحبت کرد و به

آنها گفت که چون من جلوی زیاده خواهی و خواسته های غیرمشروع اینها ایستاده ام، آنها نیز سرمایه های خودشان را از مالزی بیرون آوردند تا کشور را دچار بحران نکنند. بنابراین از مردم خواست که بیایند و طلاهایشان را به بانک مرکزی بدهند و به ازای آن رسید بگیرند و به مردمش گفت که این رسید کاغذی مانند طلای کاغذی است و من به اعتبار این طلا می توانم پول چاپ کنم تا پول چاپ شده بدون پشتوانه نباشد. با این روش، مالزی از وضعیت بحرانی خارج شد و امروز این کشور از نظر وضعیت اقتصادی و رفاهی موقعیت خوبی دارد. یا نمونه ای دیگر در انگلستان قانونی وجود دارد که می گوید وقتی تورم بالا می رود و سرمایه گذار می بیند در صورت فعالیت اقتصادی، سودی که به دست می آورد با توجه به تورم، سود قابل توجهی نیست، دولت می آید و برای حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی می گوید شما سرمایه گذاری کنید و من به میزان تورم رسمی به شما یارانه می دهم. اگر این تولید و سرمایه گذاری در نرم جهانی مثلا ۳۰ درصد سود دارد. اما شما بنا به دلایلی مثلا ۱۰ درصد سود کردید آن ۲۰ درصد سود مابه التفاوت آن فعالیت را دولت پرداخت می کند، در واقع دولت اینجا دو ریسک را یکی ریسک تورم و دیگری ریسک اینکه تولید اگر در مقابل دامپینگ رقباسود کافی نداد را از سرمایه گذار می گیرد. بنابراین دولت با قوانین حامی و پشتیبان و پذیرفتن بخشی از ریسک سرمایه گذاری فرصت می سازد تا کسانی که پول دارند، بتوانند در فعالیت های مولد حضور داشته باشند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در گفت وگو با صبح صادق

هدف بعدی دشمن عرصه اقتصادی است



این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: «برای اینکه رضایت مردم در عرصه اقتصادی جلب شود و توطئه دشمن در این حوزه که ایجاد نارضایتی در مردم است، محقق نشود باید منابع مالی که داریم هر چند محدود باشد وارد فعالیت های تولیدی متمرکز شود. در واقع این منابع با برنامه ریزی و توجه به اولویت های مهمی که به نفع اقتصاد و عموم مردم جامعه است، مصرف شود. زیرا عدم تأمین مالی بنگاه های تولیدی چالش زاست. بنابراین در تأمین مالی واحدهای تولیدی باید به درستی عمل کنیم و از تجارب گذشته برای عبور از بحران های آتی درس بگیریم.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی توضیح داد: «به نظر می رسد بعد از این باید در تسهیل فضای کسب وکار، تشریفات گمرکی و مالیاتی بسیار با برنامه ریزی وارد شویم، یعنی تا جای ممکن فضای کسب وکار تسهیل شود. از آن سو تشریفات گمرکی و مالیاتی تا سر حد امکان کاهش یابد و به حداقل برسد. در این صورت است که شاهد استوار شدن بنای اعتماد فعالان اقتصادی به مسئولان و زیرساخت های جدید اقتصادی کشور خواهیم بود.»

جعفر قادری گفت: «صدور سریع مجوزها در حوزه های تولیدی و صنعت و معدن بسیار الزامی است. از سوی دیگر قوانین و مقررات زاید باید حذف شود تا زمینه برای حل مشکلات فعالان اقتصادی باز شود. همه نهادهای ذی ربط در تسهیل قوانین بیمه ای، مالیاتی و گمرکی باید با مردم همکاری کنند. به مردم برای تسویه بدهی ها فرصت داده شود و در پرداخت منابع به بخش تولیدی همه دستگاه ها باید همکاری لازم را داشته باشند. زیرا نباید اجازه داد هیچ کارخانه ای تعطیل شود و بدون ماده اولیه بماند، تا روند تولید، اشتغال و درآمدزایی مردم بدون وقفه تداوم داشته باشد.»

که در اوج بحران و جنگ مانع از آن شود که کسب وکار مردم از رونق بیفتد و فعالیت ها و طرح های عمرانی ادامه پیدا نکند، بلکه کسب وکار به قوت خود ادامه فعالیت دهند و خدمات رسانی متوقف نشود و طرح های عمرانی نیز مویه مو اجرا شدند. اینجا می توان نتیجه گرفت دولت ها و مدیران می توانند خوب سیاست گذاری کنند. اما نکته حائز اهمیت این است که سیاست گذاری درست نباید احساسی و معطوف به موقعیت و دوره زمانی خاصی باشد، بلکه باید در همه ساحت ها و دوره ها این گونه عمل شود تا با سیاست گذاری درست، اقتصاد قوام لازم را بیابد و امورات به بهترین نحو ممکن پیش برود.»

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «دولت مانند روزهای تجاوز اسر انیل غاصب به ایران از فعالیت واحدهای تولیدی به بهترین شکل ممکن حمایت کند و با پشتیبانی از آنها زمینه ساز تولید بیشتر و تأمین رفاهیات مردم شود. بی تردید باید در تأمین عرضه مواد اولیه و واردات ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز صنعت و معدن بسیار جدی و کوشا بود، به موقع کار کرد و واردات و ترخیص و تحویل به اهل فن و فعالان این عرصه برای به گردش درآوردن سریع و هر چه بهتر چرخ اقتصاد باید به سرعت و بدون تبلی و فوت وقت انجام شود.» وی خاطرنشان کرد: «یکی از اولویت های مهمی که بعد از این، ناظر بر آن باید سیاست گذاری شود توجه به ارائه تسهیلات مالی و بانکی به فعالیت های مولد است. زیرا دشمن مترصد آن است به غیر از بخش نظامی و جنگ، ما را در صحنه اقتصادی غافلگیر کند. بنابر این همان گونه که دشمن در عرصه نظامی نتوانست ما را غافلگیر کند در این عرصه نیز باید توانایی خود را به بهترین درجات برسانیم تا در این زمینه نیز تهدیدی متوجه اقتصاد و معیشت مردم نباشد.»

این مدت داد. از این رو امیدواریم با همین سرعت و دقت برای خدمت دهی هر چه بیشتر به جامعه در دوران آتش بس نیز دولت برنامه های لازم را داشته باشد و این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد.»

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معتقد است: «شواهد امر حاکی از آن است که طی دوازده روز جنگ تحمیلی رژیم غاصب و آمریکای جنایتکار، مردم ایران در همه حوزه ها به ویژه اقتصادی و اجتماعی با هم، همدلی لازم را داشتند زیرا از هیچ جای کشور گزارشی مبنی بر آنکه دسترسی مردم به مایحتاج خود کاهش یا قطع شود، نداشتیم. بلکه برخی از نانوالی ها حتی تا سه شیفت به مردم نان می رساندند و در بحث توزیع بنزین نیز این موضوع به خوبی مدیریت و نیاز مردم به سوخت تأمین شد. در واقع در این مدت کشور با کوچک ترین مشکل یا چالشی مواجه نشد.»

قادری خاطرنشان کرد: «کامیون داران نیز در راه ها و جاده ها عملکرد غیرتمندانه ای داشتند و خوش درخشیدند و نیاز مردم را از جای جای کشور تأمین و به اقصى نقاط کشور ارسال کردند. این اندازه تعامل و همکاری جامعه نشان از اعتقادی قوی به حفظ و پایداری وطن دارد، زیرا مردم نشان دادند در روزهای جنگی که دشمن تمام توان خود را برای فشار نظامی بر ما گذاشت تا آشوب را کلید بزند بیش از نیازشان خرید نکردند، هوای هم را به خوبی داشتند و اجازه ندادند به دلیل کمبود در کالایی مشکلاتی برای دیگر مردم ایران ایجاد شود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز در ادامه این گفت وگو تأکید کرد: «طی روزهای گذشته و جنگ تحمیلی و تجاویزی که رژیم صهیونیستی به کشور عزیزمان ایران داشت، شاهد بودیم می توان سیاست گذاری های درستی داشت، سیاست هایی



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی گفت: «به نظر می رسد بعد از این باید در تسهیل فضای کسب وکار، تشریفات گمرکی و مالیاتی بسیار با برنامه ریزی وارد شویم، یعنی تا جای ممکن فضای کسب وکار تسهیل شود. از آن سو تشریفات گمرکی و مالیاتی تا سر حد امکان کاهش یابد و به حداقل برسد. در این صورت است که شاهد استوار شدن بنای اعتماد فعالان اقتصادی به مسئولان و زیرساخت های جدید اقتصادی کشور خواهیم بود.»

«جعفر قادری» عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با «صبح صادق» درباره اهمیت اقدامات اقتصادی بعد از آتش بس در راستای افزایش خدمات به عموم مردم ایران به ویژه اقشار ضعیف و آسیب پذیر به چند نکته مهم اشاره کرد و گفت: «یکی از موضوعاتی که در روزهای حمله رژیم کودک کش صهیونیستی به ایران، دولت تلاش کرد تا به صورت صد درصدی آن را در دستور کار و نظارت خود قرار دهد، موضوع خدمات رسانی اقتصادی به مردم بود. خوشبختانه برآوردهای میدانی، حاکی از آن است که دولت و سازمان های ذی ربط در انجام این وظیفه خطیر، خوب ظاهر شدند و کار خود را به درستی انجام دادند.»

وی در این باره افزود: «خوشبختانه در دوازده روز از حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی به شهر های مختلف کشور، شاهد بودیم تمام تلاش ها معطوف بر این بود که فعالیت ها و خدمات رسانی اقتصادی به مردم به ویژه در عرصه توزیع کالاهای کشاورزی و کالاهای صنعتی و... متوقف نشود. بنابراین در مقام عمل می توان نمره خوبی به بخش های توزیعی و خدماتی کشور طی

شاخص

انگلیس فلج شد!

داده های انجمن تولیدکنندگان و تجار خودرو در انگلیس (SMMT) که روز جمعه منتشر شد، نشان داد که تولید خودرو در این کشور طی ماه مه به دلیل تعرفه های آمریکای برای پنجمین ماه متوالی کاهش یافته و به پایین ترین سطح از سال ۱۹۴۹ سقوط کرده است. تولید خودروهای سواری و تجاری جدید در ماه مه با کاهش ۳۲/۸ درصدی نسبت به سال گذشته به ۴۹۸۱۰ دستگاه رسید. انجمن تولیدکنندگان و تجار خودرو در بیانیه ای اعلام کرد: به جز سال ۲۰۲۰ که قرنطینه های کووید باعث تعطیلی کارخانه ها یا فعالیت با ظرفیت بسیار محدود شد، این پایین ترین عملکرد برای ماه مه از سال ۱۹۴۹ بود.



منهای نفت

رتبه اول

سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی ملل متحد در گزارشی از وضعیت تولید لبنیات در جهان ایران را به عنوان پنجمین تولیدکننده بزرگ این محصول در آسیا معرفی کرده است. آمار فائو نشان می دهد ایران بزرگترین صادرکننده لبنیات در آسیا طی سال ۲۰۲۴ بوده و دو میلیون و ۴۱۲ هزار تن انواع فرآورده های لبنی در این سال صادر کرده است. بر اساس پیش بینی فائو صادرات لبنیات ایران در سال ۲۰۲۵ با افزایش قابل توجه به ۳ میلیون و ۱۵ هزار تن خواهد رسید. ایران در سال گذشته ۸ میلیون و ۸۵۰ هزار تن لبنیات تولید کرده است.



افزوده

هزینه فرصت

هزینه فرصت به معنای ارزش پاسداری است که با انتخاب یک گزینه و صرف نظر از گزینه دیگر از دست می رود. وقتی یک تصمیم گرفته می شود، هزینه فرصت، سودی است که می توانست از گزینه های دیگر به دست آید. در اقتصاد، هر تصمیم اقتصادی، مانند تخصیص منابع یا زمان، با چشم پوشی از گزینه های دیگر همراه است. برای مثال، اگر شرکتی سرمایه خود را در پروژه ای سرمایه گذاری کند، هزینه فرصت ممکن است سود از دست رفته از سرمایه گذاری در پروژه ای دیگر باشد. این مفهوم در تصمیم گیری های مالی، مدیریت زمان و تخصیص منابع کلیدی است و به افراد و سازمان ها کمک می کند تا انتخاب های بهینه تری داشته باشند.



آرزوی که هر محرم باید با ما باشد!

گفتاری از آیت الله عبد الله جوادی آملی

این جمله «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا [و اجورکم] بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ وَ جَعَلَنَا وِإِيَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ» شعار رسمی ما در ایام محرم است که شامل دو بخش می‌شود: بخش اول این است که ما مصیبت زده‌ایم و سوگوار، اجر ما از ذات اقدس الهی باشد خدای سبحان به همه عزاداران اجر سوگواری را مرحمت کند. می‌گوییم: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا [و اجورکم] بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ» نه‌تنها اجر بدهد اجر مهم و عظیم عطا کند.

این جمله «وَجَعَلَنَا وِإِيَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ» هم یعنی خدایا آن توفیق را به ما مرحمت کن که ما خون‌بهای حسین‌بن‌علی(ع) را از ظالمان بگیریم. این دعا و شعار رسمی ما شیعه‌هاست. این بخش دوم برای همیشه یک پیام زنده‌ای دارد و عاشورا را برای همیشه زنده نگه می‌دارد ما در این دعا از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم آن توفیق را به ما بدهد که ما خون‌بهای حسین‌بن‌علی(ع) را بگیریم. خداوند در قرآن فرمود: «هر کس مظلومانه کشته شد ما برای اولیای او حق قصاص قائلیم.» ما فرزندان حسین بن علی(ع) هستیم



فرصت‌ها و فراست‌ها در جنگ

بازگر داند، البته باید این فرصت را هم قدر دانست. از منظر روایات اهل‌بیت(ع) نیز، لحظات دشوار، بستر رشد انسان‌اند. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلطَّالِمِ آدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ» بلا برای ظالم ادب نمودن و تنبیه کردن است، برای مومن امتحان است، برای انبیاء درجه است و برای اولیاء کرامت. «بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۵» یعنی همین سختی‌ها برای هر کسی و طبق شرایطی که دارد می‌توانند به نردبانی برای رشد و تعالی بدل شوند، مشروط بر آنکه در برابرشان درست بایستیم و از فراست و زیرکی خود استفاده کنیم.

جنگ ما را به انسانیت بازمی‌گرداند، از این جهت که در روزهای عادی، بسیاری از ارتباط‌های ما با دیگران بر پایه منفعت‌طلبی، عادت یا بی‌تفاوتی می‌چرخد، اما در هنگامه خطر، روابط انسانی صادق‌تر می‌شود. در دل بحران، یک لیوان آب، یک لبخند ساده یا حتی همراهی در آواربرداری، می‌تواند معنایی ژرف و روح‌افزا پیدا کند. در چنین لحظاتی، خودخواهی‌های فردی جایش را به مشارکت جمعی می‌دهد و ما ناگهان در می‌یابیم که دیگران چقدر برای‌مان مهم‌اند. قرآن ما را به چنین نگاهی دعوت کرده، آن‌جا که می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مانده ۲)؛ بر نیکی و تقوا با یکدیگر تعاون کنید

یکی دیگر از آثار جنگ، جدی گرفتن زندگی

و تصمیم‌های آن است. جنگ با همه تلخی‌اش ما را به واقعیت ناپایدار دنیا متوجه می‌کند. ما را برای آخرتی ابدی می‌آموزد تا جایی‌که می‌خواهیم خوب زندگی کنیم تا در زندگی اخروی حال خوبی داشته باشیم. روزی پیامبر خدا(ص) فرمودند: «ویران‌کننده خدا! ویران‌کننده خوشی‌ها یاد کنید،» عرض شد: ای رسول خدا! «ویران‌کننده خوشی‌ها چیست؟ ایشان فرمودند: «مرگ؛ زیرا بزرگ‌ترین مؤمنان کسی است که مرگ را بیشتر یاد کند و برای آن آماده‌تر باشد.» (بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۶۷)؛ جنگ، مرگ را نزدیک می‌کند و همین نزدیکی، انسان را وادار می‌کند تا زندگی را از نو ببیند، انتخاب‌هایش را مرور کند و مسیر آینده‌اش را روشن‌تر برگزیند.

از سوی دیگر، بحران‌ها می‌توانند آزمونی برای کشف نیروهای پنهان درون ما باشند. بسیاری از افراد در دل سختی‌ها به توانایی‌هایی از خود پی می‌برند که در موقعیت عادی هرگز باور نداشتند. قرآن در داستان طالوت و جالوت می‌فرماید: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِي اللَّهُ وَآلَهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره ۲۴۹) در همین آیه روشن است که صبر، کلید عبور از بحران هاست و نیروهای معنوی نهفته در دل مؤمنان، می‌توانند آنها را به پیروزی برسانند، حتی اگر همه معادلات مادی علیه آنان باشد.

از زوایای دیگر، جنگ ما را به مسئولیت‌پذیری و تفکر آینده‌نگر دعوت می‌کند. این آمادگی هم جنبه فردی دارد و هم جنبه جمعی. در نگاه اسلامی،

الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ» خدا آن توفیق را به ما بدهد که ما خون‌بهای حسین بن علی را بگیریم. بنابراین جریان کربلا و شهادت سالار شهیدان برای همیشه پیمای برای گفتن دارد.

«ریان‌بن‌شیب» که خدمت امام رضا(ع) مشرف شد به حضرت عرض کرد: «غمگین هستید.» امام(ع) فرمودند: «امروز اول محرم است و گریه بر سالار شهیدان فضایل فراوانی دارد.» آن‌گاه امام‌رضا(ع) دستورهای متعددی به ریان‌بن‌شیب داد. وجود مبارک امام(ع) فرمودند: «یابن شیب! هر وقت به یاد حسین بن علی(ع) و شهدای کربلا افتادی به ذات مقدس حسین بن علی(ع) خطاب بکن بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»؛

هر وقت به یاد کربلا و حسین بن علی(ع) افتادی این «یا لیتنی» را بگو این یعنی چه؟ خب ما که آن‌وقت کربلا نبودیم یک آرزوی بیخودی هست ولی نه، این پیام دارد. یعنی ای‌کاش من این فکر را می‌داشتم الان هم این فکر را داشته باشم در راه دین جهاد کنم، در راه دین شهید بشوم، این «یا لیتنی» آرزوی شهادت است، آرزوی جهاد است، آرزوی مبارزه است، پس این پیام زنده است.

برنامه‌ریزی و تدبیر، از عقلانیت ایمانی سرچشمه می‌گیرد. امام علی(ع) فرموده‌اند: «وَلَا يَسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ»؛ بر مشکلات روزگار، جز به یاری خرد، نمی‌توان چیره گشت. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷) جنگ به ما هشدار می‌دهد که اگر از حالا برای فردا نپندیشیم، ممکن است در لحظات سخت غافلگیر شویم.

ایسن مسئولیت‌پذیری تنها به امور مادی محدود نمی‌شود، بلکه ناظر به آمادگی روحی، معرفتی و اخلاقی نیز هست. انسان اگر بخواهد در کسوران حوادث سقوط نکند، باید از قبل دل خود را به خداوند بسته باشد. قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) مؤمنان واقعی کسانی‌اند که چون مصیبتی به آنها‌رسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم.

آنچه مهم است، نگاه ما به بحران‌هاست. اگر جنگ را تنها فاجعه ببینیم، از آن جز درد و خرابی بهره‌ای نخواهیم برد. اما اگر آن را همچون آینه‌ای ببینیم که حقیقت را به ما نشان می‌دهد، آنگاه می‌توانیم با الهام از آموزه‌های قرآن و عترت، حتی از تلخ‌ترین لحظات نیز شکوفاترین معناها را استخراج کنیم. شاید‌از آنکه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در میدان جنگ نیز لبخند بر لب داشتند، همین باشد که در پس ظاهر دردناک نبرد، حقیقتی شیرین‌از رشد و ایمان را می‌دیدند.

وفات آدم (ع)

یکی از اتفاقات دوم محرم، وفات «حضرت آدم(ع)» پس از یک دوره طولانی بیماری است. ایشان به دستور خداوند، پسرش «شیث(ع)» را وصی خود قرار داد و اسرار نبوت را به او سپرد. سپس فرمود: «(پس از مرگ) مرا غسل بده و کفن کن و بر من نماز گذار و بدنم را در تابوتی بگذار...» حضرت آدم(ع) در ۹۳۰ سالگی وفات کرد. شیث او را در تابوتی گذاشت و در «کوه ابوقیس» دفن کرد تا وقتی که حضرت نوح(ع) در زمان طوفان آمد و آن تابوت را برداشت و در کشتی نهاد و به کوفه برده، در شهر نجف اشرف به خاک سپرد.



دین

شماره ۱۱۹۴ | دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

صداقت

قرآن چه کسی را قهرمان می‌داند؟

عبدالرضا سمیعی

کارشناس علوم اسلامی

وقتی از ما سؤال می‌کنند که در قرآن، یک قهرمان چه ویژگی‌هایی دارد مطمئناً به‌سراغ ویژگی‌های معنوی و اخلاقی آنها می‌رویم زیرا در روایات دیده و شنیده‌ایم که رسول‌الله(ص) فرموده‌اند: «قوی آن نیست که در کشتی پیروز شود، بلکه قوی آنست که هنگام هیجان غضب، آن‌را مالک گردد.» (روضة‌الواعظین، ج ۲، ص ۳۸۰) اینکه انسان‌ها وقتی بر نفس خود چیره می‌شوند هم قهرمان هستند و هم پیروز و اینکه مجاهدان راه حق ابتدا بر نفس خود پیروز شده‌اند و بعد در میدان نبرد هیچ شکی نیست، اما سیری که یک مؤمن را به مقام قهرمانی می‌رساند، شخصت اوست. خداوند در قرآن کریم به افرادی اشاره فرموده که در تمام ابعاد شخصیتی رشد کرده‌اند و از همه نظر خود را قوی کرده‌اند تا بتوانند بر نفس خود چیره شوند یا در میدان نبرد بر دشمن پیروز شوند.

شخصیت‌پردازی در قرآن به ابعاد گوناگونی توجه دارد که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به چهار دسته تقسیم کرد: بعد معنوی، اخلاقی، جسمی و مادی. بعد معنوی شخصیت‌ها در قرآن به ایمان، تقوا و ارتباط با خداوند اشاره دارد. اما اشاراتی به قدرت‌های مادی ایشان هم شده است. پیامبران از جمله شخصیت‌های محوری در قرآن هستند که به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته‌اند. هر یک از آنها ویژگی‌های خاصی دارند که در قرآن آمده است. حضرت رسول اکرم(ص) به‌عنوان «رحمة‌للعالمین» معرفی می‌شود. قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ یعنی در زندگی پیامبر(ص) برای شما الگوی نیکویی است. حضرت ابراهیم(ع) نیز به‌عنوان الگوی توحید و صداقت در ایمان شناخته می‌شود. ایشان با تفکر عمیق و عقلانی، به توحید و پرستش خداوند رسید و در برابر چالش‌های بزرگ ایستادگی کرد. همچنین، حضرت موسی(ع) به‌منزله نماد رهایی و مبارزه با ظلم و ستم مطرح می‌شود. در سوره «طه» به داستان حضرت موسی(ع) و مبارزه او با فرعون پرداخته و ایستادگی او در برابر ظلم را به‌منزله الگویی برای دیگران معرفی می‌کند.

قرآن با توجه به ابعاد گوناگون این شخصیت‌ها، از جمله معنوی، اخلاقی، به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از ارزش‌ها و اصول الهی داشته باشیم. با بررسی‌های کامل‌تر می‌بینیم قهرمانان یاد شده در قرآن کریم ابزارها و امکانات مادی هم داشتند و با تمام توان معنوی و مادی خود به‌سراغ دعوت با جنگ با کفار می‌رفتند.

نوع شخصیت‌پردازی قرآنی به ما یادآوری می‌کند که هر انسانی که می‌خواهد در زندگی بسا چالش‌ها و مشکلات مواجه شود باید دارای جمیع فضائل و محسنات باشد، در حد توان؛ شخصیتی مانند حضرت داوود(ع) به‌عنوان پادشاه و فرمانروای عادل دارای قدرت ساخت سلاح بود و هم‌زمان خود را به جدیدترین ابزار نظامی روز مجهز فرمود. همچنین حضرت یوسف(ع) که با مدیریت خود و همراه کردن مردم با خود مصر از دیگر نمونه‌های قرآنی است که شخصیتی کامل و جامع دارد.



سیدحسین خاتمی خوانساری دبیر گروه معارف

«جنگ» در ظاهر یکی از تلخ‌ترین و سخت‌ترین واقعیت‌های زندگی بشر است. صدای انفجارها، آوار شدن خانه‌ها، آوارگی کودکان، چشمان نگران مادران و دلهره همیشگی مردان در خط مقدم، همه از چهره‌ای هولناک و تاریک حکایت دارد. اما درست در میان همین تاریکی‌ها، می‌توان نوری دید که بشر را از غفلت‌ها و روزمرگی‌های خسته‌کننده نجات می‌دهد.

در دل لحظات سخت، انسان چاره‌ای جز تکیه بر یک نقطه محکم ندارد. اگر در روزهای عادی زندگی، بسیاری از مردم با بی‌خیالی از کنار ارزش‌ها می‌گذرند، در زمان جنگ و تهدید، این ارزش‌ها به مسئله روزمره بدل می‌شود. قرآن کریم به روشنی این حقیقت را نشان داده است، آنجا که می‌فرماید: «فَإِذَا زَكَّيْنَا فِي الْفَلَكِ دَعَوَا إِلَهَهُ مَخْلُصِينَ لَهُ الَّذِينَ قَلَّمَا نَجَاهُمْ إِلَى النَّبِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»؛ یعنی هنگامی که سوار کشتی می‌شوند و گرفتار طوفان، با اخلاص خدا را می‌خوانند اما همین که نجات یافتند، باز به شرک روی می‌آورند. (عنکبوت/۶۵) این آیه نشان می‌دهد که بحران و تهدید می‌تواند انسان را از خواب غفلت بیدار کند و به جوهر بندگی و فطرت توحیدی



رمز موفقیت

آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی: یک راه توسل، روضه و گریه و شرکت در مجالس اهل‌بیت(ع) است. به تجربه ثابت شده است وقتی ما روضه داشتیم، بعضی می‌رفتند کتابخانه، درس می‌خواندند این‌ها را ما دیدیم که هیچی نشدند. از زمانی که طلبه بودم، پنج‌شنبه‌ها در منزل‌مان روضه برقرار می‌کردم. وقتی هم که به قم رفتم، مجلس روضه‌مان در قم برپا بود. وقتی هم نزد استادمان «حاج شیخ علی اکبر برهان» در مسجد لرزاده تهران بودیم، ایشان هفته‌ای یک شب، سینه‌زنی می‌کردند و می‌فرمودند: «من هرچه دارم از همان روضه‌ها و سینه‌زنی‌هایی است که برای اهل بیت(ع) گرفته‌ام.»



عاشورا منطق ایستادگی!

ماه محرم، فصل بازخوانی بزرگ‌ترین قیام‌ظلم‌ستیزانه تاریخ اسلام است؛ قیام عاشورا، که نه‌تنها یک واقعه تاریخی، بلکه الگویی فراگیر برای مبارزه با ظلم و دفاع از عدالت است. آموزه‌های عاشورا، ریشه در قرآن، سنت پیامبر اکرم(ص)، و سیره اهل بیت(ع) دارد و به‌منزله یک منطق اخلاقی و الهی، در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته است.

♦ عاشورا: یک منطق قرآنی و الهی در مبارزه با ظلم

قیام عاشورا، تجلی عملی آموزه‌هایی است که قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم(ص) به آن تأکید دارند. در آیه ۱۳۵ سوره نساء، خداوند مؤمنان را به ایستادگی در برابر ظلم، حتی اگر علیه خود یا نزدیکان‌شان باشد، فرامی‌خواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ...»

این آیه، تأکید بر عدالت‌طلبی و ایستادگی بی‌چون و چرا در برابر ظلم دارد، حتی اگر این مقاومت با خطرات و هزینه‌های سنگین همراه باشد.

امام حسین(ع)، با الهام از همین آموزه‌ها، قیام خود را آغاز کرد. ایشان در یکی از خطبه‌های خود، هدف قیام را چنین بیان کردند: «إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطِيلًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلِبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي» (من برای فساد یا ظلم قیام نکردم، بلکه برای اصلاح امت (پیامبر(ص)) جدم برخاستم.) این جمله، به وضوح نشان می‌دهد که مبارزه با ظلم، حتی در سخت‌ترین شرایط، یک وظیفه اخلاقی و الهی است که نباید از آن غفلت کرد.

♦ جنگ ایران و رژیم صهیونیستی: تقابل اخلاقی در جهان امروز

جنگ تحمیلی میان ایران و رژیم صهیونیستی، اگرچه به‌صورت رسمی متوقف شده است، اما در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و امنیتی به‌شدت جریان دارد. رژیم صهیونیستی، به‌عنوان یک رژیم غاصب و اشغالگر، با اقدامات خود در سرزمین‌های فلسطینی و سیاست‌های تجاوزکارانه در منطقه، به نماد ظلم و فساد تبدیل شده است. این رژیم، با حمایت گسترده غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، تلاش کرده است سلطه خود را بر منطقه تحمیل و مقاومت اسلامی را سرکوب کند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، با الهام از آموزه‌های عاشورا، به‌منزله تنها قدرت اخلاقی در منطقه غرب آسیا، ایستادگی در برابر این رژیم را به‌عنوان وظیفه الهی و اخلاقی خود برگزیده است. حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی مانند حزب الله لبنان، حماس، و جهاد اسلامی فلسطین، و همچنین تلاش برای تقویت محور مقاومت، نمونه‌هایی از این ایستادگی است. این حمایت‌ها، اگرچه هزینه‌های سنگینی مانند تحریم‌های اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک، و تهدیدهای امنیتی را به‌همراه داشته است، اما ایران نشان داده است که ایستادگی در برابر ظلم، حتی در شرایط سخت، یک وظیفه الهی و غیرقابل چشم‌پوشی است.

♦ آموزه‌های عاشورا در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های عاشورا قرار دارد. یکی از مهم‌ترین اصول عاشورا، اصل «میهاد منا الذله» است؛ یعنی دوری از ذلت و پذیرش هیچ‌گونه ظلم و ستم. این اصل، در سیاست خارجی ایران به‌وضوح قابل مشاهده است. جمهوری اسلامی، با وجود فشارهای گسترده بین‌المللی و هزینه‌های سنگین، حاضر نشده است از اصول خود عقب‌نشینی کند و ظلم رژیم صهیونیستی را بپذیرا باشد. در آیه ۴۱ سوره حج، خداوند مؤمنان را به وظیفه نهی از منکر و امر به معروف در زمین فرا می‌خواند: «الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِى الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...» این آیه، به‌وضوح وظیفه حکومت اسلامی در مبارزه با فساد و ظلم را بیان می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نیز، با الهام از این آموزه، تلاش کرده است تا در برابر ظلم رژیم صهیونیستی ایستادگی کند و حقوق مظلومان، به‌ویژه مردم فلسطین، را احیاکند.

♦ هزینه‌های مقاومت

یکی از ویژگی‌های قیام عاشورا، ایثار و از خودگذشتگی در راه حقیقت و عدالت است. امام حسین(ع) و یارانش، با آگاهی کامل از سختی‌ها و خطرات، جان خود را فدا کردند تا پیام مقاومت و ایستادگی را به جهان منتقل کنند. این اصل، در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. ایران، با تحمل تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی از سوی قدرت‌های غربی، و تهدیدهای امنیتی، نشان داده است که مقاومت در برابر ظلم، یک وظیفه اخلاقی و الهی است. برای نمونه، تحریم‌های گسترده اقتصادی، که سبب فشارهای جدی بر مردم و اقتصاد کشور شده‌اند، تنها بخشی از هزینه‌هایی است که ایران برای مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی پرداخت کرده است. اما این ایستادگی، در چارچوب آموزه‌های عاشورا، نه‌تنها قابل تحمل، بلکه ضروری است. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص)، آمده است: «أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر» (برترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر حاکم ظالم است.) این حدیث، تأکید بر وظیفه اجتماعی و اخلاقی هر مسلمان برای مقابله با ظلم دارد، حتی اگر این مقابله با هزینه‌های سنگین همراه باشد.

♦ جمهوری اسلامی ایران، تنها قدرت اخلاقی

در میان کشورهای منطقه غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران به‌منزله تنها قدرت اخلاقی شناخته می‌شود که به‌طور جدی در برابر ظلم رژیم صهیونیستی ایستادگی کرده است. بسیاری از کشورهای منطقه، به دلایل گوناگون از مقابله با رژیم صهیونی خودداری کرده‌اند؛ چه به‌دلیل وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی به غرب، و چه به‌دلیل ترس از پیامدهای این مقابله. اما ایران، با الهام از آموزه‌های عاشورا و اصول انقلاب اسلامی، نشان داده است که ایستادگی در برابر ظلم، یک وظیفه اخلاقی است که نباید از آن غفلت کرد. این ایستادگی، نه‌تنها در سیاست‌های خارجی ایران، بلکه در فرهنگ و هویت ملی این کشور نیز ریشه دوانده است. ماه محرم، فرصتی است تا بار دیگر به آموزه‌های عاشورا و پیام‌های الهی این قیام عظیم توجه کنیم. جمهوری اسلامی ایران، با الهام از این آموزه‌ها، تلاش کرده است تا در برابر ظلم رژیم صهیونیستی ایستادگی کند و از حقوق مظلومان دفاعکند. اگرچه این مسیر، با سختی‌ها و هزینه‌های فراوان همراه بوده، اما بر اساس منطق عاشورا، این مسیر، مسیر درست و الهی است. ایران، با پرداخت هزینه‌های سنگین، نشان داده است که ایستادگی در برابر ظلم، یک وظیفه اخلاقی و الهی است که نباید از آن غفلت کرد. این ایستادگی، نه‌تنها یک وظیفه دینی و ملی، بلکه یک پیام جهانی است که یادآور ارزش‌های عاشورا و ضرورت مبارزه با ظلم و فساد در هر زمان و مکان است.

محرم فرصتی برای وحدت اجتماعی



ماه محرم و ایام عزاداری حسینی، به‌ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا، نه‌تنها یک رخداد مذهبی و فرهنگی است، بلکه ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تأثیرگذاری بر جامعه، اقتصاد شهری و کاهش فقر دارد. این ایام فرصتی استثنایی برای مشارکت مردمی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کند که می‌توانند به بهبود موقعیت زندگی در شهرها و ایجاد رفاه بیشتر برای اقشار محروم جامعه منجر شوند.

در این مصاحبه، با «حسین احمدزاده شهری» کارشناس اقتصادی، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های ماه محرم و عزاداری‌های حسینی به‌صورت مؤثر برای فقرزدایی، توسعه زیرساخت‌های شهری و ایجاد یک اقتصاد مردمی بهره برد. همچنین نقش مردم به‌منزله تولیدکننده، سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده در این فرآیند اقتصادی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. این گفت‌وگو تلاش دارد تا جنبه‌های کمتر دیده‌شده این رخداد فرهنگی و مذهبی را از زاویه‌ای اقتصادی روشن کند و راهکارهایی عملی برای بهره‌برداری بهتر از این ظرفیت‌ها ارائه دهد.

♦ ظرفیت‌های ماه محرم و عزاداری‌های حسینی را برای بهبود اقتصاد شهری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ماه محرم و به‌ویژه ایام تاسوعا و عاشورا یکی از مهم‌ترین رخدادهای اجتماعی و فرهنگی در ایران و بسیاری از کشورهای مسلمان است. این ماه ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تأثیرگذاری بر اقتصاد شهری دارد، زیرا عزاداری‌های حسینی به‌طور سنتی با مشارکت مردمی گسترده و فعالیت‌های اقتصادی مرتبط است. اگر به این ظرفیت‌ها به‌طور مؤثر توجه شود، می‌توان از آن‌ها برای فقرزدایی و رفع مشکلات اجتماعی بهره برد. نخستین جنبه این ظرفیت‌ها «اقتصاد مردمی» است که نقش کلیدی در عزاداری‌های حسینی دارد. اقتصاد مردمی به‌معنای مشارکت مردم در تولید، توزیع و مصرف منابع اقتصادی است. در ماه محرم، به‌ویژه در تاسوعا و عاشورا، مردم از تمامی اقشار جامعه به‌صورت داوطلبانه در فعالیت‌های اقتصادی گوناگون شرکت می‌کنند؛ از تهیه و توزیع غذا در هیئت‌ها گرفته تا برپایی مراسم عزاداری، تأمین نیازهای زائران، و حتی کمک‌های مالی به نیازمندان. این نوع مشارکت نشان‌دهنده قدرت مردم در ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی است.

به‌نظر شما، چگونه می‌توان از این ظرفیت برای فقرزدایی استفاده کرد؟ برای پاسخ به این سؤال، لازم است ابتدا به نوع فعالیت‌های اقتصادی که در ماه محرم رخ می‌دهد، توجه کنیم. یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها، توزیع گسترده غذا در قالب نذری‌ها است. این فعالیت‌ها نه‌تنها سنتی و مذهبی هستند، بلکه کاربرد اجتماعی و اقتصادی نیز دارند. بسیاری از نیازمندان در این ایام از این نذری‌ها بهره‌مند می‌شوند که خود یک شکل از فقرزدایی است. اما ظرفیت واقعی ماه محرم فراتر از این است. اگر بتوانیم این فعالیت‌ها را ساماندهی کنیم، می‌توانیم تأثیرات گسترده‌تری بر اقتصاد شهری و فقرزدایی داشته باشیم. برای نمونه، ایجاد شبکه‌های سازمان‌یافته برای توزیع کمک‌های مردمی در طول ماه محرم می‌تواند نیازهای اساسی مناطق محروم شهر را تأمین کند. همچنین، هیئت‌ها و مراکز مذهبی می‌توانند به‌عنوان کانون‌های اقتصادی عمل کنند و از کمک‌ها و مشارکت‌های مردمی برای راه‌اندازی پروژه‌های اشتغال‌زایی، تأمین مسکن یا حمایت از کسب‌وکارهای کوچک استفاده کنند.

♦ اقتصاد مردمی چگونه می‌تواند در این زمینه نقش آفرینی کند؟

اقتصاد مردمی، همان‌طور که اشاره کردید، به نقش مردم در ایجاد ارزش اقتصادی اشاره دارد. در ماه محرم، این نوع اقتصاد به‌وضوح قابل مشاهده است. مردم به‌عنوان تولیدکننده، سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده در تمامی فرآیندهای مرتبط با عزاداری نقش دارند.

برای نمونه، تولیدکنندگان موادغذایی و لوازم مورد نیاز برای مراسم عزاداری (مانند پرچم‌ها، لباس‌های مشکی، ظروف یک‌بارمصرف و...) در این ایام با افزایش تقاضا مواجه می‌شوند و فعالیت اقتصادی آنها رونق می‌گیرد. این رونق می‌تواند به ایجاد اشتغال بیشتر و افزایش درآمد برای افراد کم‌درآمد منجر شود. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان نیز از طریق مشارکت در مراسم و خرید محصولات مرتبط، به

جریان اقتصادی کمک می‌کنند.

نکته مهم این است که این چرخه اقتصادی به‌طور مستقیم به مردم وابسته است و از سوی آنها هدایت می‌شود. این نوع مشارکت مردمی می‌تواند به‌منزله الگویی برای توسعه اقتصاد شهری و کاهش فقر مورد استفاده قرار گیرد. اگر بتوانیم این الگورادر طول سال ادامه دهیم، نه‌تنها در ماه محرم، بلکه در دیگر مناسبت‌ها نیز می‌توانیم از ظرفیت‌های مردمی برای بهبود وضعیت اقتصادی بهره ببریم.

♦ آیا عزاداری‌های حسینی می‌توانند به توسعه زیرساخت‌های شهری کمک کنند؟

بله، یکی از جنبه‌های کمتر مورد توجه، این است که عزاداری‌های حسینی می‌توانند به توسعه زیرساخت‌های شهری کمک کنند. در بسیاری از شهرها، هیئت‌ها و مراکز مذهبی به‌صورت غیررسمی نقش مهمی در تأمین نیازهای شهری دارند. برای نمونه، در ایام محرم، این مراکز بیشتر به تأمین غذا، خدمات بهداشتی و حتی ایجاد محل‌های اسکان موقت برای زائران کمک می‌کنند.

اگر این فعالیت‌ها به‌طور سازمان‌یافته‌تر انجام شوند، می‌توانند به توسعه زیرساخت‌های شهری کمک کنند. برای نمونه، هیئت‌ها می‌توانند با همکاری شهرداری‌ها و سازمان‌های خیریه، پروژه‌هایی مانند احداث مراکز درمانی، مدارس، یا حتی تأمین آب و برق در مناطق محروم را انجام دهند. این نوع همکاری‌ها نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش فشار اقتصادی بر دولت و شهرداری‌ها نیز منجر شود.

♦ به‌عنوان یک کارشناس اقتصادی، چه توصیه‌ای برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های ماه محرم دارید؟

توصیه من این است که به ماه محرم و عزاداری‌های حسینی به منزله یک پتانسیل اقتصادی نگاه کنیم، نه تنها یک رخداد مذهبی یا فرهنگی. برای استفاده بهتر از این ظرفیت‌ها، لازم است که فعالیت‌های مرتبط با عزاداری به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و سازمان‌یافته انجام شوند.

یکی از پیشنهادها، ایجاد شبکه‌های مردمی برای جمع‌آوری و توزیع کمک‌ها است. این شبکه‌ها می‌توانند به‌طور متمرکز نیازهای مناطق گوناگون را شناسایی و تأمین کنند. همچنین، آموزش و آگاهی‌بخشی به مردم درباره اهمیت مشارکت اقتصادی در ماه محرم می‌تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد. مردم باید بدانند که مشارکت آنها نه‌تنها یک وظیفه مذهبی، بلکه یک اقدام اقتصادی مؤثر است که می‌تواند به بهبود وضعیت جامعه کمک کند.

در نهایت، همکاری بین هیئت‌ها، مراکز مذهبی، شهرداری‌ها و سازمان‌های خیریه ضروری است. این همکاری‌ها می‌توانند به ایجاد پروژه‌های اقتصادی پایدار منجر شوند که نه‌تنها در ماه محرم، بلکه در طول سال به جامعه خدمت کنند. عزاداری‌های حسینی یک فرصت بی‌نظیر برای توسعه اقتصاد مردمی و کاهش فقر است؛ اگر بتوانیم از آن به‌درستی استفاده کنیم، تأثیرات مثبت آن فراتر از ماه محرم خواهد بود.



کارشناس فلسفه در گفت‌وگو با صبح صادق

انقلاب اسلامی ریشه در عاشورا دارد!

نهضت امام حسین (ع)، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین وقایع تاریخ اسلام است که نه‌تنها در بستر تاریخی آن، بلکه در تمامی دوران‌ها، پیام‌های اساسی و عمیقی را به جامعه بشری ارائه کرده است. این قیام، با محوریت حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم، چهره‌ای ماندگار از اسلام ناب محمدی(ص) را به نمایش گذاشت و الگویی جاودانه برای تمام انسان‌ها شد. در جامعه امروز ایران، که با چالش‌های متعدد داخلی و خارجی مواجه است، فهم و به‌کارگیری پیام‌های نهضت حسینی می‌تواند راهگشا باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بارها بر اهمیت زنده نگه‌داشتن عاشورا و استفاده از آموزه‌های آن برای تقویت روحیه مقاومت و عدالت‌طلبی تأکید کرده‌اند. ایشان عاشورا را نه یک حادثه، بلکه یک فرهنگ معرفی کرده‌اند؛ فرهنگی که می‌تواند مسیر حرکت یک ملت را روشن کند. در این مصاحبه، با خانم «عرفانه محمدی» شاعر آیینی و کارشناس ارشد فلسفه اسلامی، به بررسی فلسفه نهضت امام حسین (ع) و ارتباط آن با شرایط فعلی ایران پرداخته‌ایم.

♦ **از نظر شما فلسفه نهضت امام حسین (ع) چیست و چرا این قیام تا این حد در تاریخ اسلام اهمیت دارد؟**

نهضت امام حسین (ع) یک رخداد عظیم تاریخی و الهی است که در بطن خود یک منظومه کامل از اصول و ارزش‌های اسلام را جای داده است. فلسفه این نهضت را می‌توان در چند محور اصلی مورد بررسی قرار داد: اقامه حق و عدل، مبارزه با ظلم و فساد، زنده نگه‌داشتن روح دین و حفظ کرامت انسانی. امام حسین(ع) در زمانی قیام کردند که حکومت یزید در تلاش بود تا جوهره اسلام را تحریف کند و ارزش‌های الهی را به‌نفع منافع دنیوی خود تغییر دهد. ایشان با قیام و شهادت خود نشان دادند که برای حفظ دین، حتی اگر لازم باشد از جان و مال نیز گذشت. این فداکاری ارزشمند است. این نهضت محدود به زمان و مکان نیست، بلکه یک پیام جهانی و فراتاریخی دارد. امام حسین (ع) یک الگوی بی‌نظیر از مقاومت، ایثار و حقیقت‌طلبی را به تمام انسان‌ها ارائه کردند.

♦ **این پیام‌ها چه ارتباطی با شرایط امروز ایران دارد؟**

ارتباط نهضت حسینی با موقعیت امروز ایران بسیار واضح و قابل درک است. انقلاب اسلامی ایران، که بر پایه اصول عدالت‌طلبی، استقامت در برابر ظلم و دفاع از ارزش‌های اسلامی شکل گرفت، در حقیقت ادامه‌دهنده همان مسیر است. در شرایط فعلی، ایران با فشارهای متعدد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی دشمنان خارجی و برخی مشکلات داخلی مواجه است. اما عاشورا به ما می‌آموزد که در برابر هر سختی و چالشی، می‌توان با تکیه بر ایمان، ایثار و وحدت، مقاومت کرد. همان‌طور که امام حسین(ع) در سخت‌ترین موقعیت، یاران خود را حول محور حق گرد آوردند، ملت ایران نیز با وحدت و همبستگی می‌تواند از این بحران‌ها عبور کند. پیام عاشورا برای امروز ایران، این است که هیچ ظلم و طغیانی ماندگار نیست و پیروزی نهایی از آن حق است. مقاومت در برابر فشارها و تهدیدها، همان چیزی است که ملت ایران از عاشورا آموخته است.

♦ **رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که عاشورا یک «فرهنگ» است، نه یک حادثه. این نگاه چه تأثیری بر جامعه ما می‌گذارد؟**

این دیدگاه بسیار کلیدی است. اگر عاشورا را تنها یک حادثه تاریخی بدانیم، آن را محدود به زمان و مکان خاصی کرده‌ایم. اما وقتی به عاشورا به‌منزله یک فرهنگ نگاه کنیم، آن را به الگویی برای زندگی تبدیل کرده‌ایم. فرهنگ عاشورایی یعنی پابندی به ارزش‌های الهی، ایستادگی در برابر ظلم، و عمل به مسئولیت اجتماعی و دینی. این فرهنگ در جامعه امروز ما به شکل‌های گوناگون بروز پیدا کرده است: از برگزاری مجالس عزاداری که روحیه ایثار و همبستگی را تقویت می‌کند، تا کمک‌های مؤمنانه که در دوران‌های سخت اقتصادی به مردم نیازمند ارائه می‌شود. فرهنگ عاشورایی یک جامعه زنده، پویا و مقاوم می‌سازد. جامعه‌ای که در برابر مشکلات، نه تسلیم می‌شود و نه به بی‌عدالتی‌هایی تفاوت می‌ماند.

♦ **یکی از نکاتی که رهبر معظم انقلاب مطرح کرده‌اند، این است که مسیر امام حسین(ع) می‌تواند دنیا را نجات دهد، به شرط آنکه چهره او تحریف نشود. این جمله از نظر شما چه معنایی دارد؟**



این جمله بسیار مهم و عمیق است. امام حسین(ع) نماد حق‌خواهی و عدالت‌طلبی است. اما اگر چهره ایشان تحریف شود، پیام جهانی و انسان‌ساز ایشان نیز به انحراف کشیده می‌شود. متأسفانه در برخی محافل، عاشورا به یک مراسم فقط سوگوارانه تبدیل شده، بدون آنکه پیام‌های عمیق آن مورد توجه قرار گیرد. تحریف عاشورا به‌معنای کاهش پیام‌های آن به یک روایت تاریخی یا حتی استفاده ابزاری از آن برای اهداف غیرالهی است. چهره واقعی امام حسین(ع) و عاشورا باید حفظ شود؛ یعنی عاشورا به‌عنوان یک مکتب و الگو معرفی شود، نه یک رخداد تلخ تاریخی. این نگاه، به‌ویژه در دنیای امروز که با بحران‌های اخلاقی و اجتماعی مواجه است، می‌تواند راهگشا باشد. حسین بن علی(ع) الگویی برای همه انسان‌هاست، نه فقط مسلمانان. اگر ما بتوانیم این پیام را به‌درستی منتقل کنیم، عاشورا می‌تواند الهام‌بخش حرکت‌های عظیمی برای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی در سطح جهانی باشد.

♦ **چه ارتباطی میان نهضت امام حسین(ع) و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟**

به نظر من، انقلاب اسلامی ایران، در ذات و ماهیت خود، امتداد تاریخی و ایدئولوژیک نهضت امام حسین(ع) است؛ نهضتی که نه‌تنها به یک قیام سیاسی و اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه یک مکتب فکری و الهی را در بطن خود جای داده است. برای فهم این ارتباط، لازم است از منظر فلسفه سیاسی و الهیات شیعی، اصول بنیادین هر دو حرکت را بررسی کنیم.

همان‌طور که گفته شد، نهضت امام حسین(ع) در عاشورا، یک قیام علیه استبداد و طغیان‌گری حکومت یزید بود؛ حکومتی که در صدد تحریف آموزه‌های اسلام و تثبیت یک نظام طاغوتی بود. امام حسین(ع)، با شعار «هیئات منا الذله»، نشان دادند که در منطق اسلام، پذیرش ظلم و بی‌عدالتی نه‌تنها غیر ممکن است، بلکه مبارزه با آن وظیفه‌ای الهی است.

انقلاب اسلامی ایران نیز بر همین اصل استوار بود. مردم ایران، تحت رهبری امام خمینی (ره)، در برابر حکومت پهلوی که نماد استبداد، وابستگی و فساد بود، قیام کردند. همان‌طور که امام حسین(ع) به‌عنوان نماد مبارزه با طاغوت شناخته می‌شود، انقلاب اسلامی نیز یک حرکت ضدطاغوتی بود که با الهام از آموزه‌های عاشورا، به پیروزی رسید.

انقلاب ایران، در ذات خود یک نهضت عاشورایی است؛ نهضتی که بر اساس اصول الهی و ارزش‌های حسینی شکل گرفت و توانست در برابر استبداد و فساد پیروز شود. نهضت امام حسین(ع)، به‌عنوان یک مکتب فکری و عملی، نه‌تنها الهام‌بخش انقلاب اسلامی بود، بلکه مسیر حرکت آن را مشخص کرد.

امروز، در شرایطی که ایران با چالش‌های متعدد مواجه است، فرهنگ عاشورایی همچنان می‌تواند راهگشا باشد. همان‌طور که امام حسین(ع) با قیام خود، اسلام را زنده نگه داشتند، انقلاب اسلامی نیز با حفظ فرهنگ عاشورا، می‌تواند به مقاومت و پیشرفت ادامه دهد و الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد. این ارتباط عمیق، نشان‌دهنده پیوستگی تاریخی و فلسفی دو حرکت است؛ حرکتی که با محوریت حق و عدالت، مسیر تاریخ را تغییر داد.



هیئت

کانون جهاد تبیین است

رژیم صهیونیستی با حمایت قدرت‌های غربی، جنگی تمام‌عیار و شبانه‌روزی را علیه ملت ایران به‌راه انداخت که اگر چه با هدف تضعیف ساختار دفاعی و تسلیم کشور طراحی شده بود. اما بار دیگر مقاومت و اتحاد ملت ایران را به نمایش گذاشت. حملات گسترده به مناطق شهری، تأسیسات حیاتی و حتی ترور فرماندهان بر جسته، نتوانست اراده ملت ایران را در هم بشکند.

پاسخ قاطع ایران در قالب حملات موشکی به اهداف مشخص در اسرائیل و پایگاه‌های متجاوزان در منطقه، نشان داد که ساختار دفاعی کشور همچنان مستحکم است و حتی در سخت‌ترین شرایط، قدرت وارد کردن ضربات کوبنده را داراست. این مقاومت، که ریشه در اتحاد مردم و باور به ایستادگی برابر ظلم دارد، در راهپیمایی‌های گسترده پس از نماز جمعه و واکنش‌های ایرانیان سراسر جهان متبلور شد و نقشه‌های شوم دشمن برای تغییر نظام و تسلیم ایران را نقش بر آب کرد. این مقاومت تاریخی، یادآور قیام عاشورا و اصل «هیئات منا الذله» است که به‌منزله راهبرد اخلاقی و سیاسی ایران در برابر ظالمان عمل می‌کند.

ماه محرم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های معنوی در تاریخ اسلام، یادآور قیام عاشورا و پیام‌های الهی و انسانی آن است. عاشورا نه‌تنها یک واقعه تاریخی، بلکه منطق اخلاقی و معنوی برای رفتار سیاسی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این قیام، الگویی برای مبارزه با ظلم، تلاش در راه عدالت و ایستادگی در برابر قدرت‌های ستمگر ارائه می‌دهد. با توجه به این آموزه‌ها، هیئات مذهبی در سراسر کشور می‌توانند به‌عنوان بستری قدرتمند برای تبیین جنایات رژیم صهیونیستی و تجاوزات اخیر آن علیه مردم ایران عمل کنند.

ایستادگی در برابر ظلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر پایه آموزه‌های عاشورا و حمایت از مظلومان شکل گرفته است. به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان علوم سیاسی، هویت انقلابی ایران ریشه در مقاومت اخلاقی و معنوی دارد که از قیام عاشورا الهام گرفته است. به‌گفته «جان اسپوزیتو» استاد مطالعات اسلامی و روابط بین‌الملل در دانشگاه جورج تاون، «انقلاب اسلامی ایران، یک نمونه بارز از پیوند دین و سیاست است که از مفاهیم مقاومت و عدالت در برابر ظلم بهره می‌گیرد.» (Esposito, ۱۹۹۹) این دیدگاه نشان می‌دهد که ایران به‌منزله تنها قدرت اخلاقی در منطقه، در برابر رژیم صهیونیستی ایستادگی می‌کند، هر چند این مقاومت با هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی همراه است. هیئات مذهبی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی و اجتماعی در ایران، می‌توانند این منطق مقاومت را به جامعه منتقل کنند. ماه محرم، فرصتی بی‌نظیر برای بازخوانی پیام‌های عاشورا و تبیین مصادیق ظلم در جهان معاصر، به‌ویژه تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی، است. رژیم صهیونیستی، به‌منزله یکی از بارزترین نمادهای ظلم و ستم در عصر حاضر، باید در این محافل به‌درستی معرفی شود.

♦ **سابقه جنایات رژیم صهیونی علیه ملت ایران**

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس خود در سال ۱۹۴۸، سیاست‌های تجاوزکارانه‌ای را علیه ملت‌های منطقه، ازجمله ایران، دنبال کرده است. اگرچه این رژیم به‌طور مستقیم با ایران مرز مشترکی ندارد، اما اقدامات خصمانه آن از طریق حمایت از گروه‌های تروریستی، ترور دانشمندان هسته‌ای و حملات سایبری، تأثیرات مخربی بر امنیت و ثبات ایران داشته است. تجاوزات روزهای گذشته، که شامل حملات گسترده به مناطق شهری، تأسیسات هسته‌ای و ترور فرماندهان عالی‌رتبه بود، نمونه‌ای بارز از این خصومت است. به گزارش مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS)، این رژیم بارها از طریق عملیات مخفیانه و همکاری با قدرت‌های غربی، تلاش کرده تا برنامه‌های علمی و دفاعی ایران را مختل کند.

علاوه بر این، رژیم صهیونیستی با حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه، به‌طور غیرمستقیم امنیت ایران را تهدید کرده است. به‌گفته «والریا تالبوت» پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات سیاست بین‌الملل ایتالیا (ISPI)، «اسرائیل از طریق حمایت از برخی گروه‌های مسلح در مرزهای ایران، به‌دنبال تضعیف جایگاه ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه است.» این اقدامات، مصادق بارز ظلم و تجاوز به حقوق ملت ایران است که باید در محافل عمومی، به‌ویژه هیئات مذهبی، مورد بحث و تبیین قرار گیرد.

نقش هیئات مذهبی در آگاهی‌بخشی و مقاومت فرهنگی هیئات مذهبی در ایران، فراتر از یک نهاد فقط مذهبی، به‌عنوان یک شبکه اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند که قادرند ارزش‌های مقاومت و عدالت‌خواهی را به عموم مردم منتقل کنند. به‌گفته «حمیدرضا مقدم‌فر» پژوهشگر علوم سیاسی، «هیئات مذهبی در ایران، به‌مثابه یک رسانه مردمی عمل می‌کنند که می‌توانند گفت‌مان مقاومت را در برابر ظلم نهاده‌نیه سازند.» در ماه محرم، این هیئات با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی مانند خطابه، نوحه‌سرایی و نمایش‌های آیینی، می‌توانند جنایات رژیم صهیونیستی را به‌صورت ملموس و عاطفی برای مخاطبان بازگو کنند.

تبیین جنایات صهیونیست‌ها در هیئات، نباید فقط به بیان رویدادهای اخیر محدود شود، بلکه باید با تحلیل‌های سیاسی و تاریخی همراه باشد. برای نمونه، می‌توان به نقش رژیم صهیونیستی در حمایت از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران اشاره کرد. بر اساس اسناد منتشرشده از سوی آرشیو امنیت ملی آمریکا، اسرائیل در دهه ۱۹۸۰، تجهیزات نظامی و اطلاعاتی گسترده‌ای در اختیار «صدام حسین» قرار داد تا ایران را تضعیف کند (National Security Archive, ۱۹۸۸) این‌گونه اقدامات و تجاوزات اخیر، نشان‌دهنده عمق دشمنی رژیم صهیونیستی با ملت ایران است و باید به‌عنوان مصادیقی از ظلم و تجاوز، در هیئات مطرح شود.

برای تبیین جنایات صهیونیست‌ها در هیئات، می‌توان از رویکردهای زیر استفاده کرد:

۱- سخنرانی‌های تحلیلی: دعوت از کارشناسان علوم سیاسی و تاریخ‌دانان برای ارائه تحلیل‌های مستند از تجاوزات رژیم صهیونی علیه ایران، به‌ویژه حملات ۱۲ روز گذشته.

۲- محتوای چندرسانه‌ای: نمایش فیلم‌ها و مستندهای کوتاه درباره جنایات صهیونیست‌ها، از جمله ترور فرماندهان ایرانی و حملات به زیرساخت‌ها.

۳- نوحه‌سرایی با مضامین مقاومت: استفاده از اشعار و نوحه‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به ظلم صهیونیست‌ها و ضرورت مقاومت اشاره دارند.

۴- نشست‌های پرسش و پاسخ: ایجاد فضایی برای گفت‌وگو میان جوانان و کارشناسان درباره نقش ایران در برابر رژیم صهیونیستی، هزینه‌های این مقاومت و رفع شبهات احتمالی درباره جنگ تحمیلی اخیر.

۵- برگزاری جلسات آموزشی: آموزش تاریخچه دشمنی رژیم صهیونیستی با ایران به نسل جوان.

۶- استفاده از نمایش‌های هنری: به‌کارگیری تعزیه و نمایش برای انتقال پیام مقاومت در برابر ظلم.

ماه محرم و قیام عاشورا، فرصتی بی‌نظیر برای بازخوانی ارزش‌های مقاومت و عدالت‌خواهی در برابر ظلم است. هیئات مذهبی، به‌منزله یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی، می‌توانند نقش کلیدی در تبیین جنایات رژیم صهیونیستی و تجاوزات آن علیه مردم ایران داشته باشند. این تبیین، نه‌تنها به آگاهی‌بخشی عمومی کمک می‌کند، بلکه منطق مقاومت ایران را که ریشه در آموزه‌های عاشورا دارد، تقویت می‌کند. با بهره‌گیری از منابع آکادمیک و تحلیل‌های مستند، می‌توان این پیام را به‌صورت مؤثر به مخاطبان منتقل کرد و زمینه‌ساز یک مقاومت فرهنگی و فکری در برابر ظلم صهیونیست‌ها شد. هیئات مذهبی باید مردم را نه‌تنها به شناخت جنایات رژیم صهیونیستی، بلکه به مقاومت فعال و آگاهی‌بخشی در برابر این ظلم فرابخوانند.

تقویم انقلاب

فرمان امام(ره)



تقویم تاریخی انقلاب در تابستان سال ۱۳۶۰ شاهد است که نظام جمهوری اسلامی هم با ضدانقلاب و تروریست‌ها و تجزیه‌طلب‌ها و کودتاجی‌ها درگیر بود و هم در جبهه‌های جنوب و غرب کشور بسا متجاوزین حزب بعث حاکم بر عراق در جنگ و سستیز بود. یعنی استقلال و تمامیت ارضی کشور در معرض خطر قرار داشت. پس از حادثه تروریستی و خونین انفجار حزب جمهوری اسلامی و شهدای هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ وضعیت امنیت داخلی و شهری دچار شرایط سخت بود، به‌دلیل اینکه هنوز دستگاه‌وزارت اطلاعات شکل نگرفته بود و مردم (آگاه و هوشیار) هر خبری را به‌دست می‌آوردند به کمیته‌های انقلاب با روحانیت مسجد، محله، دفتر امام، دادستانی و سپاه پاسداران مراجعه می‌کردند و اطلاع می‌دادند. امام راحل در تاریخ ۱۹ مرداد ماه سال ۱۳۶۰ در دیداری با دانشجویان ایرانی در اروپا و... طی سخنانی خطاب به ملت ایران فرمودند: «من بر حسب تکلیف شرعی به همه ملت عرض می‌کنم که هر منزلی، به این دو-سه تا منزلی که در اطراف خودش است، نظر بکند ببیند چه‌جور می‌گذرد. در سرتاسر ملت وقتی مملکت مال خود شما هست و دارند بر ضد مملکت شما عمل می‌کنند، خودتان باید این مسائل را حل کنید، نشینید که دولت بکند.» با اشاره به نبود دستگاه اطلاعاتی در دولت تأکید کردند: «شما باید جمعیت اطلاعاتی و گروه اطلاعاتی باشید هر انسانی می‌تواند که بفهمد این منزل همسایه کی‌ها هستند و چه می‌کنند.» (صحیفه امام، جلد ۱۵، ص ۹۹) حضرت امام(ره) که در شرایط بحرانی سال ۱۳۶۰ برای عبور از مشکلات وقت، جمله‌ای که واقعا در آن ایام کارآمد بود بیان کردند، در این مقطع و شرایط بحرانی چند روز گذشته که تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی داشتیمو به موازاتش همان گروهک‌های تروریستی مانند منافقین، جاسوس‌ها، بهایی‌ها، نفوذی‌ها، آشوبگرها، فریب‌خوردگان و ساده‌لوحان که همان نقش ستون پنجم دشمن را ایفا می‌کنند، هم داریم و به‌عبارت‌سی با متجاوزین هم‌صدایی دارند و روایت‌های دروغ و کذب را اشاعه می‌دهند، با افکار عمومی بازی می‌کنند. اما این جمله امام خمینی (ره) بر حسب تجربه تاریخی راهگشا است که چند نکته مهم آن را یادآور می‌شویم:

۱- این جمله به‌منزله به روایت معروف «کلکم راع و کلکم مسئول» است، همه مسئول یکدیگر هستند بر حسب فرمایش امام(ره) که در ذیل این روایت می‌فرمایند: «همه‌مان مسئولیم اگر فوج فوج از ما را بکشند، آن بعدی‌ها باید بیایند جایش را بگیرند. اسلام را ما باید همه‌مان فدایش شویم.» (همان، ص ۱۴.)

۲- الزاماً باید در حوزه امنیت داخلی به‌طور دائم همه دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی، مردم هر محله، همه اعضای جامعه نقش ایفا کنند. در طول سال‌های گذشته تانکون همواره از درون تهدید شده‌ایم و ضربه زده‌اند.

۳- الزاماً باید (تریبون‌ها) چه از لحاظ کمی و کیفی در همه اماکن مانند مساجد، نمازخانه‌ها، مدارس، مراکز دانشجویی حتی در روستاها مانند قبل از پیروزی انقلاب فعال باشند و عناصر مطلع در این امر نباید کوتاهی کنند و آگاسازی در اولویت باشند.

۴- بدون‌شک در تمامی مراکز حساس کشور «دشمن» داریم و دارند رصد می‌کنند. این همه عوامل مוסاد، منافق، نفوذی، آشوبگر، ریزپرنده و... در همین چند روز دستگیر شده‌اند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

قیام ۱۵ خرداد، جوششی بود از جانب مردم برای در هم کوبیدن رژیم سلطنت و گرچه بافوریت نتیجه قطعی نداد، ولی آثار بسیار باقی گذاشت و به همین مناسبت عوامل رژیم حاکم به شیوه‌های گوناگون سعی کردند با استفاده از همه امکانات و از جمله رسانه‌های گروهی اتهاماتی متوجه آن سازند، جنبه اسلامی و مردمی را از آن بگیرند، جهت خارجی به آن بدهند و افکارعمومی را فریب دهند. تبدیل جنبه معنوی به جنبه مادی و تلاش برای قلب واقعیت به تمام معنی، کوششی است که رژیم انجام می‌داد و مدعی بود مردم به‌خاطر به‌دست آوردن ۲۵ ریال، دست به تهاجم علیه دولت زده‌اند. این ادعا را شاه مطرح کرد و دیگران هم آن را تکرار کردند. اما این کافی نبود می‌بایست منبع پرداخت پول مشخص شود و لذا مسئله پول گرفتن یک مسلمان شیعه از یک مسلمان غیرشیعه عنوان شد و منظور این بود که «جمال عبدالناصر» پول فرستاده تا در ایران توطئه‌ای صورت گیرد. سپس با این مقدمات و تبلیغاتی که به‌دنبال داشت مبنی بر اینکه به‌زودی همه چیز را روی دایره خواهند ریخت، مدرک به‌دست دادند و جراید ۲۶ خرداد سال ۱۳۴۲ نوشتند که:

«در تاریخ یازدهم خرداد، شخصی به نام «عبدالقیس جوجو» از لبنان وارد فرودگاه مهرآباد تهران شد و چون مورد سوءظن مأموران گمرک قرار گرفته بود، تحت بازجویی و واریسی قرار گرفت و مبلغی معادل یک میلیون تومان از او به‌دست آمد

دهلیز

راه‌گریز!

مروری بر سرنوشت دیکتاتوری که منفور مردم بود

اجازه از محمدرضا، «سرلشکر آذربیزین» را معرفی کرد و گفت: «این فرد همیشه در تماس با شما باشد چون مورد اطمینان است.» از آن پس هر گاه خلبان انگلیسی به تهران می‌آمد، فروزین به اطلاع آذر بریزن می‌رساند و او در جلسات ستاد مرکزی شرکت می‌کرد.

آذر بریزن تسهیلات لازم را فراهم می‌کرد و سپس چند پرواز شبانه در بدترین شرایط جوی هوای ابوی یا بارانی با دید کم در زمین فوق انجام می‌شد و از چند چراغ نفتی برای تعیین حدود باند فرودگاه استفاده می‌شد. قرار بود که محمدرضا با هلی‌کوپتر به محل فوق رسانده شود و هواپیمای به محل تعیین شده پرواز کند. گفته می‌شد که اگر تمام ایران تصرف شود محمدرضا به پاکستان خواهد رفت و اگر فقط شمال کشور اشغال شود به جزیره کیش یا یکی از جزایر خلیج خواهد رفت،



فتودال‌های داخلی راعامل معرفی کنند، که باکمک کمونیست‌ها آشوب ایجاد کرده‌اند. در صورتی‌که حزب توده و ابر قدرت مورد اتکای آن شوروی به هیچ‌وجه نهضت اسلامی را نمی‌پسندیدند و این حرکت را سندی در راه خود می‌پنداشتند. همان شب ۱۶ خرداد بود که شوروی نهضت اسلامی را مورد حمله قرار داد و مطبوعات آن کشور هم به همین راه رفتند و حتی اسام خمینی (ره) را در معرض اتهام قرار دادند.

مطبوعات خارجی که هر یک از ۱۵ خرداد تصویری را ترسیم کردند. «دی ولت» در شماره ۱۲۹ خود نوشت: «در تهران صدها نفر کشته شده‌اند، دولت علم حکومت نظامی اعلام کرد،

عبدالقیس جوجوی، افسانه‌ای بود که وجود خارجی نداشت. وقتی رژیم از این نقشه نتیجه نگرفت آن را مسکوت گذاشتند و بهتر دیدند فتودال‌های داخلی را عامل معرفی کنند، که با کمک کمونیست‌ها آشوب ایجاد کرده‌اند. در صورتی‌که حزب توده و ابر قدرت مورد اتکای آن شوروی به هیچ‌وجه نهضت اسلامی را نمی‌پسندیدند و این حرکت را سدی در راه خود می‌پنداشتند.

«دی ولت» در شماره ۱۲۹ خود نوشت: «در تهران صدها نفر کشته شده‌اند، دولت علم حکومت نظامی اعلام کرد، ارتش با تانک و مسلسل علیه طرفداران رهبر مسلمانان خمینی که علیه اصلاحات شاه دست به اعتراض زده‌اند، وارد عمل شد...

حوزه علمیه نجف کربلا و کاظمین به حمایت از آیت‌الله خمینی تلگرافاتی به رؤسای کشورهای مختلف اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی مخابره و کشتار ۱۵ خرداد رژیم را محکوم کردند.



افسانه‌ای به‌نام عبدالقیسی!

مروری بر حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

ارتش با تانک و مسلسل علیه طرفداران رهبر مسلمانان خمینی که علیه اصلاحات شاه دست به اعتراض زده‌اند، وارد عمل شد... خیابان‌های مرکز شهر مملو از باقی‌مانده خرابی‌ها است. کاخ شاه در محافظت‌شدید...»

روزنامه «الاهرام» در ۱۶ خرداد نوشت: «دیروز تهران در آتش خشم شعله‌ور شد... شدیدترین تظاهرات ضد شاه بود... این تظاهرات وقتی آغاز شد که زعیم دینی روح‌الله خمینی و یاوران او دستگیر شدند... تظاهرکنندگان با شعار «مرگ بر شاه» به اداره رادیو و انتشارات هجوم کردند و کوشیدند آن را اشغال کنند... ماشین‌های ارتشی را سنگ‌باران کردند. پلیس با مسلسل و گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان یورش برد در همان ساعات اول صدها نفر کشته شدند...»

بیشتر روزنامه‌های جهان با تیتُرهای درشت از ۱۵ خرداد نام بردند و آن را مورد بحث قرار دادند. حوزه علمیه نجف کربلا و کاظمین به حمایت از آیت‌الله خمینی تلگرافاتی به رؤسای کشورهای مختلف اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی مخابره و کشتار ۱۵ خرداد رژیم را محکوم کردند. حوزه‌های علمیه داخل و روحانیون سراسر کشور با توحید کلمه دنبال قضیه را گرفتند، تمام این جریانات در حالی انجام می‌گرفت که در مطبوعات کشور هیچ خبری از حقایق و وقایع منعکس نمی‌شد. از وقایع ۱۵ خرداد فقط چند سطر و چند اعلامیه حکومت نظامی و چند جمله از مصاحبه‌های مطبوعاتی شاه و علم و پاکروان داشت. اگر کسی در جریان رویدادها نبود نمی‌دانست حکومت نظامی برای چه تشکیل شده و حملات در مصاحبه‌ها برای چیست.

حافظه

غارتگر زیمباوه

نگاهی به جنایات استعمارگران در آفریقا

و دیگر اروپایی‌ها با دین خرابه‌های به‌جا مانده از فرهنگ زیمباوه شگفت‌زده شده و تصوّر کردند که آن ساختمان‌ها به‌وسیله سفیدپوست‌ها ساخته شده است. به‌علت عاری بودن منطقه زیمباوه از «تسه تسه»، کشاورزی و گله‌داری در آن خیلی مهم و سیستم آبیاری و تسطیح زمین‌ها بر مرحله پیشرفته‌ای رسیده بود. در آنجا سدّ و آب‌روهای قابل مقایسه با نهرهای آسیا و یارم قدیم وجود نداشت. اما جوی‌های بی‌شمار و کوچک در اطرف تپه‌ها به طریقی ساخته شده بودند که نشان‌دهنده آگاهی از اصول علمی حرکت مایعات و آب بود. مردم زیمباوه درک روشن از محیط مادی خود داشتند. مردم آفریقا دارای آب‌شناس‌ها، زمین‌شناس‌ها و معدن‌یاب‌هایی بودند که تصور روشنی از محل معادن طلا و مس در زیر زمین داشتند. وقتی اروپایی‌های استعمارگر در قرن نوزدهم از راه رسیدند، دریافتند که طبقات و چینه‌های معادن مس و طلا، پیش‌تر به‌وسیله آفریقایی‌ها شناخته و استخراج شده است. بدیهی است که میزان استخراج آفریقایی‌ها کمتر از اروپایی‌ها بود؛ زیرا اروپایی‌ها از وسایل حفاری استفاده می‌کردند. در این میان، مردم زیمباوه صنعتگرانی بودند که با مهارت و ظرافت بسیاری می‌توانستند از طلا، لوازم تزئینی بسازند. روز در ۲۶ مارس سال ۱۹۰۲ گذشت. سیمسیل رودز تاجری فرصت‌طلب، سیاستمداری توسعه‌طلب و نماد امپریالیسم بریتانیا بود که تأثیر عمیقی بر تاریخ آفریقا گذاشت. ثروت او از الماس، پایه‌گذار یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان شد، اما سیاست‌هایش به سرکوب مردم بومی آفریقا منجر شد.

«سیمسیل رودز» تاجر و سیاستمدار انگلیسی، در جنوب آفریقا بود که یکی از مشهورترین حامیان سیاست‌های سلطه‌جویانه و استعمارگرایانه انگلیس به‌شمار می‌رفت. او به‌عنوان تاجر، سیاستمدار و امپریالیست مشهور، نقش کلیدی در توسعه استعمار بریتانیا در جنوب آفریقا داشت. سیمسیل جان رودز در ۵ ژوئیه سال ۱۸۵۳ در «هرتفوردشایر» انگلستان متولد شد. به‌دلیل بیماری آسم، در ۱۷ سالگی به آفریقای جنوبی فرستاده شد تا با برادرش در مزارع پنبه و کشاورزی کار کند. او بعداً به معادن الماس «کیمبرلی» پیوست و ثروت عظیمی از تجارت الماس به‌دست آورد. رودز در سال ۱۸۸۰ شرکت De Beers Mining را تأسیس کرد و با نظارت بر تقریباً ۹۰ درصد از تولید الماس جهان، به یکی از ثروتمندترین مردان زمان خود تبدیل شد. او از این ثروت برای اهداف سیاسی و توسعه‌طلبانه بریتانیا استفاده کرد. رودز عمیقاً بر تری امپراتوری بریتانیا معتقد بود و شعار معروف او (توسعه تا هر کجا که ممکن است) نشان‌دهنده دیدگاه توسعه‌طلبانه‌اش بود. او در سال ۱۸۹۰ به نخست‌وزیری مستعمره «کیپ» رسید و سیاست‌های نژادپرستانه‌ای را علیه بومیان آفریقایی اجرا کرد. رودز با حمایت بریتانیا، سرزمین‌های شمال رود لیمپوپو را تصرف کرد و آنها را (رودزیا) (به افتخار خودش) نامید. این مناطق بعدها به زامبیا و زیمبابوه تبدیل شدند. او همچنین در برنامه‌ریزی کودتای جیمسون(۱۸۹۵) برای سرنگونی دولت بوئر ها در ترانسوال نقش داشت که شکست خورد و به اف‌تضاح سیاسی انجامید. وقتی رودز نمایندگان خود را برای غارت و دزدی به زیمبابوه فرستاد، آنها

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۴۶

سرمایه تولیدآفرین

مسعود پور فرد

کار شناس اندیشه اسلامی

نگاهی به راهبردها و سیاست‌ها در حکمرانی تولید، نشان می‌دهد که نظام اسلامی فراتر از جنبه فکری توصیه اکید به حداکثرسازی تولید ثروت در جامعه، قواعد و دستورات عملی در عرصه حکمرانی اقتصادی دارد که معرفت و اجرایی‌سازی آنها می‌تواند بسیاری از مشکلات و چالش‌های امروز بشر را حل‌کند.

کوتاه کردن فاصله تولید تا مصرف

یکی از آفت‌های تولید، روی آوردن به انواع سفته‌بازی‌ها و درآمدهای بدون انجام کار است. اخلاق سرمایه‌داری با محور قرار دادن منفعت شخصی، تمامی ملاحظات اجتماعی و اخلاقی دیگر را کنار می‌گذارد و کسب درآمد از هر طریق ولو بدون کار و بدون تولید را مشروع می‌داند. اما اسلام درآمد بدون کار را حرام می‌داند. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۴۰) به این ترتیب، انواع واسطه‌گری‌ها بین تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی بدون انجام کار و افزون ارزش اضافی به محصول، باید حذف شوند. البته این امر نافی تجارت نیست، بلکه تجارت متضمن انجام کار برای رساندن کالا از یک منطقه به منطقه دیگر و انبار و نگهداری از کلاست. (نک: صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲۴) و از این نظر، تجارت به‌معنای واقعی آن نه‌تنها مضر نیست که رکن اساسی در حکمرانی تولید به‌شمار می‌رود. در نامه امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر، هویت بازرگانان این‌گونه توصیف می‌شود: «آنها منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به‌شمار می‌روند. آنها هستند که از سرزمین‌های دوردست، از پرنگاه‌ها و کوهستان‌ها و دریاها و سرزمین‌های هموار و ناهموار مواد مورد نیاز را گرد می‌آورند، از مناطقی که عموم مردم با آن سروکار ندارند و جرت رفتن به آن سامان را نمی‌کنند.»

برخورد با سفته‌بازی غیرمولد

یکی از موانع جدی بر سر راه تولید، بی‌صرف‌بودن تولید در مقایسه با سودهای حاصل از سپرده‌گذاری در بانک یا سفته‌بازی در بورس است. به همین دلیل، اسلام بهره را حرام شمرده و سرمایه به روی را باطل کرده است تا سرمایه به جامعه اسلامی به عاملی تولیدآفرین در طرح‌های صنعتی و تجاری تبدیل شود. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۴۰) اگر چه در کشور ما نظام بانکی و ساختارهای تأمین مالی، غیرربوی است. اما وجود میزان‌های سود تضمین‌شده‌ای که بیشتر از میانگین بازدهی تولید در اقتصاد است، موجب تضعیف ساختار تولید می‌شود. شهیدصدر با تمایز قائل‌شدن بین بانک بدون‌ربا و بانک اسلامی، بر این باور است که بانک اسلامی باید در خدمت مصالح اجتماعی و تولید اقتصادی قرار گیرد و صرف مبتنی‌بودن عملیات بانکی بر عقود شرعی برای این منظور کفایت نمی‌کند.(نک: صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۵۲)

در این راستا، سیاست‌های بانکی باید به‌گونه‌ای طراحی و تدوین شود که بیشترین امکان تولید را در جامعه فعال کند. برای نمونه، به‌صفر رساندن میزان های سود سپرده‌های بانک، صاحبان نقدنگی را وادار می‌سازد که برای کسب سود، سرمایه‌های نقدی خود را وارد فعالیت‌های مولد اقتصادی کنند و سرمایه‌های خود را در طرح‌های کلانی به‌کار اندازند که تا پیش از این انگیزه‌ای برای آن نداشتند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۴۱) چون سود قطعی و بدون ریسکی را دریافت می‌کردند.

بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی-۲

برمدار مصلحت

فدا کردن دین در پای حکومت و قدرت دانسته‌اند. دسته‌ای دیگر پذیرش این مقوله را در اندیشه سیاسی ولایت‌فقیه امری پسندیده دانسته‌اند، ولی بر این پندارند که به جدایی ساختاری نهاد دین از دولت و سکولاریزم و عرفی شدن حکومت اسلامی و فقه شیعی می‌انجامد. اینان وانمود کرده‌اند به هر میزان از عنصر مصلحت، بهره ببریم به همان اندازه از دین و شریعت جدا شده‌ایم، چراکه آنان مصلحت را مانعی بر سر تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها از جمله تحقق عدالت می‌دانند.

مصلحت از منظر امام(ره)

حضرت امام(ره) برخلاف این نظرات معتقد است: «مصلحت نظام، از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود... مصلحت نظام و مردم؛ از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک، زیر سؤال ببرد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیارد‌ها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.» به‌واقع از منظر ایشان توجه به مصلحت، تدبیری برای تحقق ارزش‌ها از جمله عدالت است، نه آنکه در تضاد و مخالف آنها باشد. چراکه تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها نیازمند اقتضائاتی است که بدون توجه به آن، نه‌تنها آرمان‌ها محقق نمی‌شود که گاه نتیجه عکس داده و حاصل بی‌تدبیری، نابودی ارزش‌ها خواهد بود. حضرت امام(ره) تأکید دارند: «در اسلام مصلحت نظام، از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم.» چراکه بدون این تقدم شاهد تراحم ارزش‌ها و عدم تحقق عملی آنها خواهیم بود. از منظری دیگر باید توجه کرد که مصلحت مکانیزمی برای کارآمدی و خروج از بن‌بست در نظام اسلامی است، مکانیزمی که دولت اسلامی را بالاتر از تر از دولت‌های مدرن امروزی قرار می‌دهد که داعیه کارآمدی دارند. و فراموش نباید کرد که کارآمدی نظام اسلامی به‌واقع در صورت تحقق اهداف حکومت اسلامی همچون امنیت، عدالت، رفاه محقق خواهد شد که مقوله مصلحت متضمن تحقق عملی آن است.

مصلحت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز (مصلحت) امری مقدس است! بنابر این می‌فرمایند: «بعضی



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

با هدف خنثی‌سازی خط تبلیغی شیطانی برای تحریف امام و بازنمایی وارونه از خط امام در رویکرد و عملکرد رهبر معظم انقلاب، مقرر شد در چند شماره به بررسی و بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب بر مدار عقلانیت سیاسی و مصلحت بپردازیم. در شماره اول با عنوان «بر مدار عقلانیت» به بررسی این مقوله مهم در گفتار و رفتار امامین انقلاب پرداختیم. اینک در دومین شماره، موضوع مصلحت را مبنای بررسی و بازخوانی حرکت انقلاب و امام قرار خواهیم داد.

مفهوم مصلحت و انواع آن

یکی از مفاهیم مترقی در اندیشه سیاسی شیعه که در کلام سیاسی حضرت امام(ره) تجلی بارزی پیدا کرده است، مسئله (مصلحت) است. مصلحت از متن دین سرچشمه گرفته و فقیهان به‌مناسبت‌های گوناگون در بسیاری از باب‌های فقه از آن سخن گفته‌اند. عالمان شیعه در فقه از دوگونه حکم و مصلحت سخن گفته‌اند: احکام پایدار و ناپایدار و مصلحت پایدار و ناپایدار. احکام ثابت، مصلحتی پایدار دارند که زمان و مکان و جامعه‌ای ویژه را در بر نمی‌گیرند. احکام دگرگون شونده، مصلحتی ناپایدار دارند که در هر زمان و هر مکانی به‌گونه‌ای هستند. به این دسته از احکام، احکام حکومتی، نیز می‌گویند. دستوراتی که از سوی پیامبر اسلام(ص) به‌عنوان وحی به مردم ابلاغ شده است، همه مصلحتی پایدار دارند و دگرگونی در این‌گونه احکام راه ندارد، مگر موضوع آن دگرگون شود یا در تراحم با حکم اهم قرار گیرد. دستورهایی که آن بزرگوار و یا دیگر امامان معصوم(ع) با توجّه به پیشامدها و رویدادها داده‌اند، مصلحتی ناپایدار و بر‌هه‌ای دارند و تا هنگامی عمل به آن دستورها بایسته است که مصلحت باقی باشد.

در انتقاد به اعمال مصلحت در حکومت اسلامی گروهی به‌کارگیری عنصر مصلحت را از سوی حکومت اسلامی، امری ناپسند و موجب

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۳۷

روایت پیروزی!

امیر قلی‌زاده

کار شناس سیاسی

پیام امیدبخش امام خمینی(ره) بعد از اتمام جنگ تحمیلی اول، که فرمودند: «این جنگ برکاتی برای ایران دارد که بعدها مشخص می‌شود» فرجام این جنگ تحمیلی دوم نیز دارای برکات و دستاوردهای بسیاری خواهد بود که کمترین آن تضمین امنیت ملی و بسالا بردن هزینه‌ست‌دزازی به ایران عزیز است. اما حال که زرنندگان جان برکف نیروی قهرمان هوافضای سپاه و نیروهای پدافند یکپارچه و مقتدر ارتش مکتبی در ایفای رسالت دفاعی و تهاجمی خود خوش درخشیدند، در ایام پیش‌رو که با فرامسیدن موسم عزای سرور و سالار آزادگان و مجاهدان راه خدا حضرت‌اباعبدالله‌الحسین(ع) مصادف است، رسالت و مأموریت مجاهدان عرصه تبیین و جهاد روایت‌گری و بصیرت‌افزایی هنوز ادامه دارد و لازم است «روایت فتح و پیروزی از این نبرد نابرابر» را از طریق دریدن پرده پندار باطل دشمن و خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمنان آمریکایی- صهیونیستی برای تغییر واقعیات صحنه نبرد را به گوش مردم برسانند. در این راستا، لازم است به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم قم به‌مناسبت ۱۵۹۱م مراجعه کنیم که متذکر شدند: «امروز کار اصلی دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی پاره کردن پرده توهم اقتدار دشمن است.» به‌نظر می‌رسد تحقق این فرمان رهبری مستلزم اندیشیدن به این سؤال مهم است که اولاً این پرده توهم اقتدار دشمن چرا ایجاد شده است؟ و رهبر معظم انقلاب همیشه بر لزوم «جهاد تبیین»، «ایهام‌زدایی از واقعیت‌های اصیل»، «پاره کردن توهم اقتدار دشمن» و بالاخره جلوگیری از «بزرگ‌نمایی

و سیاه‌نمایی‌های غیرواقعی» تأکید کرده‌اند. هدف تمام این موارد، جلوگیری دائمی از تضعیف روحیه مقاومت اجتماعی، درهم شکستن سلطه خارجی، جلوگیری از رعب‌ووحشت جامعه در برابر توطئه‌های دشمنان، و مقابله با تحمیل خواسته‌های استکبار بوده است. اینکه چرا این پرده توهم اقتدار ایجاد شده تابع عوامل گوناگونی است که برخی از اهم آن‌ها به شرح زیر است.
۱- **ضعف اطلاع‌رسانی مداوم**: ضعف در تبیین و اطلاع‌رسانی مداوم از سوزی مراکز تبلیغاتی نظام در تمامی سطوح، عامل تقویت توهم اقتدار دشمن است.
۲- **تاریخچه خشنونت‌آمیز سلطه غرب**: غرب با شیوه‌های استعمارگری، استثمارگری، امپریالیستی و پیچیده‌سازی این شیوه‌ها و روش‌های سلطه‌گری، سبب ایجاد قدرت و اقتداری شکست‌ناپذیر برای خود شده است.

۳- **به‌کارگیری عملیات و جنگ روانی**: عملیات روانی، به‌ویژه در شرایط کنونی، یکی از مهم‌ترین عملکرد رسانه‌های دشمنان انقلاب و مقاومت در سطح جهانی شده است. فیلم‌ها، بازی‌ها، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره‌ها و دیگر ابزارهای تبلیغاتی به‌طور گسترده درصدد انحراف جامعه جهانی از واقعیت‌های موجود هستند.

۴- **برجسته‌سازی و بازنمایی پیشرفت‌های چشم‌گیر**: یکی از دلایل ایجاد پرده توهم اقتدار دشمن، پیشرفت‌های چشم‌گیر مادی است.

به‌نظر می‌رسد مطابق با بیانات رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین عامل مقابله با این قدرت‌نمایی متکی بر جنگ ترکیبی، شناختی و عملیات‌روانی دشمنان انقلاب، به کاربستن جهاد تبیین و توانمندسازی جبهه مقاومت در همه جهت‌گیری‌ها وابسته است.

خیال می‌کنند که «مصلحت» در مقابل «حقیقت» است؛ در صورتی‌که مصلحت هم یک حقیقت است؛ کما این‌که حقیقت هم مصلحت است. اصلاً حقیقت و مصلحت از هم جدا نیستند. مصالح پنداری و شخصی است که بد است. وقتی مصلحت شخصی نیست، وقتی مصلحت مردم و مصلحت کشور است، این می‌شود یک امر مقدّس، یک امر خوب، یک چیز عزیز؛ چرا ما باید از آن فرار کنیم؟ لذا من این را واقعاً مصلحت نمی‌دانم.»

حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در نقد آرمان‌گرایی غیرواقع‌بینانه به تبیین (مصلحت) پرداخته و تأکید دارند: «مصلحت هم شده یک اسم منفور؛ آقا مصلحت‌گرایی می‌کنند! خب، اصلاً باید ملاحظه مصلحت بشود. هیچ‌وقت نباید گفت که آقا حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه، خود حقیقت یکی از مصلحت‌هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت‌اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید.» ایشان در این‌باره به نمونه‌ای اشاره دارند که قابل تأمل است: «فرض بفرمایید از لحاظ موضع نظام، نسبت به فلان حرکت سیاسی بلوک مثلاً طاغوت و مجموعه‌های استبدادی دیکتاتوری، معلوم است که ما مخالفیم، همراهی هم نمی‌کنیم، کمک هم نمی‌کنیم... معلوم است که موضع ما نسبت به برخی از جهات سیاسی‌ای که امروز در دنیا وجود دارند یا در منطقه وجود دارند، موضع روشنی است؛ اما این به هیچ‌وجه به‌معنای نفی کار دیپلماسی سنتی متعارف نیست؛ این را توجه داشته باشید. یعنی کار دیپلماسی به‌جای خودش باید انجام بگیرد، منتها جهت‌گیری، این جهت‌گیری است. کما اینکه دشمنان ما هم همین‌چور عمل می‌کنند. دشمنان ما هم در عمل دشمنی‌شان را می‌کنند، اما تعارفات دیپلماسی را هم انجام می‌دهند.»

مصلحت آنگذر مهم و مؤثر است که ولی‌فقیه را از اختیارات مطلقه برخوردار ساخته است. مطلقه بدان معنا که صاحب ولایت مقید به احکام فرعی‌الهی نیست! نمونه‌ای از این اطلاق اختیارات در این رهنمود حضرت امام خمینی (ره) آشکار می‌شود: «در اموال مشروع، اگر ولی امر تشخیص داد که این قدر که هست نباید باشد، برای مصالح مسلمین می‌تواند تصرف کند. این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولا یت‌فقیه یعنی چه! یکی اش تحدید

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲

توجه به واقعیت‌ها و اولویت‌ها



محمد رضا ملایی

پژوهشگر اندیشه سیاسی

یکی از لغز‌شگاه‌های مهم در مسیر تفکر انقلابی و عمل بر مبنای آن، تمرکز صرف بر آرمان‌ها بدون توجه کافی به واقعیت‌های میدانی و شرایط عینی جامعه است. زمانی‌که این آرمان‌گرایی از واقع‌بینی فاصله بگیرد، به‌نوعی افسراط در نگرش منتهی می‌شود که نتایج آن نه‌تنها ثمربخش نیست، بلکه مایوس‌کننده و فلج‌کننده نیز خواهد بود. اگر فرد یا جریانی، در دل جامعه‌ای واقعی و پر از چالش، تنهابه بازنمایی آرمان‌های بلند بدون ارائه نقشه‌ای عملیاتی و بدون لحاظ کردن تهدیدها، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و موانع موجود بپردازد، دیر یا زود با بن‌بست عملیاتی و در نتیجه سرخوردگی عمومی مواجه خواهد شد.

آرمان‌گرایی صحیح، یعنی پیگیری آرمان‌های بزرگ انقلاب از دل واقعیت‌های پیچیده و حتی تلخ جامعه. نمی‌توان از عدالت گفت، ولی فقر و تبعیض گسترده را نادیده گرفت. بنابر این، تصور آرمان بدون دیدن واقعیت، اصلاً تصور دقیق و راهبردی نیست، بلکه ممکن است چنین تصویری به‌جای اینکه به حرکت رو به جلو منجر شود، مخاطب را به فضای خیال‌پردازی یا توهم انقلابی‌گری بیندازد. در نقطه مقابل نیز غرق شدن در واقعیت‌ها و فراموش کردن آرمان‌ها، مسیر را به ورطه روزمرگی و بی‌هدفی خواهد کشاند. آنچه ضرورت دارد، توازن میان آرمان‌خواهی و واقع‌گرایی است. اما این واقع‌بینی

این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی امر، می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند. به یک حدّ معینی و با حکم فقیه، از او مصادره بشود.»

استاد شهید مرتضی مطهری نیز بر این باورند که: «اگر نیازهای عمومی جامعه و یا ضرورت تعدیل ثروت ایجاد کند که مالیات تصاعدی وضع شود، باید این کار انجام شود و یا اگر مصلحت جامعه اسلامی باشد می‌توان از یک مالک و یا گروهی سلب مالکیت کرد. حاکم اسلامی، برای مصلحتی بزرگ‌تر می‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد.» در باب ولایت این مسأله روشن‌تر است. در فقه شیعه، هر جا از ولایت سخن به میان آمده، از مصلحت نیز سخن رفته است، تا جایی که امام خمینی(ره) می‌نویسد: «اصل اوّلی در هر ولایتی این است که مقید به مصلحت باشند.» نباید فراموش کرد که مصلحت دایر مدار منافع فردی نیست، بلکه آنچه اعتبار و ارزش کلیدی است، مصالح امت اسلامی است که تأمین آن می‌تواند به‌مثابه اولویت اول جامعه اسلامی عمل کند و تحقق دیگر آرمان‌ها و ارزش‌ها را برای مدتی متوقف‌کند.

در همین شرایط است که حضرت امام خمینی(ره) با صراحت اعلام می‌دارد: «تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. و این بحث‌ها طلبگی مدارس که در چارچوب تئوری‌هاست، نه‌تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که به نقض ظاهری قانون اساسی منجر می‌گردد شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد(و خدا آن روز را نبورد) باید تمام سعی خودتان را کنید که خدای ناکرده اسلام در پیچ‌وخم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نشود.»

با درک این مفهوم از مصلحت است که باید توجه شود که بدون درک مصلحت حکمرانی و فعالیت سیاسی ممکن نخواهد بود و هر بازیگری در این معرکه به انحطاط خواهد انجامید.

تنها به دیدن تهدیدها و مشکلات ختم نمی‌شود. در بسیاری موارد، منابع کشور برای تحقق هم‌زمان همه اهداف کلان کافی نیست و این‌جاست که «اولویت‌سنجی» نقش کلیدی پیدا می‌کند. واقع‌بینی بدون درک اولویت‌ها، خودش می‌تواند به آشفتگی منجرشود.

فرض کنیم در کشور تهدیدات روزافزونی از ناحیه گروه‌های تکفیری با شبکه‌های سازمان‌یافته امنیتی وجود دارد. طبیعی است که در چنین وضعیتی، نظام ناگزیر می‌شود برخی آزادی‌های فردی یا اجتماعی را به‌صورت مقطعی محدود کند؛ مانند کاهش دسترسی به اینترنت جهانی یا عدم صدور مجوز برای برخی تجمعات. در این شرایط، اگر به‌نام دفاع از آزادی یا شعارهای عدالت‌طلبانه، نظام متهم به استبداد یا سرکوب شود، این خود نوعی بی‌توجهی به اولویت‌ها و اقتضائات لحظه است. مطالبه از نظام برای جابه‌جایی بودجه دفاعی به‌نفع رفاه عمومی نیز از همین جنس خطاهاست. زیرا تا زمانی‌که امنیت پایدار نباشد، هیچ رفاهی برای شهروندان قابل تأمین نخواهد بود؛ نه رفاه اقتصادی، نه رفاه فرهنگی، نه حتی آزادی سیاسی.

شناخت اولویت‌ها به این معنا نیست که ارزش‌های درجه دوم بی‌اهمیت‌اند؛ بلکه به این معناست که برای حفظ نظام و استمرار توانمندی آن، باید در لحظه حساس، فهمید که کدام‌گام باید زودتر برداشته شود. این تشخیص، از اصول مهم مدیریت انقلابی و نشانه‌ای از بلوغ تفکر انقلابی است، نه عقب‌نشینی از ارزش‌ها، بلکه تدبیر برای حفظ و تثبیت آنهاست.

سناریوی دوقطبی‌سازی!

احسان بهاری

خبرنگار

پدیده «دوقطبی‌سازی» یا بهره‌گیری از ویژگی‌های ذهن انسانی، به‌ویژه همان نظام شهودی و احساسی که «دانیل کانمن» در کتاب «تفکر، سریع و کند» توصیف کرده، عمل می‌کند. به‌گفته کانمن، حدود ۹۵درصد تصمیمات انسان‌ها از بخش سریع و احساسی ذهن سرچشمه می‌گیرد که به‌جای تحلیل منطقی، بر احساسات و برداشت‌های اولیه متکی است. دوقطبی‌سازی دقیقاً این نقطه‌ضعف را هدف قرارمی‌دهد که با خلق روایت‌هایی ساده و احساسی، جامعه را به دو اردوگاه متخاصم تقسیم می‌کند و فضای گفت‌وگوی عقلانی را به میدان جنگ احساسات تبدیل می‌سازد.

گروه‌های مخرب

سه گروه در شکل‌گیری و گسترش این پدیده نقش دارند. گروه نخست، عوامل همسو با دشمنان خارجی‌اند که با طر‌احی آگاهانه، در راستای پروژه‌های تفرقه‌افکنانه عمل می‌کنند. این‌گروه‌با ابزارهایی مانند رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین، از جمله «بی‌بی‌سی فارسی» و «ایران اینترنشنال» در بزنگاه‌های حساس مانند انتخابات یا اعتراضات، دوگانه‌های کاذبی چون «مذهب‌محور/ایران‌محور» یا «انقلابی/ملی» را ترویج می‌کنند. هدف آنها، ایجاد شکاف میان هویت ملی و باور دینی است تا انسجام جامعه ایرانی را تضعیف کنند. این جریان، چه در خارج و چه در داخل، از طریق چهره‌هایی که مواضع‌شان به‌طور مستمر با منافع بیگانگان هم‌راستاست، عمل می‌کند. هرچند بعضی از این افراد ممکن است از سر ناآگاهی در این مسیر گام بردارند، اما هم‌سویی مکرر برخی دیگر، نشانه‌ای از وابستگی فکری یا مأموریت رسانه‌ای است. گروه دوم، کاسبان سیاست و رسانه‌اند که از هر دو سوی جریان‌های سیاسی، از رسانه‌های زرد گرفته تا کانال‌های پر مخاطب مجازی، برای کسب قدرت و نفوذ از دوقطبی‌سازی بهره می‌برند. این گروه، بدون لزوم وابستگی مستقیم به بیگانگان، با تحریک احساسات عمومی به‌دنبال منافع شخصی یا جناحی‌اند. برای آنها، دوقطبی‌سازی ابزاری است برای جلب مخاطب، حتی اگر نتیجه آن هم‌راستایی ناخواسته با دشمن باشد. گروه سوم، دلسوزانی با تحلیل‌های تک‌بعدی‌اند که از سر‌خیر خواهی، اما با نگاهی سطحی، به دام دوقطبی‌سازی می‌افتند. برای نمونه، افرادی که با دیدن ظاهر غیر متعارف برخی حامیان انقلاب، بدون توجه به ارزش‌های عمیق‌تر، آنها را طرد می‌کنند. این گروه، ناخواسته به حذف نیروهای مؤثر از دایره انسجام ملی کمک می‌کنند. هرچند نیت این سه گروه متفاوت است، اما نتیجه کارشان یکی است و آن تعمیق شکاف‌های اجتماعی و هم‌سویی با پروژه‌های تفرقه‌افکنانه‌است.

کلید مبارزه

برای مقابله با این چالش، راه‌حلی سه‌گانه لازم است؛ برخورد، افشا و هدایت. در سطح اول، عوامل آگاهانه همسو با بیگانگان باید با پیگیری قضایی و امنیتی پاسخگو شوند. در سطح دوم، کاسبان سیاست و رسانه که دوقطبی‌سازی را به ابزاری برای رقابت بدل کرده‌اند، باید از طریق آگاهی‌بخشی عمومی و افزایش هزینه سیاسی رفتارشان مهار شوند. در نهایت، دلسوزان تک‌بعدی نیازمند آموزش سواد رسانه‌ای و تبیین چندلایه مسائل‌اند تا از بازی در زمین دشمن پرهیز کنند. این رویکرد چندلایه، نه با انکار دوقطبی‌سازی، بلکه با درک ریشه‌های آن و مدیریت هوشمندانه‌اش ممکن است. تنها با ترکیب برخورد قاطع، افشای منافع‌طلبی‌ها و هدایت دلسوزان، می‌توان جامعه‌ای منسجم و هوشیار در برابر تفرقه‌ها ساخت. درنهایت، حفظ وحدت ملی در گرو تقویت گفت‌وگوی همدلانه و پرهیز از سادسازی‌های احساسی است که دوقطبی‌سازی را تغذیه می‌کنند.

ایستادگی در برابر متجاوز

گزارشی درباره ۲۲ موج کوبنده ایران به خانه عنکبوتی رژیم صهیونی

در کنار این موارد مرکز تحقیقات بیولوژیکی رژیم صهیونیستی نیز زمین‌گیر شد. این مرکز تحت نظارت وزارت جنگ رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کند و نقش استراتژیکی در تحقیقات جنگ بیولوژیکی و شیمیایی دارد.

همچنین برج «آبدان» در حیف‌ا که این برج، میزبان شرکت‌های نرم‌افزاری مرتبط با صنایع نظامی است، خسارت جبران‌ناپذیری دید.

۴- زیرساخت‌های نفت و انرژی

حملات ایران به زیرساخت‌های انرژی، اقتصاد رژیم صهیونیستی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد: پالایشگاه نفت «بازان» در حیف‌ا، این پالایشگاه، یکی از حیاتی‌ترین تأسیسات صنعت انرژی رژیم صهیونی است؛ نیروگاه و منطقه صنعتی «اشدود» که نقش کلیدی در تأمین برق رژیم صهیونیستی دارد؛ نیروگاه برق حیف‌ا به‌منزله بزرگ‌ترین منابع تولید برق رژیم صهیونیستی و میدان‌های گازی «تمار» و «لویاتان» که از منابع اصلی انرژی رژیم صهیونی هستند در حملات ایران خسارات قابل توجهی دیدند.

۵- مراکز بندری و دریایی

«بندر حیف‌ا» و تأسیسات نفتی نزدیک «بندر اشدود»، به‌منزله مراکز کلیدی تجاری و نظامی، هدف حملات ایران قرار گرفتند. بندر حیف‌ا، با نقش محوری در اقتصاد و تجارت اسرائیل، دچار اختلال جدی شد.

ناکارآمدی گنبد آهنین

حملات ایران نه‌تنها توانایی تهاجمی این کشور را به نمایش گذاشت، بلکه ناکارآمدی سامانه پدافند هوایی رژیم صهیونی، به‌ویژه گنبد آهنین، را عیان کرد. «اسکات ریتز» افسر بازنشسته آمریکایی، گنبد آهنین را «شرمساری، طنز و هدر دادن پول» توصیف کرد. «تام کاراکو» مدیر پروژه دفاع موشکی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، هشدار داد که اتمام موشک‌های رهگیر صهیونی می‌تواند به یک «روز بد» برای این رژیم منجر شود. «جکسون هینکل» تحلیلگر آمریکایی، نیز اعلام کرد که قابلیت‌های دفاعی رژیم صهیونیستی در این حملات رو به اتمام بود و این رژیم «هیچ راه‌فرای» نداشت.



معروف است؛ ستاد فرماندهی مرکزی در کربا یا مغز متفکر عملیات نظامی رژیم صهیونی؛ دفتر موساد در اطراف هرتزلیا و تل‌آویو، از جمله مراکز اصلی جاسوسی رژیم صهیونیستی است، آسیب جدی دیدند. ساختمان وزارت کشور در حیف‌ا نیز هدف حملات ایران قرار گرفت.

۳- مراکز علمی و تحقیقاتی

ایران با هدف‌گیری مراکز علمی و تحقیقاتی مرتبط با صنایع نظامی، توان تحقیق و توسعه اسرائیل رژیم صهیونیستی را به چالش کشید:

مؤسسه علوم «وایزمن» که این مؤسسه همکاری گسترده‌ای با ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونی دارد، دچار خسارات جبران‌ناپذیر شد. «روعی اوزری» نایب رئیس این مؤسسه، اظهار داشت که «بیشتر تحقیقات موجود به‌طور کامل از بین رفته» و خسارات مادی آن حدود ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین پارک فناوری «گاو یام» در بئر السبع، این پارک میزبان شرکت‌های تکنولوژی‌محور غربی در خدمت ارتش صهیونیستی است، در حملات ایران مختل شد.

یکی دیگر از نقاطی که مورد آسیب جدی قرار گرفت مرکز تحقیقاتی «رافائل» در حیف‌ا بود این مرکز، یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های توسعه تسلیحات دریایی، هوایی و زمینی، به‌ویژه در بخش طراحی سلاح‌های هسته‌ای و موشکی است.

و تأسیسات بندری و دریایی بود. با توجه به سانسور شدید رسانه‌ای در رژیم صهیونیستی، احتمال می‌رود تعداد اهداف مورد اصابت بیش از این باشد. در ادامه، جزئیات این اهداف ارائه می‌شود:

۱- پایگاه‌ها و فرودگاه‌های نظامی

ایران با برنامه‌ریزی دقیق، پایگاه‌های کلیدی نظامی رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد: پایگاه‌های هوایی «نواتیم» بزرگ‌ترین مراکز عملیات هوایی رژیم صهیونی، «هاتزیریم» مرکز عملیات‌های تهاجمی رژیم صهیونیستی، «تل‌نوف» که مرکز آزمایش جنگنده‌ها و ارزیابی سیستم‌های تهاجمی و راداری ارتش صهیونی است و پایگاه‌های هوایی «عوودا» و «رامات دیوید» که در جنگ‌های منطقه‌ای، از جمله در لبنان، غزه و سوریه نقش کلیدی داشتند، خسارات قابل توجهی متحمل شدند. فرودگاه بین‌المللی «بن گوریون» که دروازه اصلی ورود و خروج رژیم صهیونیستی است، مورد هدف حملات قرار گرفت و فعالیت آن برای مدتی مختل شد.

۲- مراکز اطلاعاتی و امنیتی

حملات ایران به مراکز اطلاعاتی و امنیتی، ضربه‌ای مهلک به توانایی‌های جاسوسی و فرماندهی رژیم صهیونیستی وارد کرد: مرکز اطلاعات نظامی در تل‌آویو که به قلب عملیات اطلاعاتی ارتش اسرائیل

از نخستین ساعات تجاوز رژیم صهیونیستی به منافع جمهوری اسلامی ایران، کشورمان با اجرای مجموعه‌ای از حملات موشکی، پهپادی و سایبری، پاسخی قاطع و راهبردی به دشمن داد. این عملیات که رسانه‌های بین‌المللی، از جمله منابع انگلیسی، آن‌را «صحنه‌هایی آخرالزمانی» برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی توصیف کردند، نه‌تنها قدرت نظامی ایران را به نمایش گذاشت، بلکه ناکارآمدی سامانه‌های دفاعی رژیم صهیونیستی، به‌ویژه گنبد آهنین، را آشکار ساخت. پیش و پس از آغاز جنگ تحمیلی «ترامپ» و «تانیاهو» از تغییر رژیم، تسلیم بی‌قید و شرط و حذف توان هسته‌ای و موشکی ایران می‌گفتند و با بمباران‌ها، نفوذی‌ها و خراب‌کاران داخلی در پی این خیال خام بودند. اما ایران محاسبات آنها را برهم زد. قدرت موشکی ایران «حیف‌ا» و «تل‌آویو» را و پایگاه «العدید» آمریکا در قطر را ششخم زد و آمریکا و رژیم صهیونیستی را سراسیمه به آتش‌بس وادار کرد. ترامپ پس از هجوم موشکی ایران به العدید، سراسیمه به آتش‌بس پناه برد و جرأت شرارت را به خود راه نداد. نیروهای مسلح حماسه ضدآمریکایی و ضدصهیونی آفریدند. معادله، واژگون و دنیا مبهوت شد. تنها ایران اسلامی بود که در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۴ دو پایگاه آمریکا در العدید قطر و عین‌الاسد عراق را درهم کوبید؛ روزنامه «معاربو» هم درباره بلایی که بر سر رژیم صهیونیستی آمده است، نوشت: «لایه‌های پدافندی اسرائیل، آشکارا فروپاشیده و اوضاع در آینده وخیم‌تر می‌شود.». «یدیعوت آحارانوت» هم به نقل از یک افسر صهیونیستی نوشت: «مکان‌هایی که موشک‌های ایرانی اصابت کرده، شبیه میدان جنگ هستند. ویرانی‌هایی که در خیابان‌های تل‌آویو دیدیم، وحشتناک و دیوانه‌کننده است.»

دقیق و گسترده

بر اساس گزارش‌های مراکز نظامی ایران و اطلاعات گردآوری‌شده از منابع آشکار، حملات ایران در قالب ۲۲ موج تهاجمی، دست‌کم ۲۲ هدف راهبردی را در سرزمین‌های اشغالی هدف قرار داد. این اهداف شامل پایگاه‌های نظامی، مراکز اطلاعاتی و امنیتی، زیرساخت‌های انرژی و صنعتی

هر جنگی دو جبهه دارد! این گزاره در جریان جنگ دوازده روزه تحمیلی اخیر هم صدق می‌کند؛ در این میدان یا در حال نبرد با رژیم صهیونیستی بوده‌ایم و یا از مدافعان جمهوری اسلامی ایران. در این میان، بی‌طرفی عین در زمین دشمن بازی کردن است. نکته دیگری هم که باید به آن توجه کرد، این است که در دل دشمنی، افراد را می‌توان در دسته مخالفان باشرف و بی‌شرف تقسیم‌بندی کرد؛ تمایزی که تنها در موقعیت بحرانی مانند جنگ آشکار می‌شود.

اپوزیسیون‌هایی که به موساد گرا می‌دادند! در جنگ دوازده روزه که دشمن صهیونیستی، موجودیت ملت ایران را هدف قرار داده و از همه خطوط قرمز عبور کرده بود. برخی مخالفان وطنی در کنار این مزدوران قرار گرفته و با وطن‌فروشی، شرف خود را زیر پا گذاشتند. این گروه، با مخالفانی که حتی در اختلاف نظر، شرافت خود را حفظ می‌کنند، تفاوت بنیادین دارند. در این جنگ، اپوزیسیون، برخی سلبریتی‌های سابق و خارج‌نشین موضعی آشکارا علیه ملت ایران و در کنار جنایتکاران بین‌المللی اتخاذ کردند. «منشه امیر» مدیر سابق رادیو اسرائیل، در مصاحبه‌ای با شبکه «ایران اینترنشنال»، با عصبانیت از ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهدافش در حمله به ایران سخن گفت: «خشم و سردرگمی در

پایان اپوزیسیون!

خائن به ایران خواند و گفت: «اسرائیلی‌ها گمان می‌کردند با هدف قرار دادن فرماندهان ایرانی، رضا پهلوی پیاپی صادر می‌کند و مردم به‌خیابان‌ها می‌ریزند. اما آنها در محاسبات خود درباره قدرت ایران، همبستگی مردم و نفوذ اپوزیسیون اشتباه کردند. در ایران کسی پهلوی را جدی نمی‌گیرد.» «شهرام همایون» فعال سیاسی خارج‌نشین، نیز با اعتراف به پیروزی ایران در این جنگ، اظهار داشت: «رضا پهلوی و مشاورانش اطلاعات حمله به ایران را به موساد دادند. او در این جنگ بازنده‌ای بدنام و سرفاکنده خواهد بود و جامعه ایرانی این افراد را نخواهد بخشید.» «فرامرز دادرس» عضو سابق گارد شاهنشاهی، نیز با انتقاد شدید از حامیان پهلوی، آنها را «بزدل» و «ترسو» خواند.

بازوی رسانه‌ای صهیونیسم

این مواضع در حالی است که شبکه‌هایی مانند ایران‌اینترنشنال سال‌هاست با شعارهایی چون «نه غزه، نه لبنان» و «زن، زندگی، آزادی» تلاش کرده‌اند تا همبستگی منطقه‌ای ایران را تضعیف کنند. اما امروز مردم ایران به‌وضوح دریافته‌اند که این شعارها بخشی از پروژه‌ای بزرگ‌تر برای تضعیف ایران بوده است. وقتی غزه و لبنان تضعیف شوند، ایران نیز در معرض تهدید قرار می‌گیرد. رضا پهلوی، که خود را ملی‌گرا می‌خواند، در این جنگ به‌عنوان پیاده‌نظام رژیم صهیونیستی عمل کرد، اما برخلاف اسکندر مقدونی در داستان تاریخی

آریو برزن، این بار نه‌تنها رژیم صهیونیستی به پیروزی نرسید، بلکه خود درگیر هرج‌ومرج داخلی، فرار شهروندان و استفاده از مردهش به‌منزله سپر انسانی شده است. در این میان، شکست راهبردی رژیم صهیونیستی در حمله به ایران، دشمن را به‌سوی جنگ روانی سوق داده است.

رسانه‌هایی مانند ایران‌اینترنشنال، که عملاً به بازوی رسانه‌ای صهیونیسم تبدیل شده‌اند، با دستکاری اخبار، بزرگ‌نمایی نارضایتی‌های گذشته و بازتولید چهره‌های شکست‌خورده‌ای چون رضا پهلوی، تلاش دارند شکست میدانی را به پیروزی روانی تبدیل کنند. ایران‌اینترنشنال دیگر حتی تظاهر به بی‌طرفی نمی‌کند و آشکارا در خدمت اهداف صهیونیستی عمل می‌کند. در این موقعیت، وظیفه رسانه‌های داخلی بیش از پیش سنگین است. آنها باید با روایت‌سازی هوشمند، تولید محتوای اثربخش و تمرکز بر موفقیت‌های ملی، خط مقدم این جنگ روانی را حفظ کنند. این جبهه، اگرچه فاقد توپ و تانک است، اما قلب‌ها و ذهن‌ها را نشانه گرفته و حقیقت، قدرتمندترین سلاح در این میدان است. پیروزی ایران در جنگ دوازده روزه نه‌تنها یک دستاورد نظامی، بلکه نشانه‌ای از همبستگی ملی و ایستادگی در برابر توطئه‌های خارجی بود. این پیروزی باید با روایت درست و قاطع به ذهن و قلب مردم ایران منتقل شود تا تلاش‌های دشمن برای تحریف آن خنثی شود.

یادداشت

رسوایی بزرگ در سیمای معاند!

سعید رضایی

خبرنگار

در بحبوحه جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران، بار دیگر شاهد اوج‌گیری عملکرد مغرضانه و غیر حرفه‌ای شبکه‌های فارسی‌زبان معاند، بودیم. این رسانه‌ها که سال‌هاست با شعار «بی‌طرفی» و «آزادی بیان» سعی در جلب مخاطب دارند، در این کارزار اخیر، نقاب از چهره انداخته و به‌وضوح در قامت (بلندگوی پروپاگاندای رژیم صهیونیستی) ظاهر شدند.

عملکرد این شبکه‌ها در پوشش اخبار مربوط به عملیات «وعده صادق» و پس از آن، گواهی روشن بر این مدعاست. «بی‌بی‌سی فارسی»، با سابقه‌دیرین در خبرسازی و جهت‌دهی، تلاش کرد تا با تقلیل عملیات ایران به (حمله‌ای ناکام) و بزرگ‌نمایی توان دفاعی رژیم صهیونی، افکار عمومی را به‌نفع تل‌آویو سوق دهد. گزارش‌های یک‌جانبه، عدم پرداخت به ابعاد دقیق عملیات ایران و تأکید مکرر بر ادعاهای رژیم صهیونیستی، رویه ثابت این شبکه بود.

شبکه «من‌وتو» نیز که پیش از این نیز بارها به‌دلیل جهت‌گیری‌های خاص خود مورد انتقاد قرار گرفته بود، در این مقطع زمانی، عملاً به ابزاری برای انتشار روایت صهیونیستی بدل شد. تحلیل‌های آیکی و مغرضانه کارشناسان مدعو، پخش تصاویر گزینشی و تلاش برای تضعیف روحیه ملی، بخش جدایی‌ناپذیری از برنامه‌های این شبکه بود.

اما در این میان، «ایران اینترنشنال» گوی سبقت را از دیگر رقبا ربود و به‌معنای واقعی کلمه، نقش «اسلحه رسانه‌ای در خدمت رژیم صهیونیستی» را ایفا کرد. این شبکه که از دیرباز به‌دلیل منابع مالی مشکوک و خط مشی ضدایرانی‌اش شناخته شده بود، در این بحران به اوج تباهی رسانه‌ای خود رسید. از پخش لحظه به لحظه تصاویر از شهرهای اشغالی و نشان دادن (آرامش) در آنجا، تا دعوت از کارشناسان کاملاً همسو با مواضع صهیونی و پوشش گسترده بیانیه‌ها و اظهارات مقامات صهیونیستی، همه و همه نشان از یک جنگ رسانه‌ای تمام‌عیار به‌نفع رژیم متخاصم داشت. گزارش‌های دروغین و بزرگ‌نمایی خسارات وارده به ایران در صورت هرگونه پاسخ احتمالی، از دیگر اقدامات این شبکه که برای ایجاد رعب‌ووحشت در میان مخاطبان بود.

این رویکرد یک‌جانبه و به‌شدت مغرضانه، نه‌تنها «رسوایی بزرگ» برای این شبکه‌ها به‌شمار می‌رود، بلکه بار دیگر ماهیت واقعی آن‌ها را آشکار ساخت؛ رسانه‌هایی که نه به‌دنبال «خبر» هستند و نه «حقیقت»، بلکه تنها ابزاری در دست قدرت‌های خارجی برای پیشبرد اهداف خاص خود هستند. این (آبروریزی تاریخی) در سیمای رسانه‌های معاند، نشان داد که در بزنگاه‌های حساس، نقاب بی‌طرفی از چهره آن‌ها فرو می‌افتد و عیان می‌شود که منافع چه کسانی را نمایندگی می‌کنند.

مخاطب هوشیار ایرانی، با رصد دقیق عملکرد این شبکه‌ها در این مقطع حساس، به‌خوبی به جهت‌گیری‌های جانب‌دارانه و منافع پشت پرده آنها پی برده و تفاوت میان خبر و پروپاگاندا را درک کرده است. این تجربه بار دیگر ثابت کرد که اعتماد به رسانه‌هایی با چنین کارنامه سیاهی، نتیجه‌ای جز انحراف افکار عمومی و تحریف واقعیت نخواهد داشت.

نگاهی به الزامات روایت فتح جنگ ۱۲ روزه

هنرمندان در خط مقدم

آر ش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، فارغ از ابعاد نظامی و سیاسی، میدان نبردی نوین را گشوده است: جنگ روایت‌ها. در این کارزار، هنرمندان نه تماشاچی، که در خط مقدم قرار دارند. وظیفه آنها فراتر از تنها بازتاب وقایع است؛ آن‌ها مسئول ثبت، تحلیل و انتقال تجربه این جنگ به نسل‌های آینده‌اند. این مسئولیت خطیر، از جهات گوناگونی نیازمند چگونگی‌هایی است.

خلاق‌ها در خط مقدم

امروزه، در عصر اطلاعات و ارتباطات، جنگ تنها در میدان نبرد فیزیکی رخ نمی‌دهد. قدرت‌های جهانی تلاش می‌کنند تا با دستکاری افکار عمومی و تغییر روایت‌ها، اهداف خود را پیش ببرند. در این میان، نقش هنرمندان حیاتی است. آنها با زبان هنر می‌توانند پیچیدگی‌های جنگ را به‌گونه‌ای ملموس و تأثیرگذار به تصویر بکشند که هیچ گزارش خبری یا تحلیل سیاسی قادر به انجام آن نیست. در جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونی و حامیان و متحدانش با تمام توان رسانه‌ای خود تلاش کرد تا روایت دلخواه خود را غالب کند. اما هنرمندان ایرانی وظیفه دارند تا با خلاقیت و تعهد خود، واقعیت را بازتاب دهند. این جنگ روایت‌ها نیازمند هنرمندانی است که با درک عمیق از وقایع، به دور از هرگونه کلیشه و شعار، حقیقت را فریاد بزنند.

مهدی امیدی

خبرنگار

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی نه‌تنها یک آزمون بزرگ برای نیروهای نظامی کشورمان بود، بلکه عرصه‌ای برای نمایش قدرت رسانه‌ای، همبستگی ملی و اتحاد مردمی نیز به‌شمار می‌رفت. در این میان، صداوسیما با تمام امکانات خود، نقشی کلیدی و مؤثر در جهت‌دهی به افکار عمومی، حفظ روحیه مقاومت و در نهایت رسوا کردن جنایات رژیم صهیونی ایفا کرد.

یکی از ویژگی‌های برجسته رسانه ملی در این جنگ، توانایی آن در تولید و انتشار اخبار دقیق و شفاف بود. در شرایطی که اخبار و اطلاعات از سوی دشمنان ایران با دروغ و تحریف همراه بود، صداوسیما توانست با ارائه گزارش‌های معتبر، واقعیت‌های میدان نبرد و حقایق پشت پرده جنایات رژیم صهیونیستی را برای مردم آشکار سازد. این اقدام نه‌تنها اعتماد عمومی را تقویت

کرد، بلکه موجب شد مردم ایران، علی‌رغم فشارها و تهدیدات خارجی، در کنار هم ایستاده و همبستگی ملی خود را دوچندان کنند.

در کنار اخبار و گزارش‌های جنگی، تولیدات هنری و برنامه‌های خاص فرهنگی نیز تأثیر بسزایی در تحکیم روحیه ملی داشت. برنامه‌های مستند، گفت‌وگوهای تلویزیونی و ویژه‌برنامه‌های جنگی با محوریت روحیه مقاومت و پیروزی، تأثیر شگرفی بر افکار عمومی داشتند. این برنامه‌ها نه‌تنها تصویر دقیقی از روند جنگ و دستاوردهای ایران به نمایش گذاشتند، بلکه به شکلی هنرمندانه، بر اهمیت اتحاد ملی و اراده مردم برای مقابله با دشمنان تأکید کردند.

در این میان، رفتار متین و حماسی «سحر امامی» مجری خبر صداوسیما در هنگامه بمباران محل اجرایش بود که به یک نماد تبدیل شد. از سوی دیگر، صداوسیما با پخش اخبار و گزارش‌های مربوط به جنایات رژیم صهیونی، توانست چهره واقعی این رژیم را برای جهانیان



حقیقت، انسانیت و ایرانیت به نمایش می‌گذارد. این رویکرد، به دور از هرگونه سفارشی‌سازی، تضمین می‌کند که آثاری اصیل و ماندگار خلق شوند که به‌راستی بازتاب‌دهنده واقعیت‌های این دوران باشند.

فریادی عدالتی

یکی از تلخ‌ترین و در عین حال مهم‌ترین ابعاد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان و کودکان توسط رژیم صهیونیستی بود. این جنایات، در سکوت یا حمایت رسانه‌های غربی، تلاش شد تا کم‌اهمیت جلوه داده شود. هنرمندان وظیفه دارند تا با تمام وجود، این حقیقت تلخ را فریاد بزنند. آثار هنری و ادبی باید آینه‌ای تمام‌نما از رنج مادران، کودکان معصوم و انسان‌های بی‌گناهی باشد که قربانی ماشین جنگی صهیونیست شدند. نقاشی‌هایی که چهره‌های وحشت‌زده کودکان را به تصویر می‌کشند، شعرهایی که از درد و بی‌کسی‌سر می‌دهند، و فیلم‌هایی که شاهدان عینی این فجایع را به تصویر می‌کشند، همگی

برداشت

صدای اتحاد سیمای حماسه

آشکارا کند. تصاویر وحشیانه از حملات صهیونیست و عوامل نفوذی آن به مناطق غیرنظامی، کشتار زنان و کودکان بی‌گناه و تخریب زیرساخت‌های حیاتی در سرزمین‌های اشغالی، نه‌تنها در رسانه‌های داخلی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به‌شدت واکنش‌هایی را برانگیخت. این رویکرد رسانه‌ای در کنار گزارش‌های دقیق از عملیات‌های موفق ایران، به‌تدریج سبب شد که بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی موضع ضدصهیونیستی اتخاذ کنند.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی موفقیت صداوسیما در این جنگ، توانایی در ارائه برنامه‌های خبری تأثیرگذار در کنار ایجاد فضایی حماسی و متحدکننده بود. این رسانه با بهره‌گیری از بازیگران و هنرمندان برجسته کشور، سریال‌ها و نمایش‌های تلویزیونی را با مضمون مقاومت و پیروزی بازپخش کرد.

نکته مهم، لزوم تداوم این رویکرد برای مقابله با جریان رسانه‌ای رژیم‌های سلطه‌گر و

سینما

تهدید به مرگ

اعتراض به تجاوز نظامی به ایران



«ایمی لو وود» بازیگر بریتانیایی، اعلام کرد که پس از اشتراک‌گذاری یک کلیپ الهام‌گرفته از سخترانی ضدجنگ «تونی بن» در سال ۱۹۹۸ (زمانی که بحث حمله به عراق مطرح بود)، تهدیدهای خشونت‌آمیز و حتی تهدید به قتل دریافت کرده است: «عاشق دریافت تهدیدهای زنده مرگ و

خشونت فقط به‌خاطر اینکه گفتم من مخالف جنگ و کشته شدن انسان‌های بی‌گناه هستم... دنیا دیوانه است.» این واکنش پس از آن رخ داد که ایالات متحده در روز یکشنبه (۲۲ ژوئن سال ۲۰۲۵) به برخی تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد.

ابزارهایی قدرتمند برای بیداری وجدان‌های خفته جهانی هستند. ثبت این ابعاد انسانی و فاجعه‌بار جنگ، نه‌تنها وظیفه‌ای اخلاقی است، بلکه به افشای چهره واقعی رژیم صهیونیستی در برابر افکار عمومی جهان کمک شایانی می‌کند.

ثبت اقتدار و مقاومت

در کنار نمایش جنایات دشمن، ثبت توانمندی ایران در دفاع از خود و به شکست واداشتن رژیم صهیونیستی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جنگ، نقطه عطفی در تاریخ منطقه بود که نشان داد ایران، با تکیه بر توانمندی‌های بومی و اراده ملت خود، قادر به دفاع مقتدرانه از تمامیت ارضی و منافع ملی خود است. هنرمندان باید این بعد از جنگ را نیز با دقت و صلابت به تصویر بکشند. نمایش رشادت رزمندگان، هوش و تدبیر فرماندهان، و اتحاد و همدلی مردم در پشت جبهه، می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد. خلق آثاری که به شکلی هنرمندانه، ابعاد قدرت دفاعی و نظامی ایران را به تصویر می‌کشند، یا آثاری که به مقاومت و پایداری مردم در برابر فشارهای دشمن می‌پردازند، همگی در راستای تقویت روحیه ملی و تبیین دستاوردهای این جنگ است. این آثار، باید نشان دهند که پیروزی ایران در این جنگ، نه‌تنها یک اتفاق، بلکه نتیجه سال‌ها تلاش، برنامه‌ریزی و اراده‌ای پولادین بوده است. در نهایت، جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونی علیه ایران، فصلی جدید در تاریخ معاصر ایران گشود. فصلی که نیازمند ثبت و ضبطی دقیق، هنرمندانه و صادقانه است. این مسئولیت بر دوش هنرمندان متعهد این سرزمین است. آنها باید با نگاهی ژرف و از دل برآمده، واقیعت‌ها را به تصویر بکشند، رنج‌ها را فریاد بزنند، و پیروزی‌ها را جشن بگیرند. این‌گونه است که روایت فتح ایران، نه‌تنها در صفحات تاریخ، بلکه در قلب و ذهن آیندگان نیز برای همیشه حک خواهد شد.

ظالم است. تولید آثار نمایشی و سریال‌هایی که بتوانند تاریخ جنگ و مقاومت ملت ایران در برابر تهاجمات خارجی را به نسل‌های آینده منتقل کنند، یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در این راستا خواهد بود. چنین آثاری می‌توانند نه‌تنها روحیه ملی را حفظ کرده، بلکه به جهانیان نشان دهند که ایران هرگز در برابر تهدیدات خارجی کوتاه نمی‌آید و همچنان بر اصول استقلال، آزادی و مقاومت پایبند است.

در پایان، صداوسیما باید همواره به‌منزله یک نهاد فرهنگی و رسانه‌ای پیشگام در ترویج پیام‌های مقاومت و عدالت‌خواهی عمل کند و از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای خود برای مقابله با چالش‌های پیش رو بهره‌برداری کند. تولید آثار مستند، سریال‌های حماسی و برنامه‌های ویژه در راستای شفاف‌سازی جنایات رژیم صهیونیستی و حمایت از مظلومان جهان، نه‌تنها وظیفه ملی، بلکه یک ضرورت اخلاقی است که باید در دستور کار رسانه‌های کشور قرار گیرد.

فیلم

اشک هور

نمایش بر خط دو فیلم



همزمان با سالگرد شهادت «شهید علی هاشمی» دو فیلم سینمایی «اسفند» و «اشک هور» درباره این سردار شهید دفاع مقدس، در سکوهای نمایش خانگی به اکران آنلاین رسیدند. فیلم سینمایی «اسفند» به کارگردانی «دانش اقباشاوی» با محوریت زندگی شهید علی هاشمی، روایتگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های فرماندهان دفاع مقدس در عملیات خیبر است. «اشک هور» به نویسندگی و کارگردانی «مهدی جعفری» نیز با شعار «بازگشت دوباره قهرمان» روایت روزهای پایانی زندگی شهید علی هاشمی است که نخستین‌بار در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر به نمایش درآمد.

پایتخت حماسه

گزارش صبح صادق از تشییع باشکوه شهدای اقتدار در تهران



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

دوم محرم الحرام، مصادف با هفتم تیرماه ۱۴۰۴، تهران شاهد یکی از باشکوه‌ترین و تاریخی‌ترین صحنه‌های حضور مردمی در ایران اسلامی است؛ آیین تشییع پیکر مطهر بیش از ۶۰ شهید والامقام اقتدار، شامل فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای، زنان، کودکان و اصحاب رسانه، از میدان انقلاب اسلامی آغاز شد و با حرکت عظیم و پرشور مردم به سوسی میدان آزادی، به تابلویی بی‌نظیر از وحدت ملی، استکبارستیزی و عشق به آرمان‌های انقلاب تبدیل شد. این مراسم، نه‌تنها یادآور عاشورای حسینی بود، بلکه کاروانی از ایثار و شهادت را به نمایش گذاشت که پیام ایستادگی و مقاومت را در قلب پایتخت طنین انداز کرد.

♦ از دانشگاه تهران تا میدان آزادی

مراسم تشییع از مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، مکانی که سال‌هاست به‌عنوان خاستگاه قیام‌ها و بدرقه شهدا شناخته می‌شود، با تلاوت آیه ۳۸ سوره حج به‌صورت رسمی آغاز شد: «إِنَّ اللَّـهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّـهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ»* (مسئلاً خدا از مؤمنان دفاع می‌کند، قطعاً خدا هیچ خیانت‌کار ناسپاسی را دوست ندارد.) از ساعات اولیه صبح، سیل عظیم جمعیت از اقشار مختلف، از پیر و جوان، زن و مرد، با دل‌هایی سوگوار اما سرافراز، در میدان انقلاب گردهم آمدند تا پیکر‌های پاک شهدا را تا میدان آزادی همراهی کنند. حضور پرشور مردم، با پرچم‌های سرخ «لبنیک یا حسین(ع)» و دست‌نوشته‌هایی م‌رین به‌شعارهای ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی، فضای شهر را به صحنه‌ای از حماسه و عزت تبدیل کرد. شعارهای کوبنده «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا» در هوای محرمی تهران طنین انداز

شد و بغض فروخورده ملت ایران از جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه جبهه مقاومت را به نمایش گذاشت.

♦ شهدایی از جنس مقاومت و اقتدار

پیکر‌های مطهر شهدای گران‌قدر، از جمله سردار حسین سلامی (فرمانده سابق کل سپاه)، سردار امیرعلی حاجی‌زاده، سردار محمد باقری، سردار شادمانی، سردار رمضان ایزدی و دیگر فرماندهان ارشد مقاومت، با احترامی بی‌نظیر همراهی شد تا نشان دهد که این خط سرخ، خط سبزی است که راه را به نمایش می‌کشد؛ در میان شهدا، حضور پیکر‌های چهار کودک و چهار بانوی شهید، پیام روشنی به جهان‌نیسان مخابره کرد و آن اینکه رژیم صهیونیستی نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در میدان انسانیت نیز شکست خورده است. این شهدا، از خانه تا جبهه، نمادهایی از جهاد نسل‌به‌نسل و خانه‌به‌خانه بودند که نشان‌دهنده گستردگی میدان مبارزه امروز است. به میدان انقلاب که می‌رسیدی نگاه به دیوارنگاره میدان انقلاب معطوف می‌شد که با تصاویری از فرماندهان و دانشمندان شهید، به نمادی از پیوند نسل‌ها در مسیر مقاومت تبدیل شده بود. عمده جمعیت را جوانان و نوجوانان پر کرده بودند که با فریادهای «الله اکبر»، یادآور حماسه‌سازان انقلاب ۵۷ بودند و نشان دادند که راه شهدایی چون سلامی، حاجی‌زاده، باقری و طهرانچی همچون سلیمانی، شهریار، صیاد شیرازی، فخری‌زاده ادامه دارد. در طول مسیر قوت قلب جوانان پیرزن‌ها و پیر مرد‌های بودند که با عصا و کمری خمیده به راه خود ادامه می‌دادند بدون اینکه لحظه‌ای توقف کنند.

♦ تجلی وحدت ملی

مراسم تشییع شهدای مقاومت، تنها به حضور مردم محدود نبود. چهره‌های برجسته کشوری و لشکری، از جمله مسعود پزشکیان (رئیس‌جمهور ایران)، محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس شورای اسلامی)، سید عباس عراقچی (وزیر امور خارجه)، سردار اسماعیل قلاتی (فرمانده نیروی قدس سپاه)،

غلامحسین محسنی اژهای (رئیس قوه قضائیه) و دیگر مقامات ارشد، در کنار علما، دانشجویان، کارگران، خانواده‌های شهدا و اقشار مختلف مردم حضور داشتند. این حضور گسترده، نمادی از انسجام ملی بود که ریشه در عشق به شهدا و نفرت از ظلم داشت. حضور خانواده‌های شهدا، به‌ویژه مادران، پدران، همسران و فرزندان شهدا در صفوف اول، به مراسم عمق عاطفی و معنوی خاصی بخشیده بود. تصاویر کودکان خردسال که تصاویر پدران شهیدشان را در دست داشتند، قلب هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد و در عین حال، عزم ملت را برای ادامه راه شهدا راسخ‌تر می‌کرد.

♦ خون شهدا، شتاب‌دهنده حرکت ملت

محمد مخبر، دستیار رهبر معظم انقلاب، در حاشیه مراسم اظهار داشت: «دشمن تصور می‌کند با ترور نخبگان و فرماندهان ما می‌تواند ملت ایران را متوقف کند، اما خون این شهدا شتاب‌دهنده حرکت ماست. پاسخ ما به جنایات دشمنان نه از سر هیجان، بلکه از جنس حکمت و اقتدار است. ملت ایران اهل فراموشی نیست و جانیtkاران در صورت تکرار، با هزینه‌ای پشیمان‌کننده مواجه خواهند شد.» غلامحسین محسنی اژهای، رئیس قوه قضائیه، نیز با اشاره به حضور پرشور مردم گفت: «این حضور نشان‌دهنده آن است که خون شهدا در تسریع دستیابی به اهداف انقلاب اثرگذار است. وقتی آژانس انرژی اتمی با دشمن همکاری می‌کند، طبیعی است که نمی‌توان مثل گذشته با آن‌ها تعامل کرد. رژیم صهیونیستی و آمریکا محکوم به نابودی‌اند و آنچه باقی می‌ماند، مردانگی و عزت است.» حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، نیز تأکید کرد: «هدف دشمن ایجاد تفرقه بود، اما نتیجه برعکس شد و امروز شاهد اتحاد و یکپارچگی بی‌نظیری هستیم.»

♦ نمادهای هویت اقتدار

بر اساس اعلام منابع رسمی، پیکر‌های شهدا با رعایت وصیت‌نامه‌هایشان در مکان‌هایی به خاک سپرده خواهند شد که هر یک، بخشی از هویت مقاومت رادر

خود جای داده‌اند: - شهدایان حسین سلامی و ربانی: در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شهرری. - شهدایان حاجی‌زاده و محمد باقری: در قطعه مدافعان حرم بهشت زهر(اس). - شهید شادمانی: در همدان، در جوار شهید همدانی. - شهید کاظمی: در مشهد، کنار حرم امام رضا(ع). - شهید رمضان ایزدی: در قم، در جوار حرم حضرت معصومه(س). - شهدایان محمد باقری و محرابی: در قطعه ۲۴ بهشت زهر(اس)، معروف به قلب فرماندهی دفاع مقدس. - شهید رشید و فرزندش: در دزفول، زادگاه مقاومت. این انتخاب‌ها، نه‌تنها احترام به وصیت شهدا بود، بلکه پیامی نمادین از تداوم راه مقاومت در سراسر ایران را به جهانیان مخابره کرد.

♦ اعتراف رسانه‌های بین‌المللی

حضور گسترده مردم ایران در این مراسم، بازتاب وسیعی در رسانه‌های جهانی داشت. شبکه تی‌آرتی ترکیه این رویداد را «تاریخی» توصیف کرد و به حضور رئیس‌جمهور و دیگر مقامات در کنار مردم اشاره داشت. فرانس ۲۴ از حضور «هزاران نفری» مردم و تشییع فرماندهان ارشد چون سردار سلامی و حاجی‌زاده گزارش داد. سی‌ان‌ان و آسوشیتدپرس نیز به پوشش این مراسم پرداختند و از حضور چشمگیر مردم ایران در وداع با شهدا سخن گفتند. رسانه‌های عربی مانند الجزیره و العربیه نیز ایسن رویداد را به‌صورت گسترده پوشش دادند و برخی بخش‌هایی از آن را به‌صورت زنده پخش کردند.

♦ معجزه خون شهدا

هنوز داغ شهدای جنگ تحمیلی صهیونیستی بر دل‌های ملت ایران تازه بود که معجزه خون این شهدا، انسجام و یکپارچگی بی‌نظیری را در کشور رقم زد. این مراسم، نه‌تنها تجدید پیمان با شهدا، بلکه اعلام دوسراره عزم ملت برای ادامه راه مقاومت بود. حضور میلیونی مردم در گر‌مای سوزان تیرماه، با تیپ‌ها و سلاایق گوناگون، نشان داد که خون سرخ شهدا همچنان قادر است قلب‌های یک ملت را به هم پیوند دهد و عزت و استقلال ایران را تضمین کند.

بیانیه سازمان حسابرسی سپاه

شهید سلامی، فرمانده مقتدر

الهی، فرمانده معظم کل قوا و آحاد نیروهای مسلح، و با تکیه بر رسالت انقلابی خود، بر استمرار راه این شهیدان برای تحقق آرمان‌های والای انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌ورزند. اکنون که اقتدار و توانمندی‌های منحصر بفرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عرصه پیش‌برندگی بیش از پیش بر همگان اعم از دوست و دشمن آشکار شده و این اقتدار به فرموده فرمانده والامقام، «سردار شهید سپهد حسین سلامی» سازمان حسابرسی سپاه که با تدبیر این شهید عزیز، بنا نهاده شده و از ابتدا به این هدف مقدس تأسی جسته است، عهد می‌بندد به حول قوه الهی و با هدایت و حمایت فرمانده محترم کل سپاه با قوت برای حفظ و ارتقای طهارت، انضباط مالی اعتمادآفرین و اطمینان‌بخش و منزلت این نهاد مقدس تلاش کند.»

سازمان حسابرسی سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی با صدور بیانیه‌ای درباره جنگ ۱۲ روزه تحمیلی به کشور مان تأکید کرد: «مانند گذشته با قوت برای حفظ و ارتقای طهارت، انضباط مالی اعتمادآفرین و اطمینان‌بخش و منزلت این نهاد مقدس تلاش خواهد کرد.»

در بخشی از این پیام آمده است: «بار دیگر رژیم جعلی، غاصب و خون‌ریز صهیونیستی با حمایت اربابانش، چهره پلید خود را در برابر دیدگان جهانیان عیان ساخت و با حمله بد دلانه و ناجوانمردانه، خاک پاک ایران اسلامی را آماج وحشیگری خود قرار داد و جمعی از فرزندان برومند این سرزمین، فرماندهان دلاور نیروهای مسلح و سپاه را به شهادت رساند. رژیم منحوس صهیونی، شیطان بزرگ و همراهان مستکبر آن، ضل توجهات حضرت حق و معصومین (ع)، شخصیت مدبّر و متوکّل

روی خط

شهدا را یاد کنید!

۰۹۱۲۰۰۰۳۴۱۵/ سردار شهادت

حق شما بود؛ اما دل ما همچنان برای تبسم‌های همیشگی‌تان، نورانیت چهره‌تان، رجز‌خوانی‌های حماسی‌تان، امیدهای شدنی‌تان تنگ می‌شود. پیش اربابمان امام حسین(ع) دعاگویمان باش و سفارشمان را کن که تا در این مسیر ولایت و انقلاب بمانیم و شهید شویم.

۰۹۳۷۰۰۰۶۷۸۱/ خیال باطل دشمن این

است که با شهادت دانشمندان هسته‌ای می‌تواند سد راه حرکت جوانان و دانشمندان ایران شود. ایران کشوری است که بهتر از همه پیامبر اسلام(ص) آن را توصیف کرده: «علم اگر در ثریا هم باشد مردانی از پارس به آن دست پیدا می‌کنند.»

۰۹۱۳۰۰۰۴۴۷۵/ حماسه‌ای که مردم

پایتخت در تشییع شهدای اقتدار انجام دادند حقیقتاً افتخار ایرانی بودن و شهادت را در دل جوانان دو چندان می‌کند ان‌شاء‌الله در سال‌های آینده به قدری در میدان علم و عمل فرمانده و دانشمند تربیت کنیم که خواب دشمن را به کابوس تبدیل کنیم.

۰۹۱۷۰۰۰۳۸۲۲/ در روضه‌هایتان شهدا را

یاد کنید در روضه‌هایتان دشمنان را ذلیل کنید در روضه‌هایتان امید را به جوانان تقدیم کنید و نعمت ولایت را به مردم تشریح کنید این روزها آتش دوقطبی‌سازی رسانه‌های دشمن دوباره شعله‌ور شده است.

۰۹۱۶۰۰۰۹۹۱۷/ ایام محرم حسینی(ع) را به

مردم ایران تسلیت می‌گویم؛ محرم امسال باید پررنگ‌تر از هر سال باشد دشمن باید بداند که مردم ایران زیر بیرق امام حسین(ع) و پیروان او سینه می‌زنند نه یزیدبانی مثل ترامپ و نتانیاهو و ایدای رسانه‌ای آن‌ها مثل شبکه‌های اینتر نشنال

وی بی سی و...

۰۹۱۲۰۰۰۶۷۶۷/ دنیا بداند که ما با شهدایمان

هیچگاه وداع نمی‌کنیم؛ بیعت می‌کنیم.

۰۹۱۴۰۰۰۶۴۵۲/ گروهی خبیث آرژانتینی

که عناد ذاتی و بدون دلیل با ایرانیان دارد را فقط باید محاکمه بین المللی کرد؛ این احمق گفته ایران اورانیم ۶۰ درصد را در مکان‌های تاریخی اصفهان پنهان کرده است؛ به همین اندازه کودن است.

۰۹۱۵۰۰۰۳۴۲۲/ یک رئیس جمهور دلک

در اروپا کم بود یک دلکک دیگر در آمریکا رئیس جمهور را به دست گرفته این سگ زرد آمریکایی مردم آمریکا را هم به سخره گرفته.

۰۹۳۸۰۰۰۵۰۰۱/ مردم ایران چه در دوران

جنگ تحمیلی دوازده روزه چه در این روزها با تشییع شهدا نشان دادند که خیبر شکن اصلی مردم ایران هستند! خدا عز‌ت‌ان بدهد.

۰۹۱۲۰۰۰۳۰۲۱/ جانم و زندگی‌ام فدای

رهبرم. برای سلامتی و طول عمر رهبر معظم انقلاب صلوات.

۰۹۲۱۰۰۰۶۳۶۵/ خدا را شکر که دست پلید

شبکه‌های اینتر نشنال و بی بی سی برای مردم ایران رو شد. این مزدوران و منافقین خارج از وطن که تنها اشتراکشان با ما فارسی صحبت کردنشان است دشمنی‌شان شدیدتر از دشمنان است. خدا لعنتشان کند که در جنگ دوازده روزه فقط از رژیم صهیونیستی حمایت کردند. روز۹۱۹۰۰۰۵۳۵۲/ علیرضا دبیر خدا قوت! جواب خوبی به رضا پالان پهلوی دادی! مرتیکه هنوز پول تو جیبی‌اش را از مادرش می‌گیرد برای آینده ایران تصمیم می‌گیرد هر چند پول‌های مادرشم هم پول‌های دزدی است که از حق و حقوق مردم ایران به جیب زده است.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

سیماک‌باقری،سعدالله‌زادعی،

عزیز غضنفری،فرهادمهلوی، مه‌دی‌سعیدی،

فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر

دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی:محمد صالح نادری

نگارش‌و‌ویرایش:محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس:حامد‌گودزی

ناظرچاپ:سعید‌قاسمی

چاپ:مرکز چاپ‌سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶۰۱(۰۲۱)

basirat.ir

@ssweekly

نمابر:۰۲۱)۷۷۴۸۸۴۶۶

سامانه پیامک:۰۲۳۳۰۰۹۹۰۳

شماره ۱۱۹۴ | دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

کتابخانه



سلام بر حسین(ع)

سلام ما به حسین(ع) و به کربلای حسین(ع)

سلام ما به علمدار باوقای حسین(ع)

سلام ما به سلامی که عصر عاشورا

نموده بر بدن غوطه ور به خون زهر(اس)

سلام ما به جبین شکسته زینب(س)

سلام ما به نماز نشسته زینب(س)

سلام ما به بدن های مانده در صحرا

سلام ما به ملاقات زینب(س) و زهر(اس)

سلام ما به لب چوب خیزران خورده

به آن خرابه نشینی که نیمه شب مرده

سلام ما به تنوری که اشک زهر(اس) ریخت

به اشک بچه یتیمی که در سحرها ریخت

سلام ما به فرات به موج سوزانش

سلام ما به ابوالفضل(ع) و چشم گریانش

کاروان سرخ حسینی(ع)

انگشت حیرت را به لب ها می فشاریم

دلواپس آلاله ها در انتظاریم

اشک غریبی می چکد از گونه هامان

با پک جهان اندوه و حسرت، بی قناریم

بُغضی نهفته در میان سینه ی ماست

شاید گریز روضه ای دیرینه داریم

آتش زبانه می کشد در موج ماتم

بر غربت ایل شقایق غمگساریم

آتش نشانه رفته قلب آسمان را

گل های پرپر را به باران می سپاریم

هم ناله با موج غم سردار هامان

بر صخره های بی کسی سر می گذاریم

اما خدا با ماست تا جان در بدن هست

ما ملت عشقیم ما آقیدواریم

ما در پناه پرچم سرخ حسینیم

یعنی همیشه تاقیامت ماندگاریم

شور شهادت تا همیشه در سر ماست

از امتحان عاشقی باقی نداریم

ما شادمانی ما سلامی ما رشیدیم

صدشکر حاجی زاده های این دیاریم

عباسی و فقیهی و صدیقی و ایثار

طهرانچیان اهل علم و افتخاریم

ما ایزدی ما کاطمی، ما باقری ها

ما امت واحد، همیشه بی شماریم

با کاروان سرخ یاران حسینی

چشم انتظار مقدم صبح بهاریم

محمد مهدی عبداللهی

صبحانه

تلاش دوباره

بزرگ‌ترین ضعف ما در تسلیم شدن است. مطمئن ترین راه برای موفقیت این است که فقط یک بار دیگر تلاش کنیم. صد درصد مطمئن باشید آنچه را اکنون بکارید، بعداً درو خواهید کرد.

داستان

ریشه در خاک

همیشه به ترکی می گفت: «وطن ودین آدمین آناسی کیمین دی، آدم جانین دا وزر.» «وطن و دین شبیه مادر آدم است که آدم جانش را برایش فدا می‌کند.» تصور این صحنه قلبم را به لرزه درآورده بود. مردی با قلبی سرشار از ایمان، در میان آشوب و هراس، آرام می‌نشیند، دستانش را به‌سوی آسمان می‌گشاید و می‌گوید: «آماده‌ام.» اینان عاشقان حقیقی‌اند، نه گرفتار عشق‌های گذرا، بلکه دل‌بسته به عهدی ابدی. شهادت، لحظه‌ای است که در آن همه‌چیز یکی می‌شود: درد، عشق، غرور و وصال. گویی دستان عاشق او را در برمی‌گیرد و در او محو می‌شود. دیگر نه ترسی باقی است، نه اندوهی.

پدر دوستم به آرزوی خویش رسید، به زیباترین و عزتمندانه‌ترین شکل ممکن. نه با ضعف یا هراس، بلکه با غرور و آغوشی باز به‌سوی معبود. موشک دشمن آمد، اما او آن را در آغوش کشید و به وصال رسید تاوطن همچنان استوار بماند. هرچند زخمی، اما قوی؛ هرچند لنگان، اما روان. این است معنای عشق به خاک، عشقی که در خون و خاک ریشه دارد و تا تابد جوادن می‌ماند.

«تبریز» نشست، هرج‌ومرج همه را فراگرفت. زنان فریاد کشیدند، مردان ندانان به‌هم فشردند، پلدم را می‌دیدم و مطمئن بودم که بسه این فکر می‌کند که امروز روز من است؛ اگر یک روز مردان آتش‌نشانی حماسه خلق می‌کنند، یک روز نظام سلامت کشور جانفشانی می‌کند و اگر هر شغلی به فراخور زمانش جانانه وارد میدان می‌شوند، امروز روز مردان نظامی کشور بود که باید سینه سپر می‌کردند؛ پلدم محکم‌تر قدم‌هایش را برداشت. گویی از پیش می‌دانست که مقدر چیست. راه افتاده بود وسط معركة و بعد از چند روز انگار دستانش را به‌سوی آسمان گشوده بود و موشک دشمن را، چون عاشقی که معشوق را در برمی‌گیرد، به آغوش کشیده. سپس، لحظه وصال فرا رسیده بود و آن شهادت بود.

در حیطات خانه، زیر سایه درخت گردویی کهنسال، نشسته بودیم. نسیمی ملایم برگ‌ها را به رقص آورده بود، گویی طبیعت نیز در سوگ این مرد بزرگ اشک می‌ریخت. به دوستم نگریستم، به چشمانش که پر از درد و افتخار بود. گفتم: «پدرت انگار از پیش می‌دانست که به‌سوی چه مقصدی رهسپار است. گویی با محبوب خویش وعده‌ای دیرین داشت.» او سری تکان داد و گفت پلدم

تلخند

ترامپ با حمله به ایران نشان داد که ماشین جنگی رژیم صهیونیستی است/ کارتونست: کارلوس لتوف / برزیل



سلامت

سلامتی در میان غبار

با افزایش گردوغبار در آسمان شهرها، حفظ سلامتی به یکی از دغدغه‌های اصلی تبدیل شده است. ذرات معلق در هوا می‌توانند به دستگاه تنفسی آسیب بزنند، مشکلات پوستی ایجاد کنند و حتی بر سلامت قلب تأثیر بگذارند. در این شرایط، رعایت چند نکته ساده اما مؤثر می‌تواند به ما کمک کند تا از

خودمان در برابر این تهدید پنهان محافظت کنیم.

اولین گام، کاهش قرار گرفتن در معرض هوای آلوده است. تا حد امکان در خانه بمانید و در صورت نیاز به خروج، از ماسک‌های فیلتردار مانند N۹۵ استفاده کنید. پنجره‌ها را بسته نگه دارید و از دستگاه‌های تصفیه هوا بهره ببرید. نوشیدن آب فراوان نیز به دفع سموم از بدن کمک می‌کند. همچنین، شست‌وشوی مرتب بینی با محلول آب و نمک می‌تواند ذرات گردوغبار را از مجاری تنفسی پاک کند.

تغذیه مناسب در این روزها نقش کلیدی دارد. مصرف مواد غذایی سرشار از آنتی‌اکسیدان‌ها می‌تواند با التهاب ناشی از آلودگی مقابله کند. میوه‌هایی مانند پرتقال، کیوی و توت‌فرنگی به دلیل دارا بودن ویتامین C، سیستم ایمنی را تقویت می‌کنند. سبزیجات برگ‌دار مانند اسفناج و کلم بروکلی، سرشار از ویتامین E و بتاکاروتن، به محافظت از ریه‌ها کمک می‌کنند. ماهی‌های چرب مانند سالمون، به دلیل امگا۳، التهابات بدن را کاهش می‌دهند. همچنین، چای سبز و زردچوبه به دلیل خواص ضدالتهابی، گزینه‌های عالی برای نوشیدنی و ادویه روزانه هستند. مصرف آجیل، به‌ویژه بادام، نیز به تأمین ویتامین‌ها و تقویت بدن کمک می‌کند.

ورزش در فضای بسته، مانند تمرینات سبک خانگی، می‌تواند به بهبود گردش خون و کاهش استرس کمک کند. در نهایت، خواب کافی و مدیریت استرس نیز از عوامل مهم حفظ سلامتی در این روزها هستند.

شهادت هنر مردان خداست

شهادت مظلومانه **برادر پاسدار «کیومرث کوثری مقدم»** از همکاران معاونت سیاسی سازمان بسیج مستضعفین

بر اثر حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی را تبریک و تسلیت می‌گویم.

بدون شک، مزد اخلاص و ایمان را سخ مردان خدا، چیزی جز شهادت نیست.

صادقانه

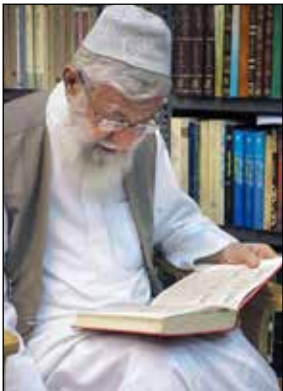
مرگ با عزت

امام حسین علیه السلام(روز عاشورا) فرمود: مرگ با عزت از زندگی ذلیلانه برتر است. مرگ برتر از همراه شدن با عار و خواری است و خواری از ورود در آتش برتر است.

موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام ۴۹۹، ج۲۸۹.

غیر رسمی

توصیه به رهبری!



رهبر معظم انقلاب اصلا به سن شان نمی‌خورد ولی خیلی کار می‌کنند، خیلی کار می‌کنند، همه‌اش مشغول خواندن و نوشتن هستند، برای سخنرانی‌ها وقت صرف می‌کنند، طبیعتا درباره کارهای کشور چه داخل چه خارج در نهایت ایشان باید تصمیم بگیرند و گزارش‌ها به ایشان می‌رسد. الحمدلله خداوند خواسته ایشان سالم باشند.

درباره توصیه‌ها، مثلا می‌گفتیم میوه بخورید و اصرار می‌کردیم که مصرف کنید بعد از چندبار گفتن از بچه‌هایی که آنجا مقدمات را فراهم می‌کنند. پرسیدیم ایشان میوه می‌خورند گفتند، شما که گفتید از ما پرسیدند که میوه‌ها چه قیمتی دارند، وقتی قیمت‌ها را گفتیم ایشان آن چیزهایی که شما گفته بودید را نخواستند ارزانترین میوه را خواستند و فراهم کردیم. یعنی برایشان مهم بود همان که مردم استفاده می‌کنند را مصرف کنند.

سیدعلیرضامرندی

سرپرست تیم پزشکی

رهبر معظم انقلاب

حسن ختام

ای نور امید

ای مهدی موعود، در این دنیای پر از سایه‌های تردید، نام تو چراغ امید است که در دل‌هایمان می‌درخشد. هر صبح که خورشید طلوع می‌کند، گویی نوید آمدنت را به قلب‌های منتظر زمزمه می‌کند.

تو ای وعده‌ی الهی، در پس ابرهای غیبت، نوری هستی که راه را به ما نشان می‌دهد. بیا که جهان در انتظار عدالت تو نفس می‌کشد. ما، با دستانی پر از دعا و قلبی لبریز از امید، به سوی تو چشم دوخته‌ایم. هر گاممان در این مسیر، با یاد تو استوارتر می‌شود.

چشممان به روزی است که تو می‌آیی و زمین را از مهر و داد پر می‌کنی؛ این باور است که جانمان را زنده نگه می‌دارد.

یا امام زمان، در هر لبخند کودک، در هر جوانه‌ی سبز، نشانه‌ای از تو می‌بینیم. ما منتظریم، نه با ناامیدی، که با شوق دیدار. دعای فرجمان، غزل امیدی است که در سینه‌ها جاری است. بیا، ای بهار پنهان، که با آمدنت، جهان گلستان می‌شود و قلب‌هایمان از عشق و عدالت تو لبریز. ما منتظریم، بسا امیدی که هرگز خاموش نمی‌شود.

